

آموزش فا در کنفرانس فا در استرالیا

لی هنگجی

۳-۲ مه ۱۹۹۹، سیدنی

درد بر همگی! (تشویق)

در یک چشم به هم زدن یک یا دو سال از آخرین باری که به سیدنی آمدم، گذشته است. آخرین بار موقع کنفرانس فا آمدم. در آن زمان شاگردان زیادی نبودند و مطالعه دافا محدود به مردم چین می‌شد. اکنون افراد بیشتری هستند و بعد از مدتی تزکیه، احساس می‌کنم قادر هستید فا را از درون فا بفهمید. همان‌طور که تزکیه می‌کنید، سؤالات زیادی برای پرسیدن دارید که مایلید جواب‌شان را دریافت کنید. احساس کردم در این زمان با آمدن به این کنفرانس، واقعاً می‌توانم به تعدادی از سؤالات پاسخ داده و بعضی از مسائل را برایتان حل کنم. موقع خیلی خوبی بود، بنابراین تصمیم گرفتم بیایم و همه را ببینم.

در مدت این دوره از تزکیه، وضعیت استرالیا نسبتاً خوب بوده است. اگرچه هنوز هم درخصوص اصول فا در تزکیه، درک‌هایی کمتر از [درک و فهمی] روشن وجود دارد، اما موقعیت کلی خوب است. امروز بیشتر می‌خواهم همه را ملاقات کرده و درباره برخی از مشکلات این مسیر بحث و گفتگو کنم. از این‌رو، امروز پس از اتمام سخنرانیم، اساساً به سخنان شما گوش فرا می‌دهم و سپس فردا، زمانی را در وقت بعدازظهر، برای پاسخگویی به سؤالاتان قرار خواهم داد. می‌توانید هر سؤالی که دارید روی تکه‌ای از کاغذ نوشته و آن را به گروه مربوط به کنفرانس، که آن‌ها را به من می‌دهند، بدهید و من به آن‌ها پاسخ می‌دهم.

یک شرط برای پاسخگویی به سؤالات وجود دارد. من این‌جا برای پاسخگویی به سؤالات شاگردان فالون دافا در رابطه با تزکیه‌شان هستم، نه برای پاسخگویی به سؤالاتی در رابطه با چیزهایی که در جامعه عادی بشری اتفاق می‌افتد و یا سایر سؤالات مربوط به جامعه بشری. به این‌گونه سؤالات نمی‌توانم پاسخ دهم، زیرا درحال حاضر فقط مسئول تزکیه‌کنندگانم هستم، و نمی‌خواهم درگیر سیاست، سیاست‌گذاری‌ها، یا قوانین و مقررات هیچ کشوری شوم. همان‌طور که این تعهد را می‌پذیرم، مجبورم مسئول مردم باشم و هم‌زمان، مجبورم مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه را نیز مورد توجه قرار دهم. توسعه و رشد جامعه عادی بشری، از پیش تعیین شده است و برطبق قانون خودش به پیش می‌رود، و نمی‌خواهم درگیر چنین چیزهایی شوم.

بعد بگذارید در رابطه با چند موضوع بحث کنیم. همگی می‌دانند در هر جا که با شاگردان ملاقاتی داشته‌ام، همیشه درباره موضوعی صحبت کرده‌ام، یعنی، به همه می‌گویم که کتاب را بیشتر بخوانند و فا را بیشتر مطالعه کنند. با وجود آن‌که همه می‌دانند که من در این باره صحبت خواهم کرد، هنوز هم در این باره سخن خواهم گفت، زیرا اگر بخواهید در دافا رشد کنید، خواندن کتاب و مطالعه فا بیشترین اهمیت را دارد. اگر دافایی را که امروزه به‌طور عمومی درحال توزیع و گسترش آن هستم به‌عنوان چی‌گونگی معمولی تلقی کنید، پس مرتکب اشتباهی وحشتناک می‌شوید. اگر بدنی سالم و سلامتی می‌خواهید، می‌توانید برای درمان بیماری‌هایتان به بیمارستان بروید، یا از طریق دیگر ابزارهای پزشکی درمان شوید. فکر می‌کنم اگر تنها توجه شما معطوف به سلامتی‌تان است، می‌توانید برای درمان پزشکی به آن‌جا بروید. من بیماری‌ها را شفا نمی‌دهم. شما را به پیمودن یک راه درست تزکیه و یک مسیر روشن هدایت می‌کنم. پول درآوردن از دافا از طریق درمان بیماری‌ها اجازه داده نمی‌شود. من شما را در پیمودن پاک‌ترین مسیر هدایت می‌کنم. برای صعود واقعی از طریق تزکیه، فرد باید در مطالعه فا ثابت‌قدم باشد.

گفته‌ام که ماده و ذهن یکی هستند. این مسئله که اول ذهن می‌آید یا ماده، به‌طور مرتب برای مدت طولانی در جامعه فیلسوفان در سراسر دنیا بحث و گفتگو شده است. برای شما مثال‌های زیادی را ارائه کرده‌ام. اکنون می‌دانیم فکری که هنگام فکر کردن

مردم یا تعمق در موضوعی ایجاد می‌شود به صورت ماده متجلی می‌شود. پس آیا این ذهن نیست؟ این طور می‌شود گفت که، ماده و ذهن یک چیز هستند. کل جهان، از میکروسکوپی‌ترین گرفته تا ماکروسکوپی‌ترین، از کوچک‌ترین گرفته تا بزرگ‌ترین، و ذرات همه ماده، همه خصوصیت ویژه‌ای دارند، یعنی جن، شن، رن. پس این جن، شن، رن - ویژگی کیهان - هر جنبه از هر چیزی را در سطوح مختلف کیهان مهار و محدود می‌کند. در حقیقت، ماده از این خصوصیت ویژه غیرمادی تشکیل شده است. بنابراین، ماده و ذهن یک چیز و مثل هم هستند.

برخی از مردم درک اشتباهی دارند. آنها می‌گویند، «وقتی چی‌گونگ تمرین می‌کنم، فقط چی‌گونگ تمرین می‌کنم، و نیازی نیست که شین‌شینگ خود را ارتقاء دهم یا کتاب‌ها را بخوانم.» این حیاتی‌ترین مشکلی است که درباره آن برای تان خواهیم گفت. یک نفر با چنین تفکری هرگز قادر نخواهد بود که ترفیع یابد و ممکن نیست که کسی فقط از طریق تمرین چند حرکت چی‌گونگ، از بیماری رها شود. حتی بسیاری از مردم در سرزمین چین این را دریافته‌اند. اگر فا را مطالعه نکنید یا کتاب را نخوانید، اصول زیربنایی را نفهمید، نتوانید استانداردهای اخلاقی تان را بالا ببرید، نتوانید شین‌شینگ خود را رشد دهید و شخص خوب و بهتری شوید، پس بیماری‌هایی^۱ خواهید داشت. زیرا انسان‌ها همگی این طور هستند و در واقع انسان‌ها بیماری‌هایی دارند، فقط زمانی که ورای مردم عادی بروید، به طور واقعی رها از بیماری‌ها خواهید شد. بنابراین فقط با تمرین کمتر یا بیشتر حرکات، غیرممکن است به ورای مردم عادی رفت. فقط از طریق درک واقعی اصول فا، بالا بردن ذهن و قلمروی تان و شخص بهتری شدن - شخص خوبی که ورای مردم عادی رفته است، یا به عبارت دیگر شخصی خارق‌العاده - به بیماری‌هایی که مردم عادی باید به آن‌ها مبتلا شوند، مبتلا نمی‌شوید. اصل این است. الان درباره این صحبت کردم که چگونه فقط از طریق شخص بهتری شدن و ورای انسان عادی معمولی امروزه رفتن می‌توانید واقعاً رها از بیماری‌ها شوید. پس، اگر بخواهید به قلمروهای بالاتر تزکیه کنید، آیا نباید شرایط بالاتری نیز برای آن باشد؟ رها بودن از بیماری برابر با این نیست که شخص در قلمروهای بالاتر تزکیه می‌کند، بلکه این است که فقط شخص سطح اخلاقی بالاتری نسبت به مردم عادی دارد. آنچه من از شما می‌خواهم انجام دهید این است که ورای مردم عادی رفته و حتی بالاتر صعود کنید - به طوری که حتی شخص بهتری باشید، شخصی با ارزش‌های اخلاقی بالاتری باشید. فقط به این صورت می‌توانید از طریق تزکیه صعود کنید.

امروزه برخی از تمرین‌کنندگانی که چینی نیستند، به مطالعه فا زیاد اهمیت نمی‌دهند و آن را خیلی خوب درک نمی‌کنند. آنچه هم‌اکنون گفتم، شاید چیزها را برای شما روشن کرده باشد. زیرا حرکات چی‌گونگ فقط یک روش تکمیلی تزکیه هستند، آن‌ها مطلقاً نقشی اساسی را ایفاء نمی‌کنند. اگر شین‌شینگ شما صعود نکند و قلمروی شما به قلمروی بالاتری ارتقاء پیدا نکرده باشد، بدون توجه به اینکه چقدر حرکات را تمرین کرده باشید، صعود نخواهید کرد. فقط وقتی شین‌شینگ شما به استاندارد بالا رسیده باشد، می‌توانید ترقی کنید و از بیماری‌ها رها شوید. فقط وقتی خودتان را با الزامات و شرایط بالاتر و بهتری نگه دارید، می‌توانید شخصی شوید که فراتر از مردم عادی رفته است و کسی که دیگر یک فرد عادی نباشد. این بدین دلیل است که افکار، رفتار و اعمال مردم در اجتماع عادی، همان طور که همگی می‌توانید مشاهده کنید، برای منفعت خودخواهانه‌شان است. آن‌ها به شدت خودخواه هستند، حتی تا آن حد که از هر وسیله لازمی برای نفع شخصی استفاده می‌کنند. هم‌چنین، این دوره فساد شدید ارزش‌های اخلاقی است. اگر مانند فردی عادی باشید، آیا می‌توانید صرفاً به وسیله تمرین و حرکات، بیماری‌هایتان را معالجه کنید؟ امکان ندارد! اگر مانند فردی عادی باشید، آیا می‌توانید فقط از طریق تمرین حرکات، فردی فوق‌العاده شوید؟ مطلقاً غیرممکن است. بنابراین، همگی باید کتاب را بخوانید! دلیل این است که، وقتی اقلیم معنوی و تفکر شما به استاندارد بالایی نرسیده است، نه بیماری‌های شما معالجه خواهد شد و نه به قلمروی بالاتری می‌رسید. این دلیل آن است که چرا به همه می‌گویم که کتاب را بیشتر و بیشتر بخوانند و درباره نیاز ضروری به مطالعه کتاب صحبت می‌کنم.

فا می‌تواند شما را برای پیشرفت به سطوح مختلف راهنمایی کند. این کتاب، *جوآن فالون*، کتابی است که هرکسی را قادر می‌سازد تا به طور سازمان‌یافته‌ای تمرین کند، بنابراین آن بیشترین اهمیت را دارد. صرف‌نظر از این که آیا شما یک تزکیه‌کننده هستید یا نه، خواندن *جوآن فالون* شما را قادر خواهد ساخت که بفهمید چگونه باید رفتار کنید. این بدان دلیل است که بشر امروزه با هیچ استاندارد اخلاقی کنترل نمی‌شود و برخلاف روش‌های سنت و روش تفکر قدیمی رفته است. هرچه مردم به

واقعیت روبروی‌شان بیشتر اهمیت بدهند، بیشتر سرشت اصلی انسانی - چیزهایی که مادرزادی و بهترین هستند - را رها می‌کنند. مردم بدون کنترل اخلاقی، به هر شکل که بخواهند عمل کنند، عمل می‌کنند و این نمی‌تواند اجازه داده شود. انحطاط بشر، انسان را در حال حاضر در خطر وحشتناکی قرار داده است. بعداً در سخنرانی در این باره توضیح خواهم داد و به سؤالات در این زمینه برای همه پاسخ خواهم داد.

بعد، درباره چند مشکل خاص صحبت می‌کنم. در تمرین میان مردم عادی، شخص گاهی اوقات وابستگی‌های زیادی دارد که نمی‌تواند از آن‌ها رها شود؛ این صحبت درخصوص موضوعات خاصی در تزکیه است. بسیاری از افراد وابستگی‌هایشان را رها نمی‌کنند، و حتی وقتی آن‌ها سبب می‌شوند که اشخاص واله و شیفته شده و ذهن روشنی نداشته باشند، باز هنوز این را در نمی‌یابند. در طی هزاران سال، هیچ‌کسی به‌طور حقیقی درباره این که چگونه به‌طور واقعی تزکیه کرد صحبت نکرده است. همه می‌دانند که تزکیه شامل نشستن با پاها به‌صورت ضرب‌در است. همان‌طور که می‌دانید، زنان مسن بسیاری در روستاهای چین وجود دارند که همه سال را روی تخت می‌نشینند، لباس می‌دوزند و کفش‌های پارچه‌ای را تعمیر می‌کنند. اگر آن به آسانی [نشستن دائم] بود، پس می‌گویم آن‌ها می‌بایست همگی خدا می‌شدند. آن حالت نشستن صرفاً یک روش تکمیلی است. اگر شما تمرین‌های تزکیه را انجام ندهید و فقط به‌صورت پای ضرب‌دری بنشینید، این به‌هیچ‌وجه چیزی نیست، زیرا آن‌گاه حتی یک جزء تزکیه هم وجود ندارد. بنابراین، به شما می‌گویم که همان‌طور که تزکیه می‌کنید اصول فا را درک کنید و کتاب را بخوانید. هدف برای شما، صعود به اقلیم‌های بالاتر است. چگونه صعود می‌کنید؟ این از طریق رها کردن افکار بد در میان مردم عادی و به‌عنوان مثال رها کردن ذهنیت رقابت مردم عادی، صورت می‌گیرد. مردم به‌خاطر منفعتی ناچیز و بی‌اهمیت به دیگران آسیب می‌رسانند. با کمی به‌دست آوردن، بیش از حد خوشحال می‌شوند و با کمی از دست دادن، رنج و درد می‌کشند، به این خاطر قادر نیستند خوب بخورند یا خوب بخوابند و از سر تا پا به بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند، چه زندگی خسته‌کننده‌ای را می‌گذرانید! آیا انسان‌ها در این دنیا فقط به‌خاطر این وجود دارند؟

اکنون که همگی این نکته را به‌وضوح مشاهده کرده‌اید، پس چرا نمی‌توانید به‌طور واقعی مثل یک تزکیه‌کننده وابستگی‌هایتان را رها کنید؟ به‌طور آشکار و موقرانه‌ای یک تزکیه‌کننده باشید. اغلب گفته‌ام به‌عنوان فردی که در فای راستین تزکیه می‌کنید، اولین چیزی که باید به آن برسید این است که وقتی ضربه‌ای می‌خورید یا توهین می‌شوید، آن را پاسخ ندهید. پس چرا این‌طور است که وقتی در تزکیه با مشکلات و تضادها روبرو می‌شوید، نمی‌توانید این وابستگی را رها کنید؟ وقتی دیگران درباره شما چیزهایی می‌گویند که خوشایند شنیدن نیست، چرا ناراحت می‌شوید؟ وقتی ناراحت می‌شوید، آیا در قلب‌تان پذیرش این فرصت برای تزکیه و پیشرفت را رد نمی‌کنید؟ آیا به‌سادگی به‌دنبال همان نوع شادی که مردم عادی به‌دنبال آنند نیستید؟ پس آیا شما فردی عادی نیستید؟! در آن موقع باید فکر کنید، «چرا من ناراحتم؟ وقتی دیگران از من انتقاد می‌کنند، من ناراحت می‌شوم - آیا من در طلب چیزی نیستم؟» اما درحالی که می‌خواهید همه با شما رفتاری خوب داشته باشند و در میان مردم عادی زندگی راحتی داشته باشید، چگونه می‌خواهید رشد کنید؟ بدون رها کردن هر چیزی از مردم عادی، چگونه می‌توانید پیشرفت کرده و ارتقاء یابید؟ دقیقاً به همین دلیل نمی‌توانید رشد کرده و ارتقاء یابید. باید به‌طور حقیقی این چیزها را رها کنید - وابستگی‌هایی که انسان‌ها نمی‌توانند آن‌ها را رها کنند.

اما درخصوص این دافا که امروزه تزکیه می‌کنید، این که چگونه مردم با شغل‌های مرسوم جامعه بتوانند تزکیه کنند درحالی که هنوز در جامعه بشری امروزی [باشند] را کاملاً مورد نظر قرار دادم. بنابراین درحالی که درحال تزکیه دافا هستید، می‌توانید شغل‌تان را داشته باشید، می‌توانید کسب و کار خودتان را داشته باشید و می‌توانید زندگی خانوادگی و همه فعالیت‌های اجتماعی‌تان را داشته باشید. شکل تزکیه و انتشار دافا درون جامعه عادی، مانع تزکیه شما نمی‌شود، قبلاً این را به‌طور کامل در نظر گرفته‌ام. دافایی که درحال ارائه آن هستم مستقیماً قلب و ذهن را نشانه می‌رود و وابستگی‌های شما قرار است در میان منافع مادی از بین برده شوند، اما ضرورتاً به‌طور مادی چیزی را از دست نخواهید داد. این بدان خاطر است که من می‌بینم ماده خودش واقعاً هیچ معنایی ندارد. اگر خیلی زیاد ثروتمند باشید، و خانه‌تان حتی از آجرهای طلا درست شده باشد، اما در قلب‌تان آن‌را عزیز نشمردید بلکه در عوض آن‌را ساده بگیرید، پس می‌گویم که این حالتی از وابستگی نداشتن به ثروت مادی است. این‌طور می‌توان

گفت که الزامات دافا، تغییر یافتن تفکر یک شخص است نه این که کاری کند که چیزهای فیزیکی را رها کنید. البته، در رابطه با آزمایش‌های افکار فرد، این نوع آزمایش جدی باید اتفاق بیفتد تا دیده شود طلب کسب مادی در شما چقدر قوی است و دیده شود چه نوع چیزهایی برای شما مهم است. همگی می‌دانند که در میان میدان دافای ما، افرادی هستند که تجارت می‌کنند و حتی کسانی هستند که درگیر تجارت‌های بزرگی هستند. آن‌ها تزکیه‌کننده هستند، و در محیط شغلی‌شان، افراد خوبی هستند. آن‌ها دروغ نمی‌گویند و مردم را فریب نمی‌دهند، اما کارهای تجاری‌شان خیلی خوب انجام می‌شود. هم‌چنین خودشان را هم‌چون مردم عادی فدا نمی‌کنند- تا حدی که قادر نباشند خوب بخورند یا بخوابند- اما همگی در امور تجاری خیلی خوب کار می‌کنند. این دوره جاری رکود اقتصادی به‌طور ویژه‌ای آن‌چه را که تزکیه‌کنندگان را متمایز می‌سازد جلوه‌گر می‌کند. چیزهای فوق‌العاده‌ای شبیه این، وقتی شخص به استاندارد برای تزکیه می‌رسد ظاهر خواهد شد.

آنچه هم اکنون درباره آن گفتم، وابستگی‌ها بودند که مانع تمرین تزکیه می‌شود. وقتی بسیاری از شما، شاگردانم با تضادی روبرو می‌شوید و عصبانی می‌شوید، آیا به این حقیقت فکر کردید که عصبانیت شما متوجه افراد عادی بوده است. در این باره بیندیشید: بوداها و خدایان- آن موجودات روشن‌بین باشکوه- آیا آن‌ها از انسان‌ها عصبانی می‌شوند؟ مطلقاً خیر. این به دلیل این است که آن‌ها در سطح انسان‌ها نیستند و احساسات مردم عادی را ندارند. چگونه می‌توانند خود را در میان مردم عادی قرار دهند؟ وقتی با تضادها مشابه روش مردم عادی عمل می‌کنید، پس در همان سطح، در همان قلمروی مردم عادی هستید. می‌توان گفت شما یکی از افراد عادی هستید. فقط زمانی که مانند آن‌ها نیستید، یکی از آنان نیستید. البته در آن هنگام، آنچه نشان می‌دهید بردباری و توانایی عظیم برای بخشیدن خواهد بود. مردم عادی آن‌را این‌طور می‌بینند، ولی در واقع آن تجلی سطح شین‌شینگ شما در تزکیه است. بنابراین، صرف‌نظر از محیط یا شرایطی که در آن با مشکل روبرو می‌شوید، باید در اداره کردن هر چیزی قلبی بخشنده و مهربان را حفظ نمایید. اگر نتوانید دشمن‌تان را دوست داشته باشید، پس نمی‌توانید به کمال برسید. (تشویق) پس چرا این‌طور است که وقتی یک فرد عادی شما را عصبانی می‌کند، نمی‌توانید او را ببخشید؟! و در عوض مانند فردی عادی با او جر و بحث و دعوا می‌کنید؟ آیا این برای رفتارهای متقابل بین تمرین‌کنندگان نیز مصداق ندارد؟

به محض آن که اصول به همه شما آموزش داده می‌شود، آن‌ها را می‌فهمید. آن‌چه به شما می‌گویم، اصول فا است، و آن‌چه برای شما آشکار کرده‌ام دقیقاً کتاب فا است. درباره این که چگونه آن به خوبی در عمل اجرا می‌شود، کاملاً بستگی به این دارد که چقدر خوب تزکیه می‌کنید. البته، من می‌توانم به شما کمک کنم، اما آن عمدتاً در جامعه بشری متجلی نمی‌شود و بسیاری از مردم نمی‌توانند آن‌را ببینند. در تزکیه این که کتاب فا را به خوبی مطالعه کنید از بیشترین اهمیت برخوردار است. آن به شما کمک می‌کند که وابستگی‌هایی را که نمی‌توانید رها کنید از بین ببرید، شامل بدترین بخش‌ها را.

شما نباید اعتقاد داشته باشید که تصورات و عقایدتان، خود شما هستند. بسیاری از مردم هستند که وقتی فا را مطالعه می‌کنند، با یک نوع عقیده و تصور آن‌را می‌خوانند. چنین شخصی معتقد است، «وای، این بخش خوب است... بگذار ببینم، این بخش را نمی‌توانم خیلی خوب بفهمم... اوه، فکر نمی‌کنم این بخش در حد انتظار باشد.» بگذارید به شما بگویم، شما فکر می‌کنید بسیار باهوش و زیرک هستید، فکر می‌کنید قضاوت‌تان درست است، اما درواقع این یک اشتباه وحشتناک است. قالب ذهنی شما در این جامعه مردم عادی شکل گرفته، بنابراین معیار شما برای ارزیابی خوب و بد، معیار مردم عادی است و آن احتمالاً نمی‌تواند بالاتر از معیار مردم عادی باشد و بنابراین این، شما را از دیدن جوهر واقعی فا باز می‌دارد. این وابستگی‌های شما است که مانع شما برای کسب فا شده است. قسمت‌هایی را که احساس می‌کنید برای خواندن خوب هستند، انتخاب می‌کنید، و تزکیه واقعی و درست را انجام نمی‌دهید. این بدان دلیل است که وقتی قسمت‌هایی را می‌بینید که فکر می‌کنید خوب نیستند، یا فکر می‌کنید نمی‌خواهید بخوانید، آن دقیقاً عادت‌های بد اکتسابی پس از تولد ذهن است که درحال عمل کردن است. اما آن خود واقعی شما نیست، گرچه آن‌را به‌عنوان خود واقعی‌تان در نظر می‌گیرید.

چرا این‌گونه است؟ همگی در این باره بیندیشید، وقتی یک کودک متولد می‌شود، او هیچ‌یک از تصورات و عقایدی که مردم عادی دارند را ندارد. گفته‌ام که برای کودک زیر شش سال، بعد از این که فقط یک جمله بگویم، چشم سومش می‌تواند چیزها را ببیند. چرا این‌طور است؟ بدان دلیل که او هیچ‌گونه مفهومی از جامعه عادی را شکل نداده است، و به‌خاطر آن که خیلی خالص و

پاک است و در توافق با استاندارد نخستین کیهان، جن، شن، رن است. به محض آن که در جامعه عادی به اصطلاح «تجربه» جمع می‌کنید، چارچوبی برای تفکر کسب می‌کنید، آن‌ها را به عنوان زرنگی و باتجربگی در میان مردم عادی می‌ستایید، در واقع خودتان را به چیزی کاملاً بد تغییر داده‌اید. و دقیقاً این تصورات و عقاید هستند که باعث می‌شوند با وضعیت حقیقی، جوهر و حقیقت مطلق کیهان، کاملاً ناموافق شوید. از آن‌جا که این چیزها پس از تولد شما شکل گرفته‌اند، چگونه می‌توانند خود شما باشند؟ معنای «بازگشت به خود حقیقی اصلی» چیست؟ باید خودتان را پاک کنید، و برای این است که بتوانید به پاک‌ترین و خالص‌ترین وضعیت قبل از تولدتان برگردید - وضعیتی که وقتی به چیزی فکر می‌شود هیچ تصور و عقیده‌ای نداشته باشد. آن وضعیت خردمندترین است و اجازه می‌دهد فرد هر چیزی را در دنیا به‌طور شفاف و واضح ببیند. این بدان دلیل است که وقتی هیچ تصور و عقیده‌ای ندارید، بینش شما همه چیز را دربر خواهد گرفت و با یک نگاه می‌توانید بدانید که هر چیزی در دنیا چیست. این خرد است. وقتی در عوض، درحالی که چارچوب‌تان را حفظ کرده‌اید به چیزها نگاه می‌کنید، درون آن‌ها به تله خواهید افتاد. اما چارچوب‌های شما حقیقت مطلق نیستند. ممکن است احساس کنید سطح دانش شما خیلی بالا است و معیارهای‌تان برای ارزیابی درست هستند، اما درواقع آن‌ها درست نیستند. حتی وقتی که به این صورت صحبت می‌کنم، ممکن است قادر نباشید نظر مرا فوراً بفهمید، درک کنید یا با آن موافق باشید. فقط اگر بتوانید واقعاً ذهن‌تان را روی مطالعه کتاب *جوآن فالون* بگذارید، قادر خواهید بود ببینید که کتاب من واقعاً چیست!

چرا این طور است که افراد بسیار زیادی در چین و در همه جای دنیا [فالون گونگ] را مطالعه می‌کنند؟ فقط در چین نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از مردم مطالعه می‌کنند، و بسیاری از آن‌ها دانشمند، هوشمندان سطح بالا، دانشمندان اجتماعی، متفکران، کسانی که درگیر تحقیقات فلسفی هستند و حتی مقامات رده بالا هستند. در خارج از چین، تعداد خیلی زیادی دارندگان درجه دکترا و فوق لیسانس، دانشجویان تحصیل کرده و اساتید، درحال مطالعه [این روش] هستند. آیا همگی آن‌ها از نظر فکری کودن هستند؟ در جامعه چینی، به‌ویژه مردم تجارب زیادی دارند، معتقد به روش‌های فکری خاصی بوده‌اند، از انقلاب فرهنگی عبور کرده‌اند و قبلاً اشخاص را بدون فکر ستایش کرده‌اند. درس‌های یادگرفته شده عمیق بودند. آن‌ها هر چیز قابل‌تصور را تجربه کرده‌اند. آیا می‌توانست امکان‌پذیر باشد از چنین مردمی خواسته شود تا به چیزی کورکورانه اعتقاد بیاورند؟! پس چگونه است که درحال یادگیری فا هستند، و چرا آن چنان پایدار و مصمم هستند؟ آیا این به شما چیزی را نمی‌گوید؟ این بدان خاطر است که من به همه آن‌ها می‌گویم که افراد خوبی باشند، افراد خارق‌العاده بهتری، افرادی سالم، افرادی با کیفیت اخلاقی بالاتر باشند، همه راه تا این که افرادی شوند که بتوانند به کمال برسند. این طور نیست که کلمات کمی از جانب من، لی هنگ‌جی، می‌تواند مردم را وادار کند که به‌طور غیرمنطقی از من پیروی کنند. همه می‌دانند که دافا به‌گونه‌ای آزاد سازماندهی می‌شود. اگر بخواهید آن را یاد بگیرید، می‌توانید آن را یاد بگیرید. اگر نخواهید یاد بگیرید، می‌توانید آزادانه به هرجایی که از آن جا آمدید برگردید. من هیچ کاری نخواهم کرد. هیچ محدودیت یا هیچ شکلی از سازمان وجود ندارد و از شما یک ریال هم درخواست نخواهد شد. چرا همگی شما این‌جا کنار هم جمع شده‌اید، تا نقطه‌ای که برای هیچ چیز دیگری راهی نمی‌شدید؟ این افراد افکار و منطق و عقل خودشان را دارند، آیا این طور نیست؟ پس چرا مردم معینی نمی‌توانند تصورات و عقایدشان را رها کنند و به‌طور واقعی نگاهی به این کتاب بیندازند؟ نگاهی به آن چه که لی هنگ‌جی درحال انجام آن است بیندازند؟ چرا مردم زیادی در این دنیا هستند که این کتاب را مطالعه می‌کنند؟ بعد از خواندن آن شاید آن چه را که درحال انجام آن هستم درک کنید.

زمانی که ابتدا ارائه این فا را شروع کردم، واقعاً یک نگرانی عظیمی داشتم. همان طور که همگی شما می‌دانید، در جامعه بشری امروز، هیچ مذهبی نمی‌تواند ذهن مردم و استانداردهای اخلاقی انسانی را قادر کند تا دوباره بالا برود. کسانی که با مذاهب سر و کار دارند نیز این را می‌دانند، اما به هر صورت نمی‌توانند درباره آن کاری بکنند. و چیز بیشتری نیز در این باره وجود دارد: امروزه در دنیا حتی یک مجموعه از آموزش یا مجموعه اصولی که بتواند اخلاقیات بشریت را قادر کند که دوباره بالا برود، ارزش‌های اخلاقی بشر را قادر کند دوباره شریف و اصیل شود، وجود ندارد، تا چه رسد به این که انسان‌ها را قادر کند تا به نقطه کمال دوباره بالا بروند. چیز دیگری مانند این در کل دنیا وجود ندارد. پس، در این حالت، بشر در وضعیت بی‌نهایت خطرناکی قرار دارد. اگر دفاعی که امروزه درحال ارائه آن هستم نمی‌توانست مردم را نجات دهد، پس مردم برای همیشه ورای نجات و رهایی می‌بودند،

به خاطر آن که فایه بالاتر از فایه که کیهان را خلق کرد وجود ندارد. وقتی انسان‌ها افکار صالح نداشته و بدون قید اخلاقی باشند، جرأت خواهند کرد هر کار پلیدی را انجام دهند. خدایان به این اجازه نخواهند داد. همگی چیزی را شنیده‌اید- خواه از مذاهب باشد یا پیش‌گویی‌ها یا شکلی از آگاهی قبل از وقوع، از طریق کتاب‌ها یا از طریق کلام- سخن درباره این که بشر با برخی از انواع فجایع و بلاها مواجه می‌شود. همگی درباره آن بیندیشید، اگر بشر به این صورت که منحط شده به انحطاط ادامه می‌داد، آیا این خطرناک نمی‌بود؟ حتی اگر خدایان برای تنبیه بشر نمی‌آمدند، بشر خودش را می‌کشت. درحقیقت بشر درحال حاضر درحال نابود کردن خودش است، حتی وقتی جنگی نیست درحال نابود کردن خودش است- به صورت ناآگاهانه درحال نابود کردن خودش است. آلودگی ناشی از رشد و توسعه علم و تکنولوژی به محیط طبیعی آسیب رسانده است، و درآینده همه آب‌ها آلوده و فاسد خواهند شد؛ علم و تکنولوژی بشر به هیچ‌وجه هیچ راهی برای برگرداندن آب به سطح پاک و خالص اصلی‌اش نخواهد داشت. حتی غذایی که می‌خورید به وسیله تسریع در رشد از طریق کودهای شیمیایی، رشد کرده است. در این باره بیندیشید، اگر بشر این چنین ادامه می‌داد، هم از نظر شکل و هم از نظر ظاهر پیچیده و منحرف می‌شد. اگر انسان‌ها، انسان‌ها را همانندسازی کنند، آن گاه مردم واقعاً شروع به از بین بردن خود بشر خواهند کرد. موجودات فضایی درحالی که جلد انسان‌ها را می‌پوشیدند به صورت گروهی تکرار می‌شدند، بدن انسان‌ها را تصرف می‌کردند. نژاد بشری آینده درحالی که از این نوع انسان‌ها پدید می‌آمد، بیشتر و بیشتر به تکرار انسان ادامه می‌داد و در انتها به کلی جایگزین بشر می‌شد.

البته، من می‌توانم به طور آشکار تمامی مشکلات در دنیا را ببینم، و می‌توانم همه مشکلات بشر را آشکار کنم. درحال حاضر درحال ارائه این فایه خاطر این مشکلاتی که اجتماع بشری با آن‌ها روبروست نیستیم. درحال صحبت درباره این مسائل هستیم تا تزکیه‌کنندگان بتوانند فایه به دست بیاورند و صعود کنند. دلیل این کار من این است.

هم‌اکنون درباره یک مشکل صحبت کردم، و بعد درخصوص مشکل خاص دیگر صحبت می‌کنم. ما افرادی داریم که در حین تزکیه به وابستگی‌های شان چسبیده و آن‌ها را رها نمی‌کنند. این سبب شده که تضادهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوند شدیدتر شده و رنج و عذاب‌هایی که درطول تزکیه باید بر آن‌ها فائق آیند، عظیم‌تر و بزرگ‌تر شوند، باعث شود که قادر نباشند بر آن‌ها غلبه کنند. چنین افرادی بین ما این جا نشسته‌اند. این باعث می‌شود که به سمت مخالف برگردند، علیه دافا شکایت داشته باشند- حتی شکایت علیه من. چرا دیگران مانند شما نیستند؟ آیا این بیش از ۱۰۰ میلیون نفر همگی نادانند؟ چرا درباره این که چه چیزی شما را به این حالت کشاند نمی‌اندیشید. کسانی هستند که دافا را مطالعه کرده‌اند، و من به آن‌ها گفته‌ام که افراد درست و صالحی باشند، اشخاص خوبی باشند و کارهای بد انجام ندهند، اما آن‌ها هنوز قماربازی می‌کنند. پس از این که پول از دست می‌دهند برمی‌گردند و دافا را ملامت می‌کنند. آیا به شما گفته‌ام که قماربازی کنید؟ بلکه درست برعکس؛ به شما گفته‌ام که نباید قماربازی کنید و این کارهای بد را انجام ندهید.

هم‌چنین افرادی نیز هستند که دافا را تمرین می‌کنند و به محض این که با آسیب و ضررهای غیرقابل انتظار روبرو می‌شوند، دافا را ملامت می‌کنند. آیا درباره این فکر کرده‌اید که چنین نمونه‌ای را هم در *جوان فالون آورده‌ام*: شخصی بود که بعد از مطالعه فایه ناگهان یک روز بیمار شد، به طوری که نشانه‌های لخته شدن خون در مغز داشت. نیمی از بدنش بی‌حس شد و نیمی از مغزش فلج شده بود. با این حال، او توانست روز دوم راه برود و بعد از یک هفته به طور اساسی کاملاً خوب شد و بهبود یافت. پس از آن به تمرین‌کنندگان در محل تمرین گفت: من دافا را تمرین کردم و نیمه‌فلج شدم؛ دیگر تمرین نمی‌کنم. همگی در این باره بیندیشید، اگر او دافا را تمرین نکرده بود، آیا بدین سرعت از نیمه‌فلجی بهبود می‌یافت؟ همگی شما می‌دانید که نیمه‌فلجی او برای چه بود، اما او دافا را مقصر دانست. برخی از افراد لازم است درباره آن به طور جدی بیندیشند. شما با این سختی مواجه شدید، و گفتید که معلم از شما محافظت نکرد. آیا می‌دانید که اگر من از شما محافظت نمی‌کردم، به بدن شما آسیب و زبانی وارد نمی‌شد، اما به احتمال زیاد زندگی‌تان را از دست می‌دادید! آیا این را متوجه می‌شوید؟ من آن‌را تا بدین درجه تقلیل داده‌ام، اما شما هنوز برگشته و دافا را ملامت می‌کنید. این وضعیت جهالتی است که انسان در آن است و خیلی سخت است که او را نجات داد. او نمی‌خواهد بدهی‌اش را که در کیهان خودش به بار آورده است بپردازد. می‌خواهد از هر سختی رها باشد، می‌خواهد درحالی که من همه آن‌ها را برایش تحمل کنم، کاملاً راحت باشد. آیا این تزکیه است؟ آیا این توانست ذهن شما را ارتقاء بخشد؟ وقتی با این

مشکلات مواجه می‌شوید اگر نتوانید همان‌طور که آن‌ها را اداره می‌کنید افکار درست به وجود آورید، چگونه می‌خواهید تزکیه کنید؟ چگونه می‌خواهید به مسیرتان ادامه دهید؟ من برای‌تان خیلی زیاد انجام داده‌ام، اما شما دافا را ملامت می‌کنید، من را ملامت می‌کنید، و حتی به من بد دهنی می‌کنید. البته، من دربارهٔ هیچ کسی هرگز شکایت نکرده‌ام. فقط اصول فا را برای همگی مطرح می‌کنم، یک اصل را مطرح می‌کنم. حتی اگر به من بد دهنی کنید، گله‌ای از شما ندارم، چون ذهن من در سطح مردم عادی نیست. خواه بگویید من خوبم یا بد، بگویید من خدا هستم یا یک انسان، من تکان نخواهم خورد، چراکه هیچ افکار انسانی نمی‌تواند مرا تکان دهد. اگر بتوانید به وضعیتی که من دارم برسید، پس زیاد از کمال تزکیه‌تان دور نیستید.

آن فقط یک مثال بود. درحالی که تزکیه می‌کنید، ذهن باید درست باشد. البته، درحالی که به شما می‌گویم درست باشید، ممکن است هنوز درست نباشید. آیا فقط با چند کلمه گفتن من می‌توانید درست باشید؟ تنها چیزی که می‌تواند به شما کمک کند افکار درست را رشد دهد، که می‌تواند شما را قادر سازد از طریق تزکیه بالا بروید - اساسی‌ترین چیز - کتاب فا است. بیش از ۱۰۰ میلیون نفر داریم که درحال تزکیه هستند، بنابراین برای هرکسی امکان پذیر نیست که این‌جا بنشینند همان‌گونه که شما امروز نشسته‌اید. برای من صحبت با تک‌تک شما امکان پذیر نیست. اما من فا را ارائه و پخش کرده‌ام، بنابراین باید مسئول شما باشم. به‌منظور قادر ساختن واقعی شما برای صعود از طریق تزکیه، یک روشی را به کار برده‌ام، یعنی، برداشتن آن‌چه که می‌توانم به شما بدهم و آن‌چه که می‌توانم با آن به شما کمک کنم، و فشردن تمامی آن‌ها در کتاب فا. تنها چیزی که باقی مانده این است که ببینیم آیا می‌خواهید آن‌را کسب کنید. به همین دلیل به همگی می‌گویم که وقتی قادر به دیدن من نیستید، باید فا را به عنوان استاد در نظر بگیرید. فا را به‌عنوان استاد در نظر بگیرید.

بعد دربارهٔ مشکل کوچکی صحبت می‌کنم. برخی از شاگردان در حین تزکیه به افراط و تفریط می‌روند. آن‌ها ناگهان به چیزی روشن‌بین می‌شوند و فکر می‌کنند: «اوه، این می‌تواند وابستگی‌های مرا تحریک کند، آن‌را نمی‌خواهم. آن‌را از بین می‌برم. اوه، این شغلی که من دارم می‌تواند وابستگی‌های مرا تحریک کند. از آن استعفا می‌دهم. بگذار ببینم، فکر کنم از همه چیز اجتناب کنم.» دربارهٔ این بیندیشید: آیا این تزکیه کردن است؟ آیا این رفتن به افراط و تفریط نیست؟ اغلب چیزی می‌گویم، می‌گویم که درحال تزکیه در میان مردم عادی هستید، و باید درحالی که خود را تا بیشترین حد ممکن با شکل مردم عادی تطبیق می‌دهید، تزکیه کنید. این جمله ساده‌ای نیست، و این‌طور نیست که بتوان گفت فقط از طریق انجام شغل‌تان به‌طور معمول، به استانداردی که در این جمله بیان شده رسیده‌اید. همگی به‌دقت دربارهٔ این بیندیشید. [آنچه که درحال صحبت دربارهٔ آن هستیم] در هر جنبه‌ای از عمل تزکیه شما متجلی می‌شود. اگر نتوانید در جامعهٔ مردم عادی [درحالی که از شکل‌های] مردم عادی [پیروی می‌کنید] تزکیه کنید، پس درحال صدمه زدن به این شکل از جامعهٔ مردم عادی هستید. حتی اگرچه جامعهٔ عادی خوب نیست، آن نیز توسط دافای کیهان برای موجودات در سطح بشر خلق شد. دقیقاً به‌خاطر همین خصوصیات بدش است که به بشر اجازهٔ تزکیه در این‌جا داده شده است. آن برای شما است تا بدی‌های انسانی را از بین ببرید و برای شما است تا بالاتر و ورای آن بروید، دقیقاً مثل گل نیلوفر آبی که از گل و لای رشد می‌کند - مقدس و پاک. مطلقاً نباید به افراط و تفریط بروید، و مطلقاً نباید فا را به روشی خارج از مسیر درک کنید. وقتی به افراط و تفریط می‌روید، وقتی مایلید انواع و اقسام چیزهای [عادی] را ترک کنید، برای مثال، وقتی از شغل‌تان دست می‌کشید، در واقع درمیان وابستگی دیگری هستید. ترس شما از وابستگی‌ها خودش یک وابستگی را شکل داده است؛ این وابستگی ترسیدن از وابستگی‌ها است.

فقط تا این حد می‌گویم، چراکه پس از چند لحظه شاگردان صحبت و تبادل تجربه خواهند کرد. می‌دانم که در میان حضار تعدادی گزارش‌گر وجود دارد، و احتمالاً از راه دوری آمده‌اند. می‌توانم از مشکلاتی که پشت سر گذاشته‌اید قدردانی نمایم. من، لی هنگجی، نمی‌خواهم به نوعی از شهرت بشری برسم. فقط می‌خواهم مسئول مریدان و شاگردانم باشم که درحال تزکیه دافا هستند. هدف من برای آمدن به استرالیا پاسخ به سؤالات دربارهٔ تزکیه برای آنان است، برای آن‌ها امکان‌پذیر سازم که رشد کرده و ارتقاء یابند. اما شما آمده‌اید، و نمی‌خواهم دست خالی بروید. هم‌چون همیشه، شرط من این است که اگر یک گزارش‌گر یک‌بار خواندن کامل *جوآن فالون* را تمام نکرده باشد، با او ملاقات نخواهم کرد. تنها پس از داشتن سطح معینی از دانش دربارهٔ ما، با شما صحبت خواهم کرد. از آن‌جاکه آن‌چه ارائه می‌دهم خیلی بزرگ است، مطلقاً نمی‌تواند با تعداد کمی الفاظ، به‌طور آشکار

توضیح داده شود. آنچه شما می‌خواهید بدانید همگی مسائل جامعه‌عادی است. من مایل نیستم به آن‌ها اشاره کنم، چون در حال حاضر کلاً درگیر امور مردم عادی نمی‌شوم. حتی یک‌دوره هم درگیر امور بشری نمی‌شوم. اما شما آمده‌اید، و من امیدوارم بتوانید این‌جا بنشینید و با آرامش به صحبت‌های امروز تمرین‌کنندگان ما گوش دهید و تمام دو روز کنفرانس ما را درک کنید. پس از آن، شما را می‌پذیرم و می‌توانید سؤال‌های‌تان را بپرسید. در طول زمان کنفرانس، مطلقاً هیچ‌یک از شما را ملاقات نخواهم کرد، چون چیزهای زیادی برای مراقبت دارم. کنفرانس فای ما به‌منظور کمک به شاگردان است تا به‌طور واقعی رشد کنند، و مطلقاً یک تشریفات نیست، و مطلقاً برای این که دیگران درک کنند انجام نمی‌شود. (تشویق)

بسیار خوب، شاگردان میزبانی کنفرانس را ادامه خواهند داد، بنابراین این همه آن چیزی است که می‌گویم. فردا بعدازظهر تمام وقت به سؤالات همه شما پاسخ خواهم داد. اکنون در گوش کردن به سخنان شاگردان به شما ملحق می‌شوم.

می‌توانید یادداشت‌های خود را بالا دهید. این بعدازظهر عمدتاً برای توضیح فای به شما، و پاسخگویی به پرسش‌هایی است که مطرح می‌کنید. بعد از یک مدت تزکیه کردن، مشکلات بسیاری هستند که می‌توانند با آنچه در کتاب است حل شوند. اما، سؤالاتی هستند که هنوز ترجیح می‌دهید از معلم بپرسید تا بتوانید آسوده خاطر شوید. همگی شما افکاری مانند این دارید، بنابراین خواسته شما را برآورده می‌کنم. تا هر جا بتوانم به پرسش‌هایتان پاسخ می‌دهم. خوب، پس شروع می‌کنیم.

شاگرد: آیا تمام سختی‌های فردا از زمان شروع تزکیه نظم و ترتیب داده شده‌اند، یا ناشی از عوامل خودخواسته هستند؟

معلم: در تزکیه مسیر نظم و ترتیب داده شده است، اما نگذراندن آزمایش‌ها به خوبی در نتیجه عوامل خودخواسته است. تزکیه کاری بسیار پیچیده است، بنابراین نه هر موردی یکسان خواهد بود، و نه چیزهایی که برای یک شخص پیش آمده است می‌تواند برای دیگری هم اتفاق بیفتد. چیزی یکسان به هیچ‌وجه نمی‌تواند به شیوه‌ای یکسان رسیدگی شود، زیرا، گذشته از اینها، شما در توهم تزکیه می‌کنید. اگر هرچیزی یکسان بود، آنوقت توهم می‌شکست. هر کسی می‌دانست چه کار کند: «اوه، شخص دیگری آن را به این روش اداره کرد و خیلی خوب آن را انجام داد. من هم به این روش انجام خواهم داد.» آنوقت این تزکیه نامیده نمی‌شد. سختی‌ها در حقیقت ناشی از کارمای خود شما هستند. کارمایی که از زندگی‌های زیادی انباشته شده برای تزکیه‌تان مانع می‌شود، برای بازگشت به خود اصلی حقیقی‌تان مانع ایجاد می‌کند و جلوی رشد شما را مسدود می‌کند. آن این کارما است که اثری اعمال می‌کند. من یک بخش از آن را پاکسازی کرده‌ام، درحالی‌که باقی آن برای شما نگه داشته شده تا پاک کنید. زیرا قانونی در این جهان وجود دارد: آنچه بدهی است باید پرداخت شود. بدون توجه به اینکه در کدام زندگی گذشته آن اتفاق افتاده است، با انجام کارهای بد کارما جمع شده است و آنگاه، در زندگی بعدی یا گاهی اوقات در زندگی فعلی در آینده، باید بازپرداخت شود. بنابراین، آن دقیقاً این است که اثر خود را اعمال می‌کند. من آن را سختی می‌نامم. در حقیقت حتی مردم عادی این را تجربه می‌کنند. بیماری‌ها و سختی‌ها در زندگی که مردم عادی تحت شرایط دردناک از آنها رنج می‌برند همگی در حقیقت سختی‌های خودشان هستند. برای شاگردان ما، صرفاً اینطور است که آنها را در سطوح مختلف تزکیه‌تان قرار دادم، و از آنها استفاده می‌کنم تا آزمایش‌ها را بگذرانید، تزکیه کنید، و شین‌شینگ خود را ارتقاء دهید. برای دستیابی به این نتیجه از آنها استفاده می‌کنم. اما مردم عادی فقط به هدف بازپرداخت کارما، کارما پس می‌دهند، پس آن عنصر تزکیه را ندارد، و مردم عادی هر اندازه کارما داشته باشند پس می‌دهند. در مورد ما، کارما باید برای شما پاک شود زیرا در غیر اینصورت سختی‌ها بسیار عظیم می‌بود. طوریکه نمی‌توانستید تزکیه کنید. البته شرایطی وجود دارد، همانطور که همگی اکنون می‌دانید. آن بسیار واضح در فای تشریح شده است، پس آن را تکرار نمی‌کنم.

شاگرد: برای من سرعت مطالعه فای بصورت شخصی با سرعت مطالعه گروهی متفاوت است. آیا این اهمیتی دارد؟

معلم: مطالعه فای توسط خودتان، اگر بتوانید بطور استوار و محکم به تزکیه ادامه دهید، نیز قابل توجه است. اما همانطور که همگی می‌دانید، برای شما غیرممکن است که فای را با پشتکار زیادی تنها در خانه مطالعه کنید، و غیرممکن است که با جامعه

عادی در تماس نباشید. در جامعه عادی امروزه، مردم صرفاً آنطور که خوشایند آنها باشد عمل می‌کنند. این اجتماعی است که مردم می‌توانند انواع و اقسام کارهای بد را بدون هیچ استاندارد اخلاقی یا قید و بندهای اخلاقی انجام دهند. بشریت امروزه صرفاً مانند این است. آن افرادی که در جامعه با آنها در تماس قرار می‌گیرید همگی از جامعه مردم عادی هستند. آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنند، می‌گویند، فکر می‌کنند، و انجام می‌دهند تماماً بخشی از چیزی است که نوع بشر امروزه انجام می‌دهد. پس وقتی بدون یک محیط بسیار خوب خودتان تزکیه می‌کنید، تنها محیطی که با آن در تماس هستید همان نوع محیط است. آنوقت واقعاً تحت تأثیر آن قرار می‌گیرید، بنابراین برایتان بسیار مشکل است که رشد کنید. گفته‌ام بسیاری از شاگردان احساس کردند که قبل از تزکیه کاملاً خوب بودند، اینکه مردمی خوب بودند. بعد از اینکه بطور واقعی تزکیه را انجام دهند، می‌فهمند که حتی ذره‌ای آنگونه نبوده است. دلیل اینکه باور داشتند خوب بودند این است که خودشان را با نوع بشر امروزه مقایسه می‌کردند، که دیگر خوب نبود، و خود را با بالاترین اخلاقیات ابتدایی بشریت یا با سرشت جهان مقایسه نمی‌کردند.

همچنین، همانطور که در یک گروه تمرین می‌کنید و زمانی که با هم هستید، آنچه می‌گویید، فکر می‌کنید، و انجام می‌دهید تماماً ناشی از افکار نیکخواهانه است، و قادر هستید در هر کاری که انجام می‌دهید تا اندازه‌ای که می‌توانید دیگران را در نظر بگیرید. آن محیطی پاک و تمیز است، قطعه سرزمینی صلح‌آمیز، هماهنگ و پاک. آنگاه به عنوان تزکیه‌کنندگان در آن محیط، توسط این نیروی نیکخواهانه درون آن فضا پرورش می‌یابید. آن قطعی است. پس دلیلی وجود دارد که می‌گوییم با هم تمرین کنید. تمام افرادی که در آن محیط با آنها در تماس هستید افراد خوبی هستند. کلمات، اعمال، و کردارشان صرفاً مانند کلمات و کردار مردم در جامعه عادی نیست، پس نمی‌توان این محیط را از دست داد. اما تعداد کمی از مناطق هستند که افراد زیادی در آنجا فا را مطالعه نمی‌کنند، فقط یک یا دو نفر [هستند]، و چنین محیط خوبی ندارند. پس فرد در آن صورت باید به خودش تکیه کند. واقعاً شاگردانی مانند آن هستند - در سکوت فا را بطور واقعی مطالعه می‌کنند، در سکوت تزکیه می‌کنند، و با پشتکار پیشرفت می‌کنند. حقیقتاً عالی است! به هر حال اینجا می‌گوییم، که یک محیط تزکیه گروهی ضروری و بسیار خوب است. شما نباید آن را از دست بدهید. این محیط افراد را متعادل می‌کند.

شاگرد: در تبادل تجربیات با شاگردان حس می‌کنم که شاگردان مرد تمایل دارند بر درک معقولانه فا تأکید کنند، درحالی‌که شاگردان زن تمایل دارند بر فهم احساسی فا تأکید کنند. اگر این پدیده‌ای معمول است، چگونه می‌توانیم از یکدیگر یاد بگیریم و سریعتر رشد کنیم؟

معلم: واقعاً با این موافق نیستم. آن شاگردانی که فا را به خوبی درک می‌کنند همگی می‌توانند معقولانه فا را بفهمند. فقط آنهایی که کتاب را گاهی می‌خوانند - بهتر است بگوییم آنهایی که بقدر کافی کوشا نیستند، یا کسانی که تازه شروع به مطالعه کردند - تمایل دارند فا را بصورت احساسی بفهمند. در این رابطه هیچ تفاوتی بین مرد و زن نیست. امروزه زنان نیز عالی هستند، [فقط مردان عالی نیستند]؛ آنها افکار و توانایی‌های خود را دارند. آنطور که شما توصیف کردید نمی‌تواند درک شود. و کیفیت مادرزادی و توانایی مریدان دافای زن نمی‌تواند با ظاهر بیرونی تشخیص داده شود.

شاگرد: چگونه باید ایده دو بار گذشتن از میان تزکیه فای دنیای سه‌گانه را درک کنیم؟

معلم: آن یکی از تجلیات موقعیت‌های مختلف شاگردان است، که تعیین می‌کند چگونه آنها تزکیه می‌کنند. آن همچنین می‌تواند هشت یا ده بار هم اتفاق بیفتد. برای مثال، اگر قرار است فقط تا قلمروی آرهای به کمال برسید، کافی است که یک بار فای دنیای سه‌گانه را تزکیه کنید. اگر در حال تزکیه به سطوح بالاتر هستید، آنوقت لازم است در طول تزکیه مکرراً و دائماً تزکیه کنید. برخی افراد نسبتاً حساس هستند؛ ممکن است برخی آگاهتر باشند و کمی بیشتر بدانند.

شاگرد: در روند مطالعه فا، لازم است که اصول فا را به روشنی درک کرد، بدون اینکه وابستگی در طلب دانش بودن را رشد داد. چگونه باید این را اداره کنیم؟

معلم: وقتی قادر هستید معنای تزکیه براساس فا را درک کنید، خواهید فهمید. تنها راه برای اینکه فا را از میان فا درک کرد این است که کتاب را بیشتر بخوانید. کتاب دافای ما می تواند تمام معماها را حل کند و می تواند تمام افکار بشری را اصلاح کند؛ تا وقتی که شما کتاب های دافا را می خوانید آنها همگی می توانند حل شوند. هرگاه احساس می کنید که نمی توانید پاسخ های بسیاری از سؤالات را بدست آورید، این در حقیقت خود شما هستید که نمی خواهید جواب بگیرید. به این خاطر که اگر کتاب را بخوانید و فا را مطالعه کنید، هر سؤالی می تواند پاسخ داده شود. همانطور که می دانید، مقامات دولتی اکنون آشکارا تأیید کردند که ما بیش از صد میلیون نفر را داریم. اگر هر شخصی بخواهد مرا بیابد تا به سؤالاتش پاسخ دهم... هیچ راهی نیست که این امکان پذیر باشد. شاگردان استرالیایی که اکنون اینجا نشسته اند می توانند مرا ببینند، درحالی که شاگردن سرزمین اصلی چین اصلاً نمی توانند مرا ببینند. درواقع من اغلب در سرزمین اصلی چین هستم. آنها نمی توانند مرا ببینند چون نمی توانم برای ملاقات آنها بروم. اگر [افراد] در یک منطقه بدانند که کجا هستم، آنوقت شاگردان آن را پخش می کنند در نتیجه همه کشور می فهمند، و سپس هر کسی می آید تا مرا پیدا کند. جامعه چین با جوامع دیگر متفاوت است. اگر مردم نتوانند ما را درک کنند این باعث آسیب به دافا می شود و به این ترتیب نمی توانم با شما ملاقات کنم. هر چند، حتی تحت این شرایط، من هنوز برای تزکیه شما مسئول هستم. پس چگونه این مسئولیت را اداره می کنم؟ همین دیروز این را گفتم: هر چیزی که می توانستم به شما بدهم را در این کتاب فاش کرده ام، و تا وقتی که کتاب را بخوانید همه چیز را دریافت خواهید کرد. برخی شاگردان هم اکنون *فالون* را بیش از دویست بار خوانده اند، و هنوز در حال خواندن آن هستند. هر بار خواندن متفاوت است، زیرا آن کتاب تزکیه است. آنچه درونش گنجانده شده معانی درونی در سطوح مختلف است. آن سؤالی هایی که بعد از اتمام یک دور خواندن مطرح می شود در بار دوم خواندن پاسخ داده خواهند شد، و درک خواهید کرد. اما بعد از تمام کردن بار دوم، سؤالات جدید خواهند بود، و سپس وقتی برای بار سوم می خوانید، آن سؤالات به همان شیوه پاسخ داده خواهند شد. به این شکل بطور مداوم تزکیه کردن، و اینگونه خواندن مستمر، شما با پشتکار در حال رشد هستید. با اضافه کردن تمرین های دافا، این نوع شیوه تکمیلی، پس در حال صعود هستید. برخی افراد اغلب از من می پرسند: «معلم، آیا می توانم به کمال برسم؟» آنوقت با یک سؤال به شما پاسخ می دهم، «خوب، آیا می توانید چیزها را آنطور که آموزش دادم انجام دهید؟» در حقیقت، شما باید از خودتان این سؤال را بپرسید که آیا می توانید به کمال برسید.

شاگرد: بعد از تزکیه به سطوح بسیار بالا، سلول های بدن کاملاً با ماده با انرژی بالا جایگزین می شود. در آن زمان، هیچ متابولیسمی نیست. آیا به این معناست که دیگر نیازی به خوردن و آشامیدن نیست؟

معلم: بله، اما باید اینطور باشد که کل بدن بشری به ماده با انرژی بالا تبدیل شده باشد. آنوقت این می تواند انجام شود. اگر سطح بدن به این حالت نرسیده باشد، کافی نیست. همانطور که می دانید، وقتی کسی چی گونگ تمرین می کند او چی را ذخیره کرده و می تواند چی ساطع کند. به هر حال وقتی کسی بطور واقعی به سطوح بالاتر تزکیه می کند، آن دیگر چی نیست. چی کلاً هیچ می شود، و به جای آن یک انرژی بالاتر وجود دارد که من گونگ می نامم. آن در واقع یک جوهر مادی میکروسکوپی تری است. و این نوع جوهر ماده در بدن شما ذخیره می شود. هر سلول در بدن شما این نوع انرژی بالا از جوهر ماده را ذخیره می کند. ماده ای که میکروسکوپی تر است قطعاً یک سرشت ماهرکننده دارد. بعد از مدت زمانی طولانی، این نوع از ماده با انرژی بالا به تدریج بیشتر و بیشتر افزایش می یابد، بیشتر و بیشتر قابل توجه می شود. آنوقت سلول ها در بدن شما، آیا توسط آن جذب نخواهند شد؟ بعد از اینکه تمام سلول هایتان با این نوع از ماده با انرژی بالا جذب شد، آیا بدن شما با بدن یک شخص عادی یکسان است؟ آنگاه چنین بدنی از ماده با انرژی بالای جمع آوری شده از بعدهای دیگر ساخته شده است. در آن صورت، آیا متابولیسم عادی بشری هنوز وجود دارد؟ آن دیگر وجود ندارد. در آن مرحله می توانید بدون خوردن و آشامیدن عمل کنید، اما به این معنی نیست که نمی توانید بخورید یا بنوشید. آنچه واقعاً به آن نیاز دارید چیزهایی از این بعد ما نیستند. اگر چیزهای بشری به شما تعارف شود، دوست نخواهید داشت که آن را بخورید. با دیدن آن، حالت تهوع پیدا می کنید. پس آنچه نیاز دارید ماده بالاتر از بعدهای دیگر است.

شاگرد: همه شاگردان از گوانگجو دلتنگ شما هستند! و همگی آنها درودشان را به شما می‌فرستند!

معلم: از همه متشکرم. (تشویق)

شاگرد: بطور کلی بگویم، آیا تزکیه‌کنندگان استرالیایی نسبتاً در سطوح پایینی هستند؟

معلم: من این را نگفتم. تزکیه به خود فرد بستگی دارد. در واقعیت، شما نمی‌توانید حتی اکنون بدانید که تا چه قلمرویی تزکیه کرده‌اید. وقتی بفهمید، وابستگی‌هایی قوی رشد خواهید داد. آنوقت نوعی مانع می‌شود و در مسیر تزکیه‌تان می‌ایستد. بنابراین ندانستن آن به این معنا است که این وابستگی را نخواهید داشت.

شاگرد: در نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر، استاد ذکر کردند که تزکیه موضوعی جدی است، و برای بررسی خود یا ندامت و پشیمانی مردم عادی نیست. من حس می‌کنم در یک حالت رسیدگی به خود و پشیمانی و ندامت متوقف شده‌ام و نمی‌توانم عبور کنم. آیا می‌توانم بیرسم، تفاوت بین بررسی درون خود و رسیدگی به خود چیست؟

معلم: پیشرفت در تزکیه نمی‌تواند با رسیدگی به خود و پشیمانی و ندامت برابر باشد. اما، در حقیقت اینکه شما قادر هستید خود را ارزیابی کنید یا احساس ندامت و پشیمانی داشته باشید به خودی خود بخشی از تزکیه است. ارتباط آن این است.

می‌دانید، اغلب می‌گویم که حتی اگر مسیحیت و کاتولیسم اصطلاح تزکیه [که ما استفاده می‌کنیم] را بکار نمی‌برند، آنها نیز تزکیه هستند. فقط اینکه در نتیجه تفاوت‌های فرهنگی عیسی و یهوه از آن اصطلاح استفاده نکردند، «تزکیه» (شیولیان). آن به این دلیل است که در فرهنگ آنها چنین مفهومی وجود ندارد، و روش تفکر متفاوت است. درباره آن فکر کنید: آیا آنها تزکیه نمی‌کردند؟ وقتی مردم وارد کلیسا می‌شوند، با قلبی پرهیزکار در برابر لردشان و عیسی توبه می‌کنند. درباره کارهای اشتباهی که انجام داده‌اند و جنبه‌هایی که بد رفتار کرده‌اند صحبت می‌کنند، و اظهار می‌دارند که دفعه بعد بهتر عمل خواهند کرد. آنوقت از آن پس بهتر عمل می‌کنند. بعد از آن وقتی اشتباهات [بیشتری] را متوجه شوند، دوباره توبه هست، و آنگاه دوباره بر طبق استاندارد بالاتر رفتار می‌کنند. همگی درباره آن فکر کنید: تزکیه در حقیقت تزکیه قلب شخص است. آیا آنچه که آنها انجام می‌دهند تزکیه قلب نیست؟ در نهایت بهتر و بهتر می‌شوند، و بهتر و بهتر عمل می‌کنند. آنوقت آیا به استاندارد مورد نیاز آن بهشت‌شان دست نیافته‌اند؟ آیا آن کمال نیست؟ فقط به خاطر تفاوت در فرهنگ‌ها است که درباره گونگ صحبتی نشده است؛ اصطلاحات آنقدر که در فرهنگ‌های شرقی بطوری غنی آمده [در غرب] مطرح نشده است. بنابراین، بسیاری از اصطلاحاتی که آنها بکار می‌برند نسبتاً ساده است، و الزامات به نسبت سراسر است. آنها فقط درباره ایمان، و اعتقاد محکم به خدا صحبت می‌کنند.

شاگرد: تزکیه‌کننده‌ای هست که آزمایش مرگ و زندگی را تجربه می‌کند، اما هنوز آگاه و روشن نیست. تزکیه‌کنندگان پیرامون او چگونه باید رفتار کنند؟

معلم: «تزکیه‌کننده‌ای هست که آزمایش مرگ و زندگی را تجربه می‌کند» - گفتن آن به این شکل کاملاً درست نیست. و چون او آگاه و روشن نیست، نمی‌توان گفت در حال تزکیه هست. اساساً او کوشا نیست، و به فهم احساسی از فا و اشتیاق بشری تکیه می‌کند. او به طور حقیقی فا را منطقی درک نکرده است، حقیقتاً، با پشتکار، و محکم تزکیه نکرده است. آن تزکیه واقعی نیست. همانطور که می‌دانید، تزکیه موضوعی جدی است؛ نمی‌توانم شخصی مانند او را یک تزکیه‌کننده بدانم. هیچ چیز در دنیا جدی‌تر از تزکیه نیست. وقتی فردی که در سرتاسر بدنش کارما دارد، فردی که ذهنش پر از افکار کثیف است، می‌خواهد یک موجود روشن بین بزرگ شود و تا کمال تزکیه کند، آن چه موضوع جدی‌ای است، و چقدر روند طی شده باشکوه است [روندی] که تزکیه‌کننده موفق می‌شود هر چیزی که بشری است را رها کند! آیا اگر با آن جدی برخورد نکنید این انجام خواهد شد؟! آیا انجام‌پذیر خواهد بود اگر خودتان نتوانید در گذراندن هر آزمایشی موفق باشید؟! توجهی نکردن، در ظاهر باور داشتن اما باور

نداشتن، در ظاهر تزکیه کردن اما تزکیه نکردن، کاملاً در قبال خود مسئول نبودن - آیا چنین فردی می‌تواند به کمال برسد؟ درست؟ اگر بر طبق الزامات شین‌شینگ دافا عمل نکنید انجام نخواهد شد. مردم عادی بیمار می‌شوند. تولد، پیری، بیماری، و مرگ چرخه طبیعی برای مردم عادی است.

شاگرد: به عنوان یک دانشجوی دانشگاه که تزکیه را تمرین می‌کند، چگونه می‌توانم با پشتکار پیشرفت کنم؟ برخی از مریدان پیشنهاد داده‌اند که به کالج نرفتن و ملحق شدن به نیروی کار منجر به شرایط بهتری برای تزکیه می‌شود.

معلم: می‌گویم که آن اشتباهی وحشتناک است. درک می‌کنم که برخی افراد بیش از اندازه هیجان زده می‌شوند وقتی که حقیقت را می‌بینند، مخصوصاً وقتی من امروز فا را آموزش می‌دهم و بسیاری از اسرار آسمان را آموزش داده‌ام. به محض کسب فا شخص هیجان زده می‌شود، و به سادگی از تعادل بین تزکیه‌کننده‌ای خوب بودن و یک فرد عادی بودن خارج می‌شود. تزکیه کردن در حالیکه تا بیشترین حد ممکن با مردم عادی سازگار بود، صرفاً جمله ساده‌ای نیست: این فا است! این تمام زوایا و جنبه‌ها را دربرمی‌گیرد. می‌دانم که در آینده مردم بیشتری خواهند بود که در سراسر جهان دافا را مطالعه می‌کنند، میلیاردها نفر مطالعه می‌کنند. وقتی در ابتدا این فا را آموزش دادم پیشاپیش می‌دانستم که نتیجه چه خواهد بود. با آن همه مردمی که همگی می‌آیند که مطالعه کنند، اگر کسی کار نکند یا به مدرسه نرود، آیا عملی است؟! بنابراین، درباره آن مرحله قبل از اینکه شروع به آموزش این فا کنم فکر کردم. پرسش درباره اینکه چگونه در جامعه مردم عادی بگذاریم مردم تزکیه کنند بسیار بجا است. بنابراین، نه کارتان، نه تجارت‌تان، تحصیل در مدرسه، یا هر جنبه دیگری از زندگی شما با تزکیه‌تان تداخل نخواهد داشت. شما باید مانند معمول سر کار و تحصیل خود بروید. شغل‌تان و تحصیل‌تان قطعاً تزکیه نیست، اما، همانطور که فرد تزکیه را انجام می‌دهد، شین‌شینگ رشد کرده شما خود را در کار و تحصیل‌تان نشان خواهد داد. ارتباط آن اینطور است. پس، شاگردان دافا هر جایی که هستند، مردم همه این را خواهند گفت، به عنوان یک شخص، شما کاملاً شگفت‌انگیز هستید. این حالتی است که تزکیه شما را منعکس می‌کند در حالیکه با جامعه عادی تا بیشترین حد مطابقت دارید. اگر نتوانید به این دست یابید، به این معنا است که برطبق صحبت‌های من، الزامات استاد عمل نمی‌کنید. اگر حتی به چیزی که می‌گویم گوش ندهید، آنوقت چرا هنوز مرا استاد صدا می‌کنید؟ به شما آموزش نمی‌دهم که در راهی قدم بردارید که خوب نیست. از آنجایی که این فا را آموزش داده‌ام، باید در برابر آن مسئول باشم. در حقیقت، من بیشتر از آنچه شما برای خود ارزش قائل هستید شما را ارزشمند می‌دانم، زیرا شما همراه با استاد وجود دارید. شما باشکوه‌ترین خدایان آینده هستید، الگویی نمونه برای کیهان جدید، و امید بشریت برای آینده. هرطور که باشد، بعد از یاد گرفتن این دافا انجام کارهای مردم عادی را متوقف نکنید. [به عبارت دیگر، در مورد چیزهایی که دافا اجازه نمی‌دهد، اگر آنها را انجام ندهید، آن نشان می‌دهد که مرتبه درک‌تان خوب است. اما اگر یک شغل بشری عادی، معمولی را متوقف کنید، آنوقت اینجا مشکلی وجود دارد که ریشه در وابستگی شوق و اشتیاق بیش از حد دارد.

شاگرد: مریدان شما از لی‌شان درود خود را به استاد می‌فرستند! مریدان دافا در پکن بلندترین درودشان را به استاد می‌فرستند! مریدان شهر دالیان درودهای خود را به استاد می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: شما در سخنرانی هشت جوان فالون، در بخش، «هر کسی تزکیه کند گونگ را بدست خواهد آورد»، گفتید که، «تمام پیام‌ها، موجودات زنده، و سلول‌های بدن‌تان گونگ را بدست می‌آورند.» پیام‌ها و موجودات زنده به چه چیزی اشاره می‌کنند؟

معلم: هر سلول‌تان تصویر شما را حمل می‌کند، تمام مسیر تا میکروسکوپی‌ترین [ذره] میکروسکوپی. فقط در ارتباط با فا این را نمی‌گویم. بشریت نیز این را اکنون شناخته است. دانشمندان برش عرضی از سلول‌های حیوانات کوچک را برداشته و بعداً آنها را به کامپیوتر منتقل کردند، و وقتی آنها بر روی مانیتور به نمایش درآمدند، فهمیدند که سلول به تصویر آن حیوان کوچک است، و آنها یکسان هستند. اما وقتی فقط به ظاهر آن نگاه شود، صرفاً یک سلول است. منظورم این است، وقتی تمرین‌ها را انجام

می‌دهید و همانطور که پیش می‌روید همه چیز بدن شما در حال تغییر است، آنوقت آیا سلول شما یک موجود زنده است؟ قطعاً هست. به علاوه، هر چیزی که به عنوان نتیجه‌ای از تزکیه شما ایجاد می‌شود درون خود حیات دارد، از جمله گونگ شما، از جمله هر ذره از گونگ شما، ابزار مختلف فاعلی، توانایی‌های فوق‌طبیعی، و قدرت‌های الهی. و این تمام آن نیست - وقتی یک فرد به کمال می‌رسد باید چیزها را در شکلی غنی داشته باشد، زیرا فقط آنوقت است که می‌تواند یک موجود روشن‌بین بزرگ باشد. بنابراین تمام آنها زنده هستند، آنها همگی زنده‌اند و توانایی‌هایی دارند. آن به این معناست.

شاگرد: آیا دوقلوها دو روح اصلی هستند که همزمان باز پیدا می‌شوند؟

معلم: قطعاً این‌گونه است. مطمئناً یک روح اصلی نیستند که به دو نیم تقسیم شده باشند.

شاگرد: در مناطقی خاصی از آفریقا چندهمسری مرسوم است. آیا خوب است که فا را به آنها اشاعه داد؟

معلم: بله، هر کسی می‌تواند یاد بگیرد. تفاوت در هنجارهای اجتماعی، درک‌های متفاوتی از اخلاقیات، عقلانیت، و عقاید بین مردم وجود دارد. بنابراین تفاوت‌های بسیار بزرگی هست. اما هیچ یک از اینها بر توانایی تزکیه آنها تأثیر ندارد. در هر زمینه‌ای، در هر سطحی، هر کسی می‌تواند تزکیه کند. فقط این باقی می‌ماند که دیده شود آیا آنها تزکیه می‌کنند یا خیر.

شاگرد: بدن بشری ما در این بعد چیزی بیشتر از یک ذره در بدن پهناور کیهانی نیست. اما تفاوت‌ها در اندازه‌های ذرات تفاوت در بعدها را بوجود می‌آورد، در نتیجه فرد یک بدن در بعدها مختلف دارد. اما این بعد فقط به شما تعلق ندارد، بلکه بخشی از کیهان است.

معلم: درست، این درک درست است. اگرچه شما خودتان یک موجود مجزا هستید، اما یک ذره درون بدن جامع کیهان نیز هستید، یک عضو از کل یک موجود. برای مثال، مانند آنچه اکنون گفتم، شما یک موجود مجزا هستید. همچنین می‌تواند گفته شود که شما یک موجود کامل در این قلمرو هستید، با هر سلولی در بدن تان که به شکل ذره‌ای مستقل است که دقیقاً همان تصویر شما را حمل می‌کند، اما همچنین بطور همزمان بخشی از کل است.

شاگرد: استاد گفته‌اند که وضعیت جوامع چینی باستان و مردم باستان بهتر از وضعیت زمانه مدرن بود. پس چگونه باید درگیری و مبارزه که در تاریخ چین باستان ادامه داشته را درک کنیم؟ آیا همانطور است که کنفوسیوس گفت، فقط اجتماع باستانی قبل از بهار و پاییز دوره جنگ ایالتی و دوره سه امپراتور و پنج پادشاه^۲ خوب بود؟

معلم: بدون توجه به اینکه چه دوره‌ای باشد، تمام جوامع باستانی بهتر از اجتماع مدرن بودند. به هر حال این مقایسه انسان‌ها با انسان‌ها است، و در واقعیت این بُعد انسان‌ها صرفاً بسیار بد است. با نگاه از هر بُعد دیگری در جهان که بالاتر از سطح بشری است، این مکان انسان‌ها تماماً بد است، آلوده‌ترین است، و توانایی برای دیدن حقیقت کیهان حداقل است. سرتاسر آن بد بوده است، و از آنجایی که عقاید مردم وارونه شده امروزه حتی بدتر هستند. درباره این صحبت نمی‌کنم که مردم به نسبت بعدها دیگر وارونه شده‌اند؛ آن توسط آسمان‌ها مقدر شده بود. درباره مقایسه مردم امروز با مردم در گذشته صحبت می‌کنم - عقایدشان معکوس است، خوب و بد برعکس شده است. بنابراین اکنون وقتی مردم کارهای بد انجام می‌دهند، دیگر تشخیص نمی‌دهند که کاری بد انجام می‌دهند، و فکر می‌کنند که کاری خوب انجام می‌دهند. اگر بگویید که آنها فقط تسلیم منفعت هستند، خواهند گفت که آن علامتی از توانمندی است. وقتی چنین شخصی می‌بیند که یک دزد به کسی دستبرد می‌زند، نمی‌گوید که دزد بد است. می‌گوید که شما به اندازه کافی مراقب نبوده‌اید. آیا این یک مورد از افکاری نیست که کاملاً وارونه شده است؟ مردم مدرن می‌گویند که عصر باستان خوب نبود، اما در حقیقت آن انعکاسی از مردم مدرنی است که افکار منحرف را برای قضاوت مردم باستان به کار می‌برند. در فیلم‌هایی که در هنگ‌کنگ ساخته شده است می‌بینید که مردم باستان دائماً در حال

جنگ و کشتن به تصویر کشیده شده‌اند، اما آن صرفاً تکنیک هنری است، جلوه‌های هنری است. در طول تاریخ طولانی هزاران ساله، چیزهایی مانند آن بسیار ناچیز هستند که ارزش ذکر کردن ندارند. همانطور که می‌دانید، هنر نیاز دارد بزرگتر از زندگی باشد.

مردمان گذشته می‌گفتند: «وقتی کسی را می‌زنید، به صورتش ضربه نزنید.» این جمله به نظر ساده می‌آید. اما حتی موقع مبارزه، فرد می‌توانست خودش را مهار کند و اجازه نداشت هر کاری می‌خواهد انجام دهد. اما اکنون وقتی مردم مبارزه می‌کنند مخصوصاً به صورت ضربه می‌زنند. بی‌رحم، بدجنس، و بدون هیچ مهارتی، انسان امروز متفاوت است. البته، چرا در زمان‌های گذشته جنگ وجود داشت؟ بگذارید به شما بگویم، آن توسط آسمان مقدر شده بود. آن به این دلیل است که آنچه اصول فای کیهان برای انسان‌ها در این بعد قرار داده است در حقیقت [این موارد] هستند: فتح جهان با نیروی نظامی؛ فاتح بر کشور حکم می‌راند؛ و افراد قدرتمند، قهرمان باشند. این چیزها، از دیدگاه بعدهای سطح بالا، همگی بد هستند، اما در میان اصول معکوس انسان، آنها با اصول انسان سازگار هستند که برعکس اصول کیهان است، و برای هزاران سال تأثیر خود را در اجتماع بشری نشان داده است. وقتی کارمای انسان بزرگتر می‌شود از بین بردن کارما ضروری است. بنابراین در آن هنگام بلایای طبیعی، مصیبت‌های انسانی، و جنگ‌های بشریت به دنبال آن می‌آیند.

شاگرد: وقتی جوان فالون را می‌خوانم یا به آموزش فا در طول پاسخگویی شما به سؤالات در مکان‌های دیگر گوش می‌دهم، در ارتباط با کلمات و مفاهیمی که متوجه نمی‌شوم، آیا کاملاً ضروری است که کلماتی مانند «بطور طبیعی» و «غیرقابل اجتناب»^۳ را درک کنم.

معلم: ظاهر کلمات بطور کلی با درک مردم یکسان است. در حقیقت لازم نیست که در این کلمات کاوش کنید. وقتی کتاب را می‌خوانید همگی باید از کندوکاو در کلمات خودداری کنید. فقط باید بطور پیوسته بخوانید، اما باید آگاه باشید که در حال خواندن فا هستید. باید از آنچه می‌خوانید آگاه باشید. در عین حال معنی درونی فا در سطح ظاهر نیست. وقتی درباره معانی دیگر و بالاتر آن جمله روشن باشید، آن معانی درونی اصول فا است که تجلی می‌یابد و فا خودش را آشکار می‌کند.

شاگرد: به عنوان دکتر طب سوزنی، وقتی سوزن‌ها را فرو می‌کنم با پوست بیمار در تماس هستم و وقتی از تکنیک «بادکش کردن» برای درمان استفاده می‌کنم، آن بسیاری از چیزهای آلوده را از پوست بیمار بیرون می‌آورد. این دو عمل کارما را انتقال می‌دهد. آیا یک تزکیه‌کننده می‌تواند به انجام این نوع کار ادامه دهد؟

معلم: بیش از حد محتاط نباشید، زیرا شما در تمام فعالیت‌های خود در اجتماع با مردم عادی در ارتباط هستید. برای مثال، آن صندلی که بر روی آن می‌نشینید: شخص دیگری روی آن نشسته است. آیا روی آن خواهید نشست یا خیر؟ چیزهایی که افراد دیگر لمس کرده‌اند: آیا به آنها دست می‌زنید یا خیر؟ این نوع از تماس غیرمستقیم هنوز هم تماس است. این جامعه کثیف است، و صرفاً به این شکل است. تزکیه‌کنندگان نمی‌توانند ذهنیت ترسیدن از این و ترسیدن از آن را داشته باشند، نوع دیگری از وابستگی شکل دهند- وابستگی ترسیدن از انواع و اقسام چیزها. بطور باز و موقرانه تزکیه کنید. آنچه بدن شما ساطع می‌کند نور راستین فا است. مریدان دافای بسیاری هستند که در انجام تحقیقات علمی شرکت دارند. در طول آزمایشات با باکتری‌ها، وقتی دست‌شان بطور تصادفی به جایی که باکتری‌ها بودند نزدیک شد، متوجه شدند که همه باکتری‌ها مردند. موارد بسیاری مانند این وجود داشته است. می‌خواهم بگویم، شما به عنوان شاگردان دافا ذاتاً توانایی کشتن باکتری را دارید. شما در حال استفاده از یک روش چی‌گونگ برای ارائه درمان‌ها [در کارتان] نیستید، بلکه از روش‌های درمانی پزشکی مردم عادی استفاده می‌کنید، بنابراین مسئله‌ای نیست. حتی اگر با مقدار کمی کارما آلوده شوید، آن ریزتر از ریز است و اثری ندارد. به هر جهت اگر از چی‌گونگ برای شفای مردم استفاده کردید، آن متفاوت خواهد بود. آن بطور واضح معامله با مردم دیگر است، با کسب بیماری توسط شما و دادن چیزهای خوب به دیگران. بنابراین می‌گویم که آن استادان قلابی چی‌گونگ که از میان تزکیه نگذشته‌اند، که فقط برای پول

درآوردن می‌خواهند از آن استفاده کنند، در واقعیت در حال آسیب به خودشان هستند- به شکلی مهلک به خودشان آسیب می‌زنند. مردم جرأت می‌کنند برای پول هر کاری انجام دهند و حتی نمی‌دانند که در حال آسیب به خود هستند.

شاگرد: اکنون برای بیش از دو سال است که تزکیه می‌کنم. بطوری محکم به دافا باور دارم و به سطح خاصی از درک رسیده‌ام. اما در طول کنفرانس‌های تبادل تجربه، نمی‌دانم چه بگویم. مسائل را در قلبم می‌فهمم اما نمی‌توانم واضح آنها را بیان کنم. بنابراین نمی‌خواهم چیزی بگویم. آیا این به خاطر مهارت‌های ارتباطی مادرزادی است که ضعیف است یا درک ناکافی از فا؟
معلم: این ممکن است لزوماً در نتیجه مشکلی در درک شما از فا نباشد. هر کسی حالت متفاوتی در تزکیه دارد.

شاگرد: چه تفاوتی بین کسانی است که زودتر تزکیه را شروع کردند و کسانی که دیرتر تزکیه را شروع کردند؟

معلم: هیچ تفاوتی وجود ندارد. هرگز نگفته‌ام آنهایی که تزکیه را زودتر شروع کردند چنین و چنان هستند، و آنهایی که تزکیه را دیرتر شروع کردند چنین و چنان هستند. دافا هنوز در حال اشاعه است. تا وقتی که آن را کسب کرده‌اید، باید صرفاً با تزکیه‌تان پیش بروید. اگر راهی برای شما نبود که به کمال برسید، اجازه تزکیه نمی‌داشتید. تفاوت‌ها در سطح، ناشی از مدت زمانی نیست که فرد فا را کسب کرده است، بلکه در نتیجه تزکیه فردی خود شخص است.

شاگرد: در حال مدیتیشن، متوجه شدم که نمی‌توانم سرم را از چرخش و تاب خوردن مداوم بازدارم. به خاطر این، نمی‌توانم در طول مدیتیشن به حالت سکون و آرامش برسم. در عوض، باعث می‌شود در درون دستپاچه شوم. چه اتفاقی می‌افتد؟

معلم: دو حالت ممکن وجود دارد. اولین آنها زمانی رخ می‌دهد که یک شاگرد جدید هنوز یک تزکیه‌کننده واقعی نشده است. در آن صورت شاید شما برخی چیزهای دیگر را در گذشته یاد گرفتید، یا چیزهای خاصی را در گذشته در منزل خود برای پرستش قرار دادید، و چیزهای بخصوصی را قبلاً عبادت کردید. انجام کارهای بد در میان مردم عادی و بنابراین ایجاد چیزهایی توسط خود شخص دلیل احتمالی دیگری است که نمی‌توان انکار کرد. اگر در روند تمرین‌تان موفق شوید با قلبی استوار به طور حقیقی دافا را تزکیه کنید، آنوقت من آن چیز را پاک خواهم کرد. و موقعیت دیگری وجود دارد. یعنی، بعد از اینکه فرد شروع به تزکیه می‌کند، بدن او در طول مرحله اولیه تنظیم می‌شود. برخی از بخش‌های بدنش در گذشته از مشکلات سلامتی رنج می‌برد. در این صورت، ممکن است آن انعکاسی از کارما باشد که در آن ناحیه در حال پاکسازی است. هر دو موقعیت علت‌های احتمالی هستند. اما بهترین سعی خود را بکنید که با آن تاب نخورید. اگر واقعاً کنترل آن سخت است، می‌توانید با چشمان باز تمرین کنید. چرا اینطور است که همین الان در حال چرخیدن نیستید؟ شما باید وقتی که در حال تمرین هستید فقط حالت حاضر خود را حفظ کنید و وقتی که دیگر تکان نمی‌خورید چشمان خود را ببندید. تاب خوردن می‌تواند همچنین زمانی رخ دهد که مدارهای آسمانی بزرگ تزکیه‌کننده‌ای باز شده‌اند.

شاگرد: تمام شاگردان از پیترزبرگ در ایالات متحده درودشان را به معلم می‌فرستند!

معلم: از همگی ممنونم! (تشویق)

شاگرد: وقتی یک بزرگسال مدیتیشن انجام می‌دهد، آیا برای یک کودک اشکالی ندارد در کنار او بخوابد؟ اگر این اتفاق می‌تواند رخ دهد، آن چگونه بر روح اصلی و روح کمکی کودک تأثیر می‌گذارد؟

معلم: شما درواقع می‌پرسید که آیا کودک می‌تواند گونگ به دست آورد. با این حال نمی‌خواهید آن را مستقیم بگویید زیرا یک وابستگی آنجا دارید. آیا نگفتم که با تمرین یک نفر، کل خانواده نفع می‌برند؟ حداقل اینکه، چون شما در حال تزکیه فای راستین

هستید آن میدان انرژی که حمل می‌کنید برای همه اعضای خانواده‌تان مفید است، و نیروی نیکخواهی و آرامشی که با خود دارید می‌تواند تمام حالت‌های نادرست را اصلاح کند.

شاگرد: شخصی هست که گفت وقتی کسی تا سطح خاصی تزکیه کرده باشد، اگر اغلب درباره روند ابتدایی تزکیه خود و آنچه در زمان پاک شدن کارما احساس کرده بود، صحبت کند و آنها را دوباره به خاطر بیاورد، به آن سطح گذشته در آن مرحله سقوط خواهد کرد.

معلم: آن چطور امکان دارد؟! وقتی یک تزکیه‌کننده درباره روند تزکیه خود صحبت می‌کند برای این است که هم به خودش و هم به دیگر مریدان دافا کمک کند وقتی دوباره از میان آن نوع سختی عبور می‌کنند، بهتر عمل کنند. آن به هیچ وجه تأثیری بر سطح فرد ندارد. اما، اگر آن را با ذهنیت خودنمایی انجام دهد آن کاملاً موضوعی متفاوت است. در آن صورت، وقتی درباره آن صحبت کند برخی از شاگردان رغبتی به گوش کردن نخواهند داشت.

شاگرد: دیروز شما گفتید که ذهن و ماده یکی هستند. پس آن چه ارتباطی به ما دارد که فا را مطالعه می‌کنیم؟

معلم: شخصی که این یادداشت را داده است هنوز یک شاگرد نیست و هنوز فایی که آموزش می‌دهم را درک نکرده است. اما به این سؤال شما پاسخ می‌دهم، زیرا اینجا در حال آموزش تزکیه هستیم. شما بوضوح اینجا شنیدید که بدن انسان‌ها در طول تزکیه می‌تواند دستخوش تغییراتی شود. تمام این تغییرات بوسیله پیشرفت در شین‌شینگ تزکیه‌کننده و ارتقاء ذهن او در طول روند تزکیه ایجاد می‌شوند. مردم اغلب فکر می‌کنند که شین‌شینگ متعلق به قلمرویی غیرمادی یا ذهنی است و اینکه هیچ ارتباطی بین ماده و ذهن وجود ندارد. برخی افراد فکر می‌کنند: «ذهن چه ربطی به تمرین‌هایی که انجام می‌دهیم دارد؟ ما صرفاً در اینجا تمرین‌ها را انجام می‌دهیم. چرا آن اصول مورد بحث قرار گرفته‌اند؟» این دلیل اصلی این است که چرا گونگ بسیاری از مردم با تمرین افزایش نمی‌یابد. وقتی به درک اصول می‌رسید، افکارتان صعود می‌کند، حالت ذهن‌تان رشد خواهد کرد، و به درک اصول حتی بالاتری خواهید رسید. آن حالت رشد یافته ذهن و جایگاه حالت ذهنی شما را منعکس می‌کند. فقط وقتی به این استاندارد برسید گونگ‌تان می‌تواند افزایش یابد. این اصل است. اگر نتوانید این اصل را درک کنید، گونگ‌تان افزایش نمی‌یابد حتی اگر هر روز از صبح تا شب بدون اینکه برای خوردن یا آشامیدن متوقف شوید تمرین‌ها را انجام دهید. اما اگر بگویید که فقط می‌خواهید کتاب را بخوانید و تمرین‌ها را انجام ندهید، آنوقت نیز نمی‌توانید یک مرید دافای در حال تزکیه در نظر گرفته شوید، زیرا صرفاً به عنوان یک نظریه آن را مطالعه می‌کنید. فقط وقتی می‌توانید آن را «تزکیه» بنامید که شخص بخواهد تزکیه کند، تمایل رسیدن به کمال را داشته باشد، و همزمان حرکات مربوط به تزکیه را انجام دهد. هر چند این صرفاً توضیحی در سطح ظاهری است. در واقعیت ارتقاء ذهن ارتقاء گونگ است، زیرا ذهن و ماده یکی هستند.

شاگرد: در حال خواندن جوآن فالون، پدیده‌ای یکسان چند بار اتفاق افتاد: وقتی کتاب را می‌خوانم، سرم سنگین شده و بسیار احساس خواب‌آلودگی می‌کنم. حس می‌کنم چشمانم مداوماً به عبارت خاصی از کتاب کشیده می‌شود. ناگهان عبارات دیگری از کلمات در کتاب ظاهر می‌شود، اما آن کلمات از جوآن فالون نیستند.

معلم: این کارمای فکری شماست که به شدت در حال مداخله با شما است و اجازه نمی‌دهد کتاب را بخوانید و فا را مطالعه کنید. آن باعث می‌شود احساس خواب‌آلودگی کنید و به خواب بروید. آن سبب می‌شود افکار درست و باور درست خود را از دست بدهید. وقتی آن نگران می‌شود، حتی خود را در حال مداخله با شما متجلی می‌کند، حتی باعث می‌شود کلماتی در سرتان ظاهر شود، با شما حرف می‌زند، و نمی‌گذارد مطالعه کنید. آیا آن واضح نیست؟ کارمای فکری و مداخله بیرونی در کار است تا از صعود شما جلوگیری کند. زیرا رشد شما باعث نابودی آن می‌شود. گفته‌ام که کارمای شما را پاک می‌کنم. وقتی آن واقعاً پاک شود، به طور حقیقی از هم متلاشی می‌شود. آیا آن را قبول خواهد کرد؟ بنابراین هر کاری می‌تواند انجام می‌دهد تا مبارزه کند. اگر آن چیزها را بخشی از خودتان در نظر بگیرید، آنوقت قادر به کسب فا نخواهید بود، زیرا فا به شما داده شده است و آن مطلقاً

نمی‌تواند به آن کارما داده شود. پس باید بر آن غلبه کنید. مهم نیست چقدر خواب‌آلوده می‌شوید، باید بر آن غلبه کرده، از آن عبور کرده و آن را نابود کنید. لحظه‌ای که از این مانع می‌گذرید همچنین لحظه‌ای است که آن نابود خواهد شد.

شاگرد: همین الان حس می‌کنم در ارتباط با خیلی از چیزها به محض اینکه چیزی گفتم یا کاری انجام دادم در حال انجام اشتباه بودم، بنابراین دیگر جرأت ندارم چیزی بگویم یا کاری انجام دهم. اما تقریباً تعدادی از افراد پیرامونم فکر می‌کنند که من بیش از حد محتاط هستم.

معلم: من نیز اینطور فکر می‌کنم. در حقیقت، وقتی شخص به این می‌رسد که حقیقت را ببیند و تشخیص دهد که اصول بشری در واقع وارونه هستند این حالت نمایان می‌شود. آن تجلی روند یک تزکیه‌کننده شدن است. اما همزمان، فرد هنوز باید به عنوان یک تزکیه‌کننده رفتار کند و به شیوه‌ای باز و موقرانه تزکیه کند. تنها چیز این است که قلمروی یک تزکیه‌کننده در کارهایی که از عمد و غیرعمد انجام می‌دهد به نمایش درخواهد آمد، و آنها با استانداردی بسیار بالا مطابقت خواهند داشت. در دام نوعی دیگر از وابستگی نیفتید، وقتی کارهایی انجام می‌دهید یا چیزهایی می‌گویید از اشتباه کردن نترسید. آن ترس نیز یک وابستگی است. بهترین سعی خود را بکنید تا کارها را به شیوه‌ای باز و باوقار انجام دهید. هیچ مشکلی در آن نیست.

شاگرد: آیا می‌توانید به ما بگویید علت ریشه‌ای غرور ما چیست؟

معلم: احساسات. وقتی دیگران می‌گویند شما خوب هستید آن را دوست دارید. وقتی افراد دیگر شما را تحسین کرده و تملق‌تان را می‌گویند خوشتان می‌آید. وقتی دیگران به شما احترام می‌گذارند از آن لذت می‌برید. و از هر چیزی که تصویر شما را خراب کند می‌ترسید. تمام اینها ذهنیت غرور را رشد می‌دهند. آن یک وابستگی است. تمایل انسان به حفظ وجهه خود بسیار قوی است. در حقیقت، وقتی ذهن‌تان را بر سبک گرفتن می‌گذارید و بار بسیار زیادی حمل نکنید، سریعتر تزکیه خواهید کرد.

شاگرد: در طول روند تزکیه، عبور از بسیاری از سختی‌ها راحت است. من توانسته‌ام با تحمل کردن بر آنها غلبه کنم. اما احساسات آزمایشی است که عبور از آن بسیار سخت است. پس از بارها تلاش قادر نبوده‌ام از آن عبور کنم، زیرا کاملاً آرام و ملایم هستم و به سادگی تحت تأثیر قرار می‌گیرم. اکنون نزدیک دو سال است که تزکیه کرده‌ام، اما در طول این زمان، به خاطر مسائلی که در احساسم به دوست پسرم داشتم، چندین ماه است که تمرین را متوقف کردم. حالا می‌خواهم دوباره تمرین را شروع کنم. آیا معلم هنوز از من مراقبت می‌کنند؟

معلم: درب دافا هنوز بطور گسترده باز است. هنوز شاگردانی هستند که بطور پیوسته وارد می‌شوند تا آن را مطالعه کنند. شاگردان جدید هنوز در حال وارد شدن هستند. تا وقتی تزکیه کنید، هر چیزی به شما بستگی دارد. اما نمی‌توانید تمام مدت اینگونه رفتار کنید. این کافی است که هر درسی را یک بار گرفت. احساسات چیزی است که رها کردن آن بسیار سخت است. بگذارید این را به شما بگویم؛ موجودات بشری همگی فکر می‌کنند که افکار و احساسات‌شان قسمتی از بدن خود آنها و محصولی از تفکر خود آنها است. اصلاً اینطور نیست. احساسات دقیقاً نمایش غیرمنطقی‌ترین چیزهاست. هر زمان که بوسیله احساسات تحریک می‌شوید، به هیچ وجه قادر نیستید معقولانه عمل کنید. با دقت درباره آن فکر کنید، وقتی نمی‌توانید چیزهای بخصوصی را از ذهن‌تان دور کنید، وقتی احساس عصبانیت می‌کنید و فکر می‌کنید مورد بی‌انصافی قرار گرفته‌اید، در آن لحظات توسط احساسات هدایت می‌شوید. برخی از افراد در کنترل خود کاملاً ناتوان هستند و به شدت گیج می‌شوند. وقتی احساسات فرد غیرعادی شود، به این معناست که تا نقطه بی‌منطق شدن توسط احساسات هدایت شده است. افرادی هستند که وقتی در تلاشند تا احساسات را رها کنند زمانه سختی دارند، حتی تا نقطه‌ای که احساس آسیب و دل‌شکستگی می‌کنند، و به شکلی منفعلانه همراه با احساسات کشیده می‌شوند. احساسات در هر چیزی در حال عمل است. در واقعیت، این احساسات یک خدا در سه قلمرو درون بُعد ما است. آن برای موجودات بشری خلق شد، و برای خاطر موجودات بشری و تمام موجودات ذی‌شعور درون سه قلمرو وجود دارد. بدون احساسات، موجودات بشری سرد و بی‌تفاوت می‌شوند. اگر موجودات بشری احساسات نداشته باشند، حتی فاسد

می‌شوند. پس برای نوع بشر زندگی معنادار نمی‌بود. دقیقاً به خاطر اینکه احساسات وجود دارد، مردم یاد گرفته‌اند که احساس خوشحالی، عصبانیت، ناراحتی، و افتخار کنند. دقیقاً به خاطر اینکه احساسات وجود دارد، پیوند خاصی بین والدین و فرزندان وجود دارد. دقیقاً به خاطر اینکه احساسات وجود دارد، مردم می‌توانند خانواده تشکیل دهند. دقیقاً به خاطر وجود احساسات، مردم می‌توانند فرزندان خود را دوست بدارند و از آنها مراقبت کنند. احساسات می‌تواند این نقش‌ها را برای موجودات بشری ایفا کند. اما به خاطر افکار گمراهانه، احساسات می‌تواند همچنین برای موجودات بشری رفتار نادرست یا شیوه‌های تفکر نادرست ایجاد کند. از لحظه‌ای که فرد متولد می‌شود در احساسات غوطه‌ور است. آن در تمام سلول‌های شما پر شده است. بنابراین گریز از آن در طول تزکیه سخت است. به عنوان یک تزکیه‌کننده، اگر نمی‌توانید احساسات را رها کنید، تمام رفتار شما رفتار بشری خواهد بود. گرامی داشتن احساسات در حقیقت دفاع کردن از احساسات است. و در آن صورت، شما صرفاً یک انسان عادی هستید. اگر بتوانید آن را رها کنید، آنوقت دیگر بخشی از آن نیستید، و یک خدا هستید. اصل این است.

بودها، بودی‌ساتواها، آرهات‌ها، و خدایان بیرون از این احساسات هستند. خدایان خارج از سه‌قلمرو احساسات بشری ندارند. اما نداشتن احساسات بشری برابر با این نیست که به دیگران اهمیت نداد و از آنها مواظبت نکرد. آنها چیزی بالاتر را دارا هستند، که نامیده می‌شود نیکخواهی (سی‌پی)، که باشکوه‌تر، وسیع‌تر و شگفت‌انگیزتر است. احساسات عنصری درون سه‌قلمرو است.

شاگرد: شاگردان از شهر فوژو به من تلفن کردند و خواستند درودشان را به معلم گرامی‌شان برسانم!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: سنگاپور یک اجتماع چند نژادی است و انگلیسی به عنوان زبانی متداول بکار می‌رود. جمعیت آن ۳.۲ میلیون نفر است، هفتاد و شش درصد از آنها چینی هستند. اما در حال حاضر تعداد اندکی از مردم هستند که در حال یادگیری دافا هستند. بیشتر آنها به زبان انگلیسی تحصیل کرده‌اند. آنها زبان گفتاری چینی را می‌فهمند اما برای خواندن چینی چالش دارند. این یکی از چندین موردی است که به عنوان مانع در حال عمل است و سختی‌هایی را برای کسب فایده توسط مردم قرار داده است. من نیز به زبان انگلیسی تحصیل کردم و می‌توانم سختی‌های آنها را درک کنم. استاد، ما چگونه می‌توانیم تحت این شرایط دافا را به مردم بیشتری در سنگاپور اشاعه دهیم؟

معلم: این نوع از شرایط در مناطق دیگر هم وجود دارد. برخی افراد چینی در استرالیا هستند، و همینطور افراد چینی که در کشورهای غربی دیگر زندگی می‌کنند، اما آنها کاملاً در فرهنگ غرب پرورش یافته‌اند، بنابراین چینی صحبت نمی‌کنند. اما آیا این معنی را می‌دهد که آنها نمی‌توانند فایده مطالعه کنند؟ آنها می‌توانند نسخه انگلیسی جوآن فالون را بخوانند یا جوآن فالون را به زبان‌های دیگر بخوانند. آنها می‌توانند بطور مشابه فایده را بدست آورند. این مسئله‌ای نیست.

شاگرد: استاد بیان کردند که در حال حاضر تمام موجودات بشری بر روی زمین قرار نیست انسان باشند. آیا این درک من درست است؟ در ابتدا وقتی این مردم پایین آمدند، به این خاطر نبوده که آنها چون بد شده‌اند قدم به قدم به پایین سقوط کرده‌اند. در عوض، خطر کردند و به اینجا پایین آمدند. اما وقتی به دنیای بشری رسیدند، همگی به توهم فروافتادند و کارمای بسیاری جمع کردند. برخی از افراد کارمای بسیار زیادی انباشته کردند و کاملاً گم شدند. آنها دیگر به هیچ وجه قادر به تزکیه نیستند. اما با وجود این، استاد فقط به این حقیقت نگاه می‌کنند که آنها در ابتدا برای کسب فایده پایین آمدند. بنابراین بدون توجه به اینکه چه کسی باشد، به محض اینکه امروز او فکر تزکیه را رشد دهد و وارد تمرین شود، استاد نجات را به او عرضه خواهند کرد.

معلم: آن اساساً درست است. اما اینطور نیست که همه مردمی که به اینجا پایین آمدند به علت افکار درست بوده است؛ برخی به این سطح فروافتادند. اما به هنگام ارائه نجات به مردم، دافا با هر کسی یکسان رفتار می‌کند. این درب من آنقدر بطور گسترده‌ای باز است که دیگر هیچ دری باقی نمانده است. فقط به قلب مردم نگاه می‌شود. به علاوه، این حقیقت دارد که گفته‌ام موجودات

بشری در دنیای امروزه برای اینکه انسان باشند نیامده‌اند. اما همه آنها هم نیامده‌اند که بوداها، داتوها، یا خدایان باشند. یعنی همه آنها برای تزکیه نیامده‌اند. اما تمام آنها به خاطر دافا آمدند، توسط دافا شکل گرفته‌اند، و توسط دافا خلق شده‌اند. آنها هر دوی نقش مثبت و منفی را ایفا می‌کنند.

شاگرد: از زمان شروع مطالعه فالون دافا، دو بار شما را در خواب دیده‌ام. هر دو بار، شما شبیه تصویر حال حاضران بودید. من به زبان انگلیسی تحصیل کردم و همچنین فرزندی دورگه هستم. چرا اینطور است که نتوانستم بدن‌های قانون شما را ببینم اما نتوانستم یک بدن مشابه شما را ببینم؟

معلم: تزکیه هر شخص بطور متفاوتی پیش می‌رود. نمی‌خواهم بطور خیلی خاص به شما بگویم. شرایط برخی از شاگردان متفاوت است و نمی‌تواند بدن‌های قانون مرا هم ببیند. هر کسی می‌داند که بدن قانون تصویر یک بودا را دارد، با موهایی آبی که یک کاسایای زرد پوشیده است. قبل از اینکه به قلمروی بودا برسید، اجازه ندارید تصویر یک بودا را ببینید. موضوع این است. به منظور اینکه پیشرفت شما را مختل نکنم، زیاد درباره شرایط خاص شما صحبت نمی‌کنم. برخی افراد می‌توانند ببینند، و دیدن به سادگی منجر به وابستگی از خودراضی بودن می‌شود. بنابراین همیشه از صحبت درباره شرایط خاص خودداری کرده‌ام، و افراد تمام مدت درباره آن پرسیده‌اند. برخی افراد عناصر مادرزادی‌شان را با خود حمل می‌کنند، که اجازه می‌دهد ببینند. افراد زیادی مثل این هستند، همانطور که به شما گفته‌ام هیچ موجود بشری برای اینکه انسان باشد نیامده است، و آن به این خاطر است. آنوقت کسانی هستند که خیلی خوب تزکیه کرده‌اند و باید سریعتر پیشرفت کنند. آنها اجازه ندارند که ببینند، و این منجر به این می‌شود که قادر به دیدن چیزی نباشند. هیچ مذهب یا روش تزکیه‌ای قادر نیست شما را به مکانی نجات دهد که حتی از خدایان خودش بالاتر است. دافای ما می‌تواند تمام موجودات ذی‌شعور را نجات دهد. تا هر ارتفاعی که شخص تزکیه کند به خودش بستگی دارد. آن به این خاطر است که دافا فای کیهان است و محیط‌های زندگی برای تمام موجودات در کیهان خلق کرده است. آن می‌تواند شما را به جایگاه اصلی برگرداند. اما الزامات نیز به همان نسبت بالا هستند. برخی شاگردان باید به سطوح بالایی تزکیه کنند. اگر [حالت الزام] آنها به روشن و آگاه شدن به مسائل خدشه‌دار شود، هرگز قادر نخواهند بود به آن قلمرو برسند.

مسیر تزکیه براساس شخص تعیین می‌شود. هر کسی متفاوت است. برخی افراد می‌توانند بسیار واضح ببینند، همانطور که زمان می‌گذرد چیزی را پس از چیز دیگر می‌بینند. در حالیکه برخی افراد به سادگی چیزی نمی‌بینند. فکر نکنید کسانی که نمی‌توانند چیزی ببینند در سطح پایینی هستند، و فکر نکنید آنهایی که می‌توانند ببینند به خوبی تزکیه کرده‌اند. سطح تزکیه فرد بستگی به سطح شین‌شینگ او دارد. این قطعی است. در سرتاسر تاریخ هرگز سیستم تزکیه‌ای نبوده که از توانایی‌های فوق‌طبیعی به عنوان استاندارد برای قضاوت شین‌شینگ خوب فرد یا بالا بودن سطح او استفاده کرده باشد. آن هرگز اتفاق نیفتاده است.

شاگرد: هر چیزی از تقوا تبدیل می‌شود. در آن صورت آیا دریافت چیزها از استاد باعث می‌شود شخص تقوا از دست بدهد؟

معلم: این را در گذشته گفته‌ام، گفتم که همه شما تزکیه‌کننده هستید و باید خودتان را بر طبق استانداردهایی محکم حفظ کنید. مهم نیست چه کسی هستید، باید به آن شیوه عمل کنید. به این خاطر که شما در روند تزکیه هستید و آن الزامی برای تزکیه شماست. اما من یک تزکیه‌کننده نیستم. استاد اینجاست که شما را نجات دهد. باید در این باره روشن باشید. بنابراین هرگز نباید خودتان را با من مقایسه کنید.

شاگرد: استاد بیان کردند که مسیر تزکیه هر یک از مریدان تمام مسیر تا کمال نظم و ترتیب داده شده است. اما در جوان فالون گفته شده است، «هر آنچه به لحاظ فیزیکی دارند، همراه با تحمل آنها، از پیش تعیین شده است.»^۴

معلم: هیچ تناقضی آنجا وجود ندارد. من برای همه برنامه‌ریزی کرده‌ام که به کمال برسند. اما همه لزوماً در قلمرویی یکسان به کمال نمی‌رسند. آیا منظور این نیست؟ پس، چیزهایی که خود شما حمل می‌کنید، توانایی‌تان برای گذشت کردن، توانایی برای تحمل کردن، و اینکه جایگاه اصلی شما کجاست، تماماً متفاوت است.

شاگرد: «... برخی افراد باز شدن گونگ یا روشن بینی را تجربه خواهند کرد... در یک سطح بسیار پایین.» در مورد چنین فردی، نکته نظم و ترتیب دادن برای رسیدن آنها به کمال چیست؟

معلم: شما احساس می‌کنید آن بی‌معنی است، اما دیگران آن را با معنا می‌یابند! غیر تزکیه‌کنندگان همگی با بدست آوردن حتی ذره کوچکی دستاورد در میان مردم عادی کاملاً احساس رضایت می‌کنند. آنها احساس می‌کنند آن کاملاً با معنا است و اینکه آنها واقعاً از زندگی خود لذت می‌برند. آیا اینطور عمل نمی‌کند؟ همانطور که تزکیه‌کنندگان مختلف در سطوح معینی به کمال می‌رسند، آن برایشان با معنا است!

شاگرد: برای بیش از یک سال است که فا را مطالعه کرده‌ام و تمرین‌ها را انجام داده‌ام. اما هر بار که تمرین‌های ایستاده را انجام می‌دهم، نمی‌توانم خمیازه کشیدن مداوم و جاری شدن اشک‌هایم را متوقف کنم. آیا به این دلیل است که برخی از وابستگی‌هایم را رها نکرده‌ام؟

معلم: خیر. خمیازه کشیدن یک حالت تزکیه است. در مرحله اولیه تزکیه بطور پیوسته ظاهر می‌شود، اما همیشه اتفاق نمی‌افتد. این حالت ثابت نیست. در طول مرحله ابتدایی، وقتی که چی درون بدن رشد یافت به سر فشرده می‌شود و باید خارج شود، خمیازه کشیدن ممکن است اتفاق بیفتد. آن چیز بدی نیست. در طول مرحله اولیه همانطور که بدن تنظیم می‌شود، پاک شدن بیماری‌ها در سر نیز باعث ایجاد آن می‌شود. آن پدیده‌ای در روند تزکیه است.

شاگرد: وقتی افراد درباره یک موضوع بخصوص بر نظرات خود اصرار می‌کنند، چگونه فرد می‌تواند بین وابستگی‌ها و اصرار بر نظر خود تمایز قائل شود؟ برای مثال، وقتی افراد درباره موضوع خاصی نظرات متفاوتی دارند اما فقط یک رویکرد می‌تواند اتخاذ شود، و هر یک نظر تجلی فا در سطوح مختلف است، آیا شخص باید بر اساس درک خودش به آن موضوع رسیدگی کند یا بر طبق تصمیم گروه؟ چگونه هر مرید می‌تواند فا را به عنوان معلم در نظر بگیرد تا آن را عملی کند؟

معلم: وقتی با مسئله‌ای دست و پنجه نرم می‌کنید و نظرات مختلفی ارائه می‌شود، بعد از بحث بر روی آن موضوع، باید اول دافا را در نظر بگیرید و نباید بیش از حد به نظر خودتان تأکید کنید. بعد از اینکه تصمیم نهایی گرفته شد، باید با هم کار کنید تا آن را به خوبی انجام دهید. وقتی افراد به چسبیدن بر نظرات خودشان اصرار می‌ورزند و زمان زیادی را به مشاجره درباره آن موضوع می‌گذرانند اما قادر نیستند به یک توافق برسند، آنها توسط اهریمن یا سرشت اهریمنی مورد استفاده قرار می‌گیرند که به فا آسیب می‌زند. بطور سرسختانه اصرار بر چسبیدن به نظر خودتان و امتناع از رها کردن آن یک وابستگی به «خود» است.

شاگرد: نظر یک شخص درباره موضوعی باعث می‌شود باورهای خودش را رشد دهد. اما بین یک تزکیه‌کننده و یک فرد عادی زمانی که با افکار و باورهای خود دست و پنجه نرم می‌کند، تفاوت در آن حالت ذهنی که دارد نهفته است. یک فرد عادی به درستی افکار خودش وابسته است و از این رو امیدوار است افراد دیگر با او موافق باشند. در مقابل، یک تزکیه‌کننده نظرات خودش را دارد اما آنها را به افراد دیگر تحمیل نمی‌کند. آیا این درک درست است؟

معلم: این کاملاً درست نیست. آن به این خاطر است که یک تزکیه‌کننده به سادگی در میان مردم عادی باورهایی شکل نمی‌دهد، و او فا را بالاتر از هر چیز دیگری قرار می‌دهد. او از فا استفاده می‌کند تا در توهم نفوذ کند و افکار و عقاید بشری را پاک کند، و برای قضاوت هر چیزی فا را بکار می‌برد. گذشته از بکاربردن افکار درست محکم برای محافظت از فا، او کارهای

مردم عادی را بطور طبیعی و بدون در طلب بودن انجام می‌دهد. او به این وابسته نیست که آیا آن می‌تواند انجام شود یا خیر، بنابراین حتی کمتر اینطور است که باید باورهای سفت و سخت داشته باشند.

مریدان دافا چگونه باید به وابستگی داشتن رسیدگی کنند؟ آیا با افکار درست به آنها رسیدگی می‌کنید؟ مخصوصاً وقتی که کشمکش‌های شدید ناشی از اختلاف نظر وجود دارد، شما باید به خودتان نگاه کنید و در قلب‌تان ببینید که کجا ایستادید. آیا آن صددرصد مطابق فاست؟ اصرار شما به چسبیدن به نظر خودتان بر چه اساسی است؟ باید به ریشه آن فکر نگاه کنید.

شاگرد: یکی از شاگردان دیدگاهی بدبینانه دارد، می‌گوید که ممکن است موجودی درون سه‌قلمرو باشد و این امکان هست که نتواند از سه‌قلمرو خارج شود بدون توجه به اینکه چقدر تلاش کند. آیا این طرز فکر درست است؟

معلم: چه کسی به او گفته که موجودی درون سه‌قلمرو است؟ هرگز به هیچ کسی نگفته‌ام که نمی‌تواند تزکیه کند. به شما می‌گویم که اهمیتی نمی‌دهم چه کسی هستید، و اهمیتی نمی‌دهم برای چه به اینجا آمدید؛ حتی اگر به دنیا آمدید که به فاست آسیب بزنید، هنوز نجات را به شما عرضه می‌کنم. (تشویق)

آیا می‌دانستید که تعداد شاگردان دافا امروز واقعاً بسیار زیاد است؟ اگر ما خودمان به خوبی انجام نمی‌دادیم، با چنین گروه بزرگی از افراد پیامدها بزرگ می‌بود. آنوقت ادارات دولتی معینی شروع می‌کردند آن را مورد توجه قرار دهند. در حقیقت، همیشه افرادی بوده‌اند که می‌خواهند ببینند [در فالون دافا] چه خبر است. برخی افراد که به عنوان جاسوس کار می‌کنند همراه با شاگردان تمرین می‌کنند و در حال مشاهده و تماشا هستند که آنها چه کار می‌کنند. آیا می‌دانید چگونه به این موقعیت نگاه می‌کنم؟ مهم نیست او چه نوع شغلی انجام می‌دهد، او یک موجود ذی‌شعور است. در ابتدا او یک موجود است. دیدگاه من نسبت به آنها [این است]، به سادگی آنها را افرادی با شغل‌های متفاوت در نظر می‌گیرم. بدون توجه به اینکه چه افکاری داشته‌اند وقتی اولین بار به این محیط ما وارد می‌شوند، با همه آنها با افکار نیک‌خواهانه رفتار می‌کنم. تا وقتی که بخواهد تزکیه کند، من مسئول او هستم. بنابراین وقتی بسیاری از این افراد از ادارات دولتی می‌آیند تا درباره دافا بدانند متوجه می‌شوند که ما چیزی برای پنهان کردن نداریم و چیز بدی درباره ما وجود ندارد، و به علاوه شروع کردند اینطور فکر کنند که دافا بسیار خوب است، شروع کردند که دافا را با علاقه مطالعه کنند. بعداً به شاگردان ما گفتند: «آیا می‌دانید من چه کسی هستم؟ من یک نفوذی هستم. فهمیدم که شما خوب هستید. اکنون آن را خواهیم آموخت!» (تشویق)

می‌گویم دافای ما از این نمی‌ترسد که توسط دیگران شناخته شود. هر یک از شاگردان و هر یک از داوطلبان ما اینطور رفتار می‌کنند: «شما اینجا آمده‌اید که ما را بشناسید. هر آنچه که می‌خواهید بدانید، من به شما خواهم گفت. هر آنچه که می‌خواهید ببینید، آن را بیرون آورده و به شما نشان خواهم داد.» هیچ چیز پنهانی وجود ندارد. هر کاری به شیوه‌ای باز و راستین انجام می‌شود. زیرا این تنها قطعه سرزمین پاک در دنیای بشری است. قبل از اینکه به درک دافا برسند، مردم امروزه بر این باور هستند که هیچ انسان خوبی دیگر وجود ندارد. اگر آنها ما را شناسند و به این محیط قدم نگذارند، حقیقتاً باور نخواهند داشت که چنین مردم خوبی در این دنیا وجود دارند.

شاگرد: وقتی تازه از خواب بیدار شده‌ام یا در اطراف قدم می‌زنم، بخشی از مغزم بطور پیوسته پاراگراف‌های خاصی از جوآن فالون را می‌خواند، اما خودآگاه اصلی من درباره امور مردم عادی فکر می‌کند. آیا آن بخش از من که بطور کامل تزکیه شده است این خواندن را انجام می‌دهد؟

معلم: بله، این حالت ممکن است پیش بیاید. آن بخش از شما که تزکیه را کامل کرده روشن و آگاه است و برای این بخش بشری که به خوبی تزکیه نکرده و بطور کوشایی پیش نمی‌رود، نگران است.

شاگرد: شوهرم در کنفرانس شرق ایالات متحده که در ماه مارس در نیویورک برگزار شد سؤالاتی پرسید. معلم او را تشویق کردند و به او گفتند که درون خود را پاک کند، بطور کامل خود را تغییر دهد، و از نو شروع کند. او می‌داند که باید کلام معلم را دنبال کند و بطور واقعی تزکیه کند؛ اما شوهرم در یک حالت پشیمانی و انتقاد از خود گیر افتاده است، و نمی‌تواند از آن بیرون بیاید. همچنین مداخله اهریمنی نیرومندی وجود دارد. اکنون چهار ماه است که این جریان ادامه داشته است.

معلم: آن به این دلیل است که خودآگاه اصلی شوهر شما ضعیف است و نمی‌تواند با ذهنی روشن کنترل خود را حفظ کند. من به او گفتم که اشتباه کرده، آنوقت او در حالتی از سرزنش خود گیر کرده است. او به افراطی دیگر رفته و به آن وابسته شده است. آنوقت اهریمنان از این شیوه نادرست تفکر او استفاده کرده و با او مداخله می‌کنند.

شاگرد: آیا او هنوز می‌تواند تزکیه کند؟

معلم: شما باید این سؤال را از او بپرسید. چرا گفته‌ام که بیماران روانی نمی‌توانند تزکیه کنند؟ همه می‌دانند که این دافای ما برای تزکیه خودآگاه اصلی شماس است. آن به این معنا است که آن به خود شما داده می‌شود. باید خودتان را با خودآگاه روشن تزکیه کنید. تمام روش‌های پیشین تزکیه، شامل تمام مذاهب پیشین، برای تزکیه خودآگاه کمکی بود. بعد از اینکه شخص می‌مرد، روح اصلی او هنوز مثل گذشته از میان بازپیدایی می‌گذشت. آن بخش که مطابق استاندارد بود می‌توانست به بهشت صعود کند، اما آن خود واقعی شما نبود بلکه روح کمکی بود. از آغاز زمان این یک راز بود، و در گذشته نمی‌توانست آشکار شود. امروزه، به منظور اشاعه این دافا و اینکه قادر شوید بطور واقعی نجات یابید، من این راز موجود از آغاز زمان را برای تمام موجودات ذی‌شعور افشا کردم، راز اسرارها، اسرارآمیزترین راز آسمانی. اگر نتوانید خودتان را تزکیه کنید، و خود شما ذهنی روشن نداشته باشید، من در حال ارائه این فایده به چه کسی هستم؟ از چه کسی می‌خواهم آن را کسب کند؟ بنابراین خودآگاه اصلی شما باید روشن باشد. اگر روشن نباشید، آنوقت عملی نخواهد بود. بنابراین مکرراً به همگی می‌گویم که باید به شیوه‌ای راستین، معقول و باوقار تزکیه کنید.

شاگرد: در حال انجام مدیتیشن، آیا می‌توانم از یک بالشک استفاده کنم که قسمت تحتانی را بالاتر بیاورد و برای پشت کمرم نگه‌دارنده باشد؟

معلم: در زمان حاضر می‌توانید آن را انجام دهید. باید اجازه دهم شما همانطور که تمرین‌ها را انجام می‌دهید از میان یک روند بگذرید. اگر چه در آینده، نمی‌توانید آن را انجام دهید زیرا مطمئناً به خوبی آن را تمرین خواهید کرد.

شاگرد: در رؤیایم، استاد به من گفتند که اگر بتوانم آنچه واقعی است را به آنچه ساختگی و جعلی است تغییر دهم و تمام چیزهای دروغین را از طریق تزکیه پاک کنم، آنوقت تزکیه خود را کامل می‌کنم.

معلم: این را باید از دو جنبه نگاه کرد. اول، از دید خدایان، این واقعیت جامع بشری واقعی نیست. به علاوه، این یک اشاره است درباره چیزهای واقعی که شما به آن وابسته هستید، و اشاره‌ای برای آن بخش از شماس است که وابستگی‌های بخصوصی دارد. فقط به این شکل می‌توانم آن را به شما بگویم. نمی‌توانید بخواهید کلماتی که به منظور اشاره به شما است را تشریح کنم. در غیر اینصورت چرا از اول به شما اشاره‌ای رساندم؟

شاگرد: آیا در ترتیب کلمات «جن، شن، رن» معنای بخصوصی وجود دارد؟

معلم: آن تماماً دربرگیرنده است. «جن» شامل «جن، شن، رن» است. «شن» نیز شامل «جن، شن، رن» است. و «رن» نیز شامل «جن، شن، رن» است.

شاگرد: وقتی درباره مدرسه بودا و مدرسه دائو در جوآن فالون صحبت می‌کنید، استاد معمولاً مدرسه دائو را پیش از مدرسه بودا قرار می‌دهند. آیا این ارتباطی با ترتیب ظاهر شده در «جن، شن، رن» دارد؟

معلم: نباید توجه خود را به مسائلی مانند این متمرکز کنید. در اینجا هیچ ارتباط خاصی وجود ندارد. آن را اینگونه روان دیدم که بگویم، «بوداها، دائوها، و خدایان.» می‌توانستم بگویم «دائوها، بوداها، و خدایان،» اما نامناسب و ناشیانه به نظر می‌رسد. یا می‌توانستم بگویم «خدایان، دائوها، و بوداها،» اما صرفاً آنقدرها روان حس نمی‌شد. بگویم «جن، شن، رن» حس روان بودن زیادی دارد! می‌توانستم به گونه‌ای ظریف [ترتیب] آنها را تغییر دهم، اما عجیب به نظر می‌رسید. هرطور که من آن را می‌گویم، شما هم باید همانطور بگویید.

شاگرد: من فردی دقیق و جدی و در عین حال بی‌صبر و بی‌حوصله هستم. حس می‌کنم این حالت ذهن من مانعی برای تزکیه‌ام شده است.

معلم: آن قطعاً یک مانع است. خیلی خوب است که می‌توانید آن را تشخیص دهید.

شاگرد: آیا این توسط افکار شکل‌گرفته پس از تولد و کارما ایجاد شده است؟ یا توسط ویژگی‌های اصلی و منحصر بفرد من ایجاد شده است؟

معلم: آن بوسیله افکار ایجاد شده است. این نوع از فکر و باور در طول یک دوره طولانی از زمان توسعه یافته است. هر وقت با چیزی مواجه می‌شوید، باعث می‌شود در این نوع از افکار بیفتید. ویژگی‌های آن، به اصطلاح باذقت، جدی، و بی‌صبر است. آن به شکلی از عادت رشد یافته است. شما این توانایی را دارید که به طور کامل از آن خلاص شوید.

شاگرد: معلم گفتند که تمایل به تزکیه در چنین محیط سختی واقعاً قابل توجه است. اما در مورد من، حس می‌کنم باید تزکیه کنم زیرا فکر می‌کنم زندگی در دنیای بشری بسیار دردآور و خسته‌کننده است. آیا به این دلیل است که اصلاً قادر به تحمل هیچ رنجی نیستیم؟

معلم: موضوع این نیست. آنچه توضیح دادم شیوه‌ای است که تمام خدایان درباره موجودات بشری فکر می‌کنند. اما احساس شما احساس طبیعی مردم دنیا است. اجتماع بشری قطعاً رنج بسیار زیادی دارد. موجودات در بعدها دیگر می‌توانند به همه جا پرواز کنند و شناور باشند. می‌توانند بزرگ یا کوچک شوند. تمام آن برای آنها بسیار طبیعی است. فقط انسان و بعدها لایه پسته مانند این هستند. از لحظه‌ای که در ابتدا به دنیا آمدید توسط هر چیزی در این بعد محدود شده‌اید. وقتی راه می‌روید خسته می‌شوید، اگر غذا نخورید گرسنه می‌شوید، اگر آب ننوشید تشنه می‌شوید، اگر به اندازه کافی لباس نپوشید سردتان می‌شود، و مانند آن. این رنجی است که وقتی وارد این بعد می‌شوید بطور طبیعی می‌آید. البته، تضادهای شین‌شینگ بین مردم، تجلی کارما، و ایجاد کارمای ناشی از نادانی بطور مداوم نیز هست. همچنین رنج کشیدنی وجود دارد که هنوز توسط مردم شناسایی نشده است، رنجی که نمی‌توان بوضوح توضیح داد، بنابراین بشریت صرفاً انباشته از رنج است.

شاگرد: یک شاگرد دافا سؤالی داشت. او گفت که هر وقت به فلز دست می‌زند، از دستانش الکتریسیته ساطع می‌شود. این [وضعیت] برای بیش از یک سال ادامه یافته است. استاد، آیا به این معناست که او در همان سطح مانده است؟

معلم: خیر. برای موجودات بشری، مقدار بسیار زیادی از انرژی که در طول تزکیه از یک شخص پدیدار می‌شود - یعنی، گونگ‌تان و تبدیل‌های بدن‌تان - الکتریسیته حمل می‌کند. موجودات بشری نسبت به عناصر الکتریسیته حساس‌ترین هستند. در واقعیت، الکتریسیته تجلی نوعی از انرژی است. با صحبت از زاویه‌ای دیگر، اگر کسی در حوزه‌های خاصی از تزکیه خود به قدر کافی کوشا نباشد یا در حوزه‌های خاصی کمی کوتاهی داشته باشد، این همچنین می‌تواند یک اشاره برای او باشد. موقعیت

دیگری نیز هست: وقتی فردی در طول تزکیه سطح خود را بهبود می‌بخشد، در سطح بدنش نیز پیشرفت‌هایی خواهد داشت؛ ممکن است در اینکه چگونه توانایی متناظر او برای دفع الکتریسیته رشد می‌کند تفاوتی وجود داشته باشد. در آن صورت نیز، این نوع از تجلی اتفاق خواهد افتاد. این چیزی کوچک است و اهمیت زیادی ندارد، اما به خوبی از شما مراقبت خواهد کرد.

شاگرد: برخی افراد در سیدنی به دافا حمله می‌کنند. شاگردی فکر می‌کند که ما باید علیه آنها پرونده دادخواهی تشکیل دهیم. حس می‌کنم این استفاده از راه‌های مردم عادی برای مبارزه با مردم عادی است. آیا این طرز فکر من درست است یا اشتباه؟

معلم: اول اینکه، می‌خواهم آن شاگرد را تصدیق کنم؛ تمایل به حمایت از دافا اشتباه نیست. باید به این نگاه کنیم که آن افراد چگونه به فاسد می‌زنند. اگر موجب یک سطح خاصی از اثرگذاری بر دافا شده‌اند، آنوقت از دیدگاه شاگردانی که از دافا حمایت می‌کنند، بکار بردن کانال‌های قانونی به عنوان راه حل اشتباه نیست. البته، ما باید بهترین سعی خود را بکنیم که در این چیزها درگیر نشویم. اما اگر آن باید از طریق کانال‌های قانونی حل شود، آن غیرمحمول نیست. اما چون ما نجات را به مردم عرضه می‌کنیم، باید همیشه راه چاره‌ای برای مردم به جا بگذاریم و به آنها یک فرصت بدهیم. حتی اگر آنها سهواً به فاسد می‌زنند، هنوز باید به آنها اجازه دهیم که روندی از آمدن و درک کردن ما را داشته باشند. می‌توانید بروید و با آنها صحبت کنید. اگر به رفتار خود ادامه دهند، آنوقت برای ما استفاده از کانال‌های قانونی، غیرمحمول نیست. به این خاطر که انجمن فالون دافای استرالیا یک گروهی است که قانوناً ثبت شده و از نظر قانون مجاز است، و نباید به دلخواه توسط مردم مورد حمله قرار بگیرد. اما خیلی از چیزها مانند آن به تزکیه شخصی شما ارتباط دارد. از بررسی خود چشم‌پوشید. باید ببینید آیا آن به خاطر وابستگی‌های خود شما، یا شاید توسط عوامل خاصی ناشی از وابستگی‌های پاک نشده شما ایجاد شده است.

شاگرد: سؤال من این است. بیشتر از ده‌ها هزار حالت در طول روند تزکیه نمایان می‌شود. چگونه ما می‌توانیم قضاوت کنیم که آیا بطور صحیح با این حالت‌هایی که در روند تزکیه ظاهر می‌شوند برخورد کرده‌ایم؟

معلم: تمام حس‌ها و حالت‌هایی که در روند تزکیه شخصی نمایان می‌شوند باید به عنوان حالت‌هایی طبیعی در طول تزکیه در نظر گرفته شود. هر کسی می‌خواهد در روند تزکیه هر آزمایش را به خوبی بگذراند، و همچنین می‌خواهد بداند آیا واقعاً آزمایش‌ها را خوب گذرانده است یا خیر. در واقعیت، اگر در مواجهه با نفع شخصی بتوانید واقعاً تکان نخورده باقی بمانید، آزمایش را گذرانده‌اید؛ اگر حقیقتاً قادر باشید در مواجهه با تضادها برای علت‌ها درون خود را جستجو کنید و بدین ترتیب ابتدا خود را اصلاح کنید، آزمایش را گذرانده‌اید؛ اگر در میان انواع و اقسام سختی‌ها قادر باشید وابستگی‌ها را رها کنید، آزمایش را گذرانده‌اید. البته، درجات مختلفی از گذراندن آزمایش وجود دارد. برخی از شاگردان می‌توانند هر چیزی را به خوبی اداره کنند. برخی شاگردان می‌توانند در سطح ظاهر آنها را به خوبی اداره کنند اما نمی‌توانند در اعماق درون آنها را رها کنند. برخی به نظر می‌رسد کاملاً خوب هستند اما هنوز درون‌شان کمی پریشان هستند. آن به این معناست که آنها کمی از آن [وابستگی‌ها] را نگه داشته‌اند. تشخیص آن سخت نیست.

اما آیا اینطور است که بگوییم هر کسی باید هر آزمایشی را به خوبی بگذراند و اینکه اگر از آزمایش عبور نکردید مطابق استاندارد نیستید؟ آیا اینطور است که بگوییم شما خوب نیستید؟ موضوع این نیست. بگذارید به همگی بگوییم که تزکیه، تزکیه ذهن شخص است. بگذارید این را باز هم واضح‌تر توضیح دهم. در مواجهه با نفع شخصی، در مواجهه با خشم و کینه، در میان تضادهای بین مردم، برانگیخته خواهید شد. اگر حقیقتاً بتوانید تکان نخورده باقی بمانید، آنوقت می‌گوییم شما واقعاً فوق‌العاده هستید! هرگاه یک آزمایش را به خوبی نگذرانید، فکر می‌کنید، «چون این آزمایش را به خوبی نگذراندم آیا به این معناست که دیگر خوب نیستم؟» پاسخ نه است. درک برخی از افراد کمی بالاتر است، درحالی‌که درک برخی افراد کمی پایین‌تر است. برخی از افراد آن آزمایش را به خوبی گذراندند، برخی کمی بدتر انجام دادند، درحالی‌که برخی افراد اصلاً آن را با موفقیت نگذراندند. اما همه شما می‌دانید احساس تأسف خواهید کرد، به خاطر کوتاهی داشتن از دست خودتان ناراحت می‌شوید. نگاه باید ذهن‌تان را درست کنید و سعی کنید دفعه بعد آزمایش را با موفقیت بگذرانید تا کوتاهی این بار را جبران کنید. وقتی دفعه بعد آزمایش پیش

آید، مصمم خواهید بود که آن را به خوبی بگذرانید. و در حقیقت، این دقیقاً تزکیه است. اگر می‌توانستید هر آزمایش را بگذرانید، می‌گویم که آن دیگر تزکیه نبود. در آن صورت من، استادان، به مسئولیت عمل نکرده بودم و آزمایش‌هایی ترتیب داده بودم که برایتان بسیار کوچک بوده، که در نتیجه قادر نمی‌بودید از طریق آنها تسین‌سینگ خود را رشد دهید. آیا موضوع این نمی‌بود؟

شاگرد: مریدان ژاپنی درودشان را به استاد می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: اکنون بیش از سه سال است که تزکیه کرده‌ام. مارس گذشته مادرم درگذشت. او نیز برای سه سال تزکیه کرده بود. اغلب عمیقاً بابت خیلی از چیزهایی که به خوبی انجام ندادم احساس تأسف می‌کنم، که باعث سختی‌های بزرگتری برای او شد. خودم را سرزنش می‌کنم که نتوانستم وقتی که او با آزمایش مرگ و زندگی روبرو شده بود بطور واقعی از منظرِ فا کمکش کنم، زیرا در آن زمان سرشت باوقار دافا را به روشنی ندیده بودم.

معلم: چیزی وجود ندارد که به خاطرش خودتان را سرزنش کنید. اگر خودتان را خیلی زیاد سرزنش کنید، یک وابستگی می‌شود. هر یک از شما در روند تزکیه هستید، و احتمال آن زیاد است که شما برخی کارها را به درستی انجام ندادید. اما شما برای دیگران نقش تعیین‌کننده ایفا نمی‌کنید، مخصوصاً وقتی اشخاص دیگر خودشان تزکیه‌کننده هستند. تزکیه به خود هر شخص مربوط است. اگر او قادر می‌بود در مواجهه با مداخله تکان‌نخورده باقی بماند و خودش را به خوبی اداره می‌کرد، آنوقت این واقعاً تزکیه نامیده می‌شد. [شما می‌گویید که] افراد دیگر به خوبی عمل نکردند و کمکی که به او کردند بسیار اندک بود. خوب، اگر یک تزکیه‌کننده به کمک افراد دیگر تکیه کند، این تزکیه خود او نامیده نمی‌شود. واقعاً در اینجا هیچ چیزی برای شما نیست که خود را به خاطرش سرزنش کنید. اگر کوتاهی کردید، باید آن درس‌ها را بیاموزید و حتی بهتر عمل کنید. آن را از زوایای زیاد نگاه کنید! شاید به آن بدی که شما تصور کردید نباشد. شاید هر کسی که دافا را آموخته است آن را بیپهوده نیاموخته. شاید کمال شما در آینده منتهی به نجات او شود.

شاگرد: آیا امکان دارد درباره ساختار ماده برای ما صحبت کنید؟

معلم: چه سؤال گسترده‌ای! ساختار ماده در کدام سطح؟ ساختار چه نوعی از ماده؟ آن بسیار پیچیده است. علم هم‌اکنون به درک آرایش مولکولی سطحی رسیده است. ساختار ماده را نمی‌توان به صورت کل توضیح داد. حتی اگر چندین روز برای صحبت درباره آن وقت صرف می‌کردم نمی‌توانستم تمامیت آن را تشریح کنم. وقتی مفهوم کیهان را به شما توضیح دادم، هنوز تا بیشترین حد ممکن از درک‌های بشری، طرز فکر بشری، کلمات بشری استفاده می‌کردم. آن بسیار محدود و کلی است. حتی آنوقت، صرفاً به طور کلی درباره یک نوع از شیوه هستی ماده صحبت می‌کردم. همچنین، زبان بشری به شدت ناقص و محدود است، چرا که نوع بشر کلمات و لغاتی برای توصیف آن ندارد.

شاگرد: چگونه توالی زمان اتفاقاتی که در این بعد ما روی می‌دهند در بعدهای دیگری که مفهوم زمان را ندارند متجلی می‌شود؟ آیا آنها مستقیماً براساس دوره زمانی به نمایش درمی‌آیند؟

معلم: روزی دیگر یک مرد جوان از من پرسید: «یک به علاوه یک می‌شود دو، این یک حقیقت است.» من گفتم: «این حقیقتی در میان مردم عادی است. می‌گویم به محض اینکه آن از این بُعد بیرون رود، دیگر حقیقت نیست. آن در مکان‌زمان‌های مختلف حقیقت نیست.» برای این است که بگویم، در مکان‌زمان‌های مختلف شما نمی‌توانید با استفاده از مفاهیم بشری آن را اندازه بگیرید، زیرا موجودات آنجا نیز برای خود روش‌های محاسبه زمان، روش‌های هستی، روش‌های درک چیزها را دارند. آنها کاملاً متفاوت هستند. آنچه خوب یا بد است و آنچه مثبت یا منفی است همگی از چگونگی درک بشر از آنها متفاوت است.

شاگرد: هر کسی کارمای خود را برای بازپرداخت دارد. فرد باید کارمای خود را به دوش بکشد، و افراد دیگر نباید همینطوری دخالت کنند. اگر زندگی شخص در خطر باشد، چگونه فردی که تزکیه می‌کند باید به آن رسیدگی کند؟

معلم: درباره این موضوع بارها صحبت کرده‌ام. اگر چه تزکیه‌کنندگان در مسائل مردم عادی دخالت نمی‌کنند، اما اگر ببینید که فردی جنایات وحشتناکی مرتکب می‌شود و شما کاری انجام ندهید، این مشکلی در شین‌شینگ است. «بی‌قصدی» (وو وی) که درباره‌اش گفته‌ام به حقیقتی اشاره می‌کند که شما درحالی‌که به وابستگی خاصی چسبیده‌اید، نباید تلاش کنید کاری برای انجام دادن پیدا کنید.

شاگرد: شاگردان هنگ‌کنکی درودشان را به استاد می‌فرستند!

معلم: از همه متشکرم! (تشویق)

شاگرد: وقتی کتاب جوآن فالون را می‌خوانم، در حال خواندن، افکار آشفته دیگری وارد ذهنم می‌شود. چگونه باید این مسائل را به درستی در نظر گرفته و اداره کنم؟

معلم: این کاملاً طبیعی است، هر کسی با این مشکل برخورد خواهد کرد. اما شما باید بر آن غلبه کنید. این به علت عقاید شکل گرفته پس از تولد در ذهن‌تان و کارمای ایجاد شده در افکار‌تان است. آنها با تزکیه شما و کسب فا مداخله می‌کنند. در مقابل آنها مقاومت کنید: «من باید با اراده محکم بر خواندن کتاب و مطالعه فا تمرکز کنم.» اینطور عمل کردن خودش نبود کردن آنها است. زیرا این فا است، مطالعه فا توسط شما آنها را نابود می‌کند. نباید اجازه دهید بر شما تأثیر بگذارد. اگر چشم‌تان کتاب را می‌خواند اما ذهن‌تان آنجا نیست، و حتی نمی‌دانید چگونه هر کلمه باید تلفظ شود، آن قابل قبول نیست. آن برابر است با خواندنی بیهوده.

شاگرد: به نظر می‌رسد هر زمان که با یک آزمایش شین‌شینگ مواجه شده‌ام، حس می‌کردم که در آن زمان آن را گذرانده‌ام. اما وقتی بعداً نگاهی به گذشته می‌اندازم، می‌بینم که آزمایش را به خوبی نگذراندم، یا اصلاً نگذراندم. آیا این حس ناشی از ارتقاء سطح من است؟

معلم: درست است، اگر سطح‌تان از طریق تزکیه صعود کرده باشد، وقتی به عقب نگاه کنید اینطور حس خواهید کرد. در واقعیت، به این خاطر است که استاندارد بالاتر آمده و از اینرو الزامات بالاتر هستند.

اجازه دهید یک وقت استراحت ده دقیقه‌ای داشته باشیم، خوب؟

(شاگردان دسته‌گل‌های تازه به معلم هدیه می‌دهند، عالی‌ترین احترام خود را به استاد بیان می‌کنند.) (تشویق)

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق) این گل‌ها به نظر گران می‌آیند. نیازی نیست اینطور پول را هزینه کنید. ما نگران این چیزها نیستیم. اما با این حال از همگی متشکرم. (تشویق)

شاگرد: برخی از شاگردان در گذشته روش‌های دیگر را یاد گرفته‌اند و می‌توانند برای دو تا سه ساعت در مدیتیشن بنشینند. آنها همیشه فکر می‌کنند که بهتر از شاگردانی هستند که نمی‌توانند به خوبی مدیتیشن را انجام دهند، و آنها به مطالعه فا یا تزکیه شین‌شینگ توجه نمی‌کنند. استاد، لطفاً این موضوع را برای ما روشن کنید.

معلم: مهم نیست برای شروع شخص در چه نوعی از شرایط جسمانی است، به محض اینکه واقعاً وارد دافا می‌شود چیزها متفاوت خواهند بود. برخی از شاگردان سابقاً ورزش می‌کردند. برخی از شاگردان سابقاً می‌رقصیدند. پاهای آنها واقعاً انعطاف‌پذیر

است، و فوراً می‌توانند به راحتی در حالت لوتوس کامل بنشینند. اما آیا آن انجام تمرین است؟ خیر. اگر واقعاً بخواهند تزکیه کنند، می‌فهمند که چیزها متفاوت هستند؛ ممکن است متوجه شوند که هرچند پاهای یک رقصنده را دارند، دیگر نمی‌توانند لوتوس کامل را انجام دهند. و آن کاملاً دردناک است. آن به این دلیل است که پاهای ضربدری یک تزکیه‌کننده قطعاً نمی‌تواند صرفاً به سادگی نشستن با پاهای ضربدری بدون هیچ مکانیزمی باشد. به این خاطر که آن تزکیه است، و هر چیزی از شما برای خاطر رشد شما و برای اطمینان از رشد شما است، و آن شامل مدیتیشن می‌شود. مدیتیشن فقط وقتی خوب است که بتواند واقعاً کارمای شما را پاک کرده و *شین‌شینگان* را رشد دهد. در غیر اینصورت، مهم نیست چقدر بتوانید با پاهای ضربدری بنشینید، چه فایده‌ای دارد؟ اگر نتواند کارمای شما را از بین ببرد، اگر نتواند هیچ تأثیری بر تزکیه شما بگذارد، و به سادگی پاهای خود را ضربدری کنید [فقط] برای اینکه آنها را ضربدری کرده باشید، آنوقت مهم نیست چقدر بتوانید در لوتوس کامل بنشینید، چه فایده‌ای دارد؟ آیا این درست نیست؟ اینجا از کسی انتقاد نمی‌کنم. صرفاً در حال توضیح این اصول فاهستم. هرگز نگفته‌ام آنهایی که می‌توانند به مدت طولانی با پاهای ضربدری بنشینند در سطوح بالا هستند یا نگفته‌ام که خیلی خوب تزکیه کرده‌اند. اگر در گذشته روش‌های دیگر را یاد گرفتید یا سابقاً رقص، ورزش، یا چیزهای دیگری انجام می‌دادید و قبلاً ضربدری کردن پاها دردناک نبوده، و ضربدری کردن آنها در حال حاضر حسی مانند حس ضربدری کردن آنها در گذشته است و تغییری نکرده است، آنوقت این مسئله کوچکی نیست! نمی‌توانید بگذارید دافا به سادگی به شما اعتنایی نکرده و از کنارتان عبور کند. اگر بطور واقعی فا را مطالعه نکرده‌اید، گرانها بودن این فا را قدر نمی‌دانید. در ضمن کسانی که نمی‌توانند پاهای خود را ضربدری کنند نباید خیلی نگران باشند. اگر آن تبدیل به یک وابستگی شود، آن نیز موانعی ایجاد می‌کند. عجله نکنید. اول باید پاهای خود را در حالت نیم‌لوتوس قرار دهید، و در نهایت خواهید توانست حالت لوتوس کامل را انجام دهید. افرادی که در دهه هشتاد زندگی هستند و هرگز لوتوس کامل ننشسته‌اند اکنون قادر به این کار هستند. چرا شما نمی‌توانید همانطور انجام دهید؟ هر کسی می‌تواند در لوتوس کامل بنشیند.

شاگرد: هم‌اکنون چندین سال است که فا را مطالعه کرده‌ام. اما هنوز حس می‌کنم از [حالت داشتن] «بصیرت به تمام اسرار» بسیار دور هستم.

معلم: در حقیقت، بگذارید به شما بگویم که این بخش بشری شما در سطح است که به خوبی تزکیه نشده است و می‌خواهد درباره خدایان بداند. همچنین، آن عقاید پس از تولد و کارمای فکری در ذهن‌تان است که به چنین چیزهایی چسبیده است. چگونه به آن چیزها اجازه داده می‌شود که درباره امور الهی بدانند؟ به علاوه، قادر نیستید به وضوح تشخیص دهید افکار درست خود شما چه هستند. در روند تزکیه‌تان، همانطور که *جوآن فالون* را می‌خوانید و به ناگهان به یک اصل فا روشن و آگاه می‌شوید، پیشاپیش در آن سطح هستید. در غیر اینصورت اصل فا در آن سطح مطلقاً برای شما آشکار نمی‌شد. آنوقت چرا اینطور است که به شما اجازه داده نمی‌شود هر چیزی را فوراً بدانید؟ زیرا آن بخش از شما که تزکیه را کامل نکرده مطلقاً مجاز نیست درباره خدایان و بواداها بداند، درحالی‌که آن بخشی از شما که تزکیه را کامل کرده جدا شده است. فقط می‌توانید به تدریج اصول در سطوح حتی بالاتر را از طریق مطالعه فا درک کنید، که پیشاپیش راهی برای آشکار کردن چیزها به شما است. با این حال بخشی از تزکیه‌کننده که تزکیه را کامل کرده است می‌تواند فوراً به آن استاندارد برسد. آن بخش که تزکیه را کامل کرده است قادر است تمام اصول در کیهان را فوراً در سطح خود درک کند. بسیاری از شاگردان وقتی مرا می‌بینند نمی‌توانند هیچ پرسشی مطرح کنند. به نظر می‌رسد چیزی برای گفتن ندارند. در واقعیت، اینطور است که شما هم‌اکنون همه چیز را درک کرده‌اید. وقتی مرا می‌بینید آن بخش از شما که تزکیه را کامل کرده است فوراً هوشیار می‌شود، و به این ترتیب سطح پوسته بشری که تزکیه را کامل نکرده است [نیز] درباره امور روشن می‌شود. اما این بخش بشری، که تزکیه را کامل نکرده است، همیشه سؤالاتی برای پرسیدن دارد. بنابراین به محض اینکه مرا ترک می‌کنید، سطح بشری به ناگهان به سؤالاتی برای پرسیدن فکر می‌کند: «اوه، چطور شد که درباره این سؤالی که داشتم از استاد نپرسیدم؟» بسیاری از افراد اینطور هستند.

شاگرد: همیشه به عناصر در روند تزکیه و آنچه با تزکیه کوشا در فای بودا مداخله می‌کند توجه کرده‌ام و آنها را بررسی کرده‌ام، تا بتوانم بهتر تزکیه کنم.

معلم: آنجا چیزی برای بررسی وجود ندارد. فقط مشکل وابستگی‌ها وجود دارد. نمی‌توانم اصول فا را واضح‌تر از آنچه گفته‌ام به شما توضیح دهم. در گذشته افراد خودشان باید به تمام این چیزها روشن و آگاه می‌شدند. اما من تمام آنها را توضیح داده‌ام. مطمئن شوید که فا را با ذهنیت تحقیق و بررسی در دافا، مطالعه نمی‌کنید. وقتی با مشکلات مواجه می‌شوید، فقط باید به دنبال مشکلات در طرز فکر خود باشید. آنها قطعاً دلیل مشکلات شما هستند. وقتی که وابستگی را پاک می‌کنید، تضمین شده است که آزمایش را بگذرانید. قادر خواهید بود که مسئله را به خوبی اداره کرده و خواهید توانست خود را ارتقاء دهید.

شاگرد: معمولاً درک‌ها و تجربه‌های خود را با کسانی درمیان می‌گذارم که درک‌هایشان از فا نسبتاً نزدیک به درک‌های من است و درباره مسائل خاصی، روشن‌بینی یکسانی داریم. آیا این یک وابستگی است؟

معلم: آن بستگی دارد به اینکه تمایل شما به نزدیک شدن به آن شاگردانی که امکان صحبت با آنها را دارید، آیا به سادگی حاوی تمایلات بشری دیگر است. اگر نیست، مسئله مهمی نیست. اگر آن هر عنصر نادرستی دربرداشته باشد، بسیار احتمال دارد مانعی شود تا شما را از تزکیه بطوری کوشا بازدارد.

شاگرد: وقتی درباره موضوع خاصی، با درک‌های مختلف یا بصیرت‌های مختلف روبرو هستیم، چگونه می‌توانم عقاید سفت و سخت خود را از بین برده و خود را بهتر ارتقاء دهم؟

معلم: به عنوان یک تزکیه‌کننده، نمی‌توانید با دیگران در یک سطح و در یک زمان رشد کنید. بنابراین احتمال دارد که شما و شاگردان دیگر نظرات مختلف و درک‌های مختلفی از اصول فا داشته باشید. درک‌های متفاوت شما از فا در هر سطح کوچکی منجر به تفاوت‌های بین شما می‌شود. هر یک از شاگردان بطور کوشایی در حال رشد و پیشرفت هستند. اما امکان دارد که درک‌های تان از فا تماماً متفاوت باشد. مهم نیست چه باشد، در هرچه که انجام می‌دهید، از جمله انجام کار دافا، باید بهترین سعی خود را بکنید که دافا را در بالاترین اولویت خود قرار دهید، اعتباربخشی به دافا و نجات مردم دنیا را بالاترین اولویت خود قرار دهید و اعتباربخشی به دافا را به عنوان اساس اولیه تفکر تان قرار دهید. وقتی فا را به مردم عادی اشاعه می‌دهید، باید به شیوه‌ای عمل کنید که مردم عادی بتوانند درک کنند، و به آنها چیزهایی را نشان دهید که برپایه سطحی‌ترین اصول فا هستند. بدون توجه به اینکه چه سطح بالایی از اصول فا را درک کرده‌اید و تا چه سطح بالایی تزکیه کرده‌اید، در واقع نمی‌توانید با کلمات آنها را توضیح دهید و فقط می‌توانید با قلب خود آن را درک کنید. در تعامل با مردم عادی نمی‌توانید اصولی را به کار ببرید که فراتر از معمول است، اما همچنین نمی‌توانید خود را با مردم عادی اشتباه بگیرید.

شاگرد: استاد گفتند که هیچ یک از موجودات در هر یک از بعدها دیگر این بدنی که ما انسان‌ها داریم، ندارند.

معلم: درست است. هیچ یک این بدن ساخته شده از مولکول‌های این سطح بشری را ندارند. اما در سطحی نه چندان بالا خارج از سه قلمرو، یک تعداد بسیار اندکی از موارد خاص هستند که آنجا این وجود دارد.

شاگرد: «بنابراین آنها بیمار نخواهند شد، مشکلات تولد، پیری، بیماری و مرگ نیز وجود نخواهند داشت. چنین رنج بردنی آنجا وجود ندارد. مردم در بعدها دیگر می‌توانند پرواز کنند، و بی‌وزن هستند، آن کاملاً شگفت‌انگیز است.» آنوقت چرا اینطور است که بعد از اینکه مردم می‌میرند بعد از اینکه از این لایه پوسته، از این پوسته بدن بشری خلاص می‌شوند، هنوز ممکن است رنج بکشند؟

معلم: به این خاطر است که مردم پس از مرگ سه قلمرو را ترک نکرده‌اند. مردم درون سه قلمرو همگی انسان نامیده می‌شوند و بنابراین رنج می‌برند. تنها تفاوت این است که هر چه مکان آنها درون سه قلمرو بالاتر باشد، در مقایسه با کسانی که در سطوح پایین‌تر از آنها هستند کمی راحت‌تر هستند. مردم در دنیای بشری در واقع کسانی نیستند که بیشترین رنج را می‌کشند. در حقیقت، موجوداتی در سطوح حتی پایین‌تر از سطح بشری وجود دارند. به علاوه، جهنم وجود دارد و در واقع سطوح بسیاری پایین‌تر از جهنم وجود دارند. در مقایسه با خدایان، انسان‌ها بیشترین رنج را می‌کشند. مسئله تولد، پیری، بیماری و مرگ در سرتاسر سه قلمرو وجود دارد، و فقط منحصر به انسان‌ها نیست. بعد از ترک بدن بشری، روح اصلی یک فرد عادی نمی‌تواند از سه قلمرو بگریزد. او هنوز در سه قلمرو است و هنوز باید به بالا برگردد و بعد از مرگ از میان بازپیدایی عبور کند. در سطوح مختلف درون سه قلمرو که بالاتر از سطح بشری است، نسبت به آنچه انسان‌ها متحمل می‌شوند رنج بسیار کمتری وجود دارد. اگر کسی بدتر از یک موجود بشری باشد و در سطحی پایین‌تر از سطح انسان باشد، آنوقت رنج او از رنج انسان‌ها بیشتر خواهد بود. مردم در سطوح مختلف درون سه قلمرو در کل انسان نامیده می‌شوند. اما مردم در بهشت‌ها، ما مردم روی زمین را «انسان» می‌نامند، و مردم در بهشت‌ها را «انسان‌های آسمانی» می‌نامند.

شاگرد: *میریدان در شهر نانجینگ به شما درود می‌فرستند!*

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: *تمام میریدان در شهر شنگ‌ژن به معلم درود می‌فرستند!*

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: *سال گذشته با دافا آشنا شدم. حس بسیار خوبی نسبت به آن دارم. اما عقاید مذهبی دارم و نمی‌خواهم از آنها دست بکشیم. برطبق الزامات دافا، فرد فقط باید در یک راه ترکیه، تمرین کند. برای من سخت است که بین دافا و مذهب یکی را انتخاب کنم. لطفاً به من بگوید باید چه کار کنم.*

معلم: بهتر است از خودتان این سؤال را بپرسید. شما فردی هستید که تصمیم می‌گیرد چه انتخابی داشته باشد. اما من بسیار واضح مسائل را تحت عنوان اصول فا توضیح داده‌ام. حتی با اینکه شما کسی هستید که راه خود را می‌رود، به همه شما شرایط در دنیای ترکیه را گفتم. قبلاً وقتی در حال اشاعه فا در چین بودم، به محض اینکه در هر مکانی کلاس را شروع می‌کردم، تضمین شده بود که در مکانی نزدیک [به آنجا] یک روش تقلبی چی‌گونگ آموزش را شروع می‌کرد. مردم خودشان برای خود تصمیم می‌گیرند که راستین را بخواهند یا شیطانی را. ما امروز اینجا یک کنفرانس فا برگزار می‌کنیم. آیا برخی از سازمان‌های مذهبی در این اطراف همایش برگزار نمی‌کنند؟ در هر حال، این نیروهای کهن شیطانی هستند که از اصل ایجاد متقابل و بازدارنده متقابل استفاده می‌کنند تا با کسب نجات توسط مردم مداخله کنند. ظاهراً کسب فا برای مردم کاملاً ساده است. اما در واقعیت، آن آسان نیست. در حال حاضر، هیچ یک از مذاهب راستین، دیگر خدایانی ندارند که آنها را سرپرستی کنند، و مردم در آن مذاهب برای پول، منفعت، و مقام مبارزه می‌کنند. چرا مردم به مذاهب باور دارند سؤال بزرگ است. من بسیار واضح این اصول را تشریح کرده‌ام. اینکه به یکی از آنها باور داشته باشید یا خیر و اینکه چه چیز را انتخاب می‌کنید موضوعی مربوط به خودتان است. می‌توانید هر چیزی را که می‌خواهید ترکیه کنید، و اگر نمی‌خواهید، مجبور نیستید ترکیه کنید. اینجا من فقط به قلب مردم نگاه می‌کنم، و چیزهایی که صرفاً تشریفات هستند را نداریم.

شاگرد: *به هنگام نائل شدن به کمال، بدن‌های میریدان دافا در دو حالت خواهند بود. اول اینکه بدن با ماده بانرژی بالا جایگزین خواهد شد، و دیگری اینکه بدن با کودک جاودان جایگزین خواهد شد. آیا این درک درست است؟*

معلم: من هر آنچه بهترین است را به شما می‌دهم. اما شرایط هر کسی متفاوت است. در شرایطی خاص فرد نمی‌خواهد بدن بشری را با خود ببرد حتی اگر به او داده شود، زیرا اگر آن بدن بشری را با خود می‌برد وقتی به دنیای خود بازمی‌گشت، خدایان در آنجا آن را کاملاً عجیب می‌یافتند، بنابراین آن را با خود نمی‌برد. شاگردانی هستند که می‌گویند می‌خواهند همه چیز را داشته باشند. اما در حقیقت، شما در حال استفاده از تفکر بشری برای در نظر گرفتن این چیزها هستید. وقتی درک کنید و روشن و آگاه شوید، مطلقاً به هیچ وجه آنطور به چیزها نگاه نمی‌کنید. به این خاطر که در آن زمان، هیچ افکار بشری نخواهید داشت و مسائل را کاملاً بر پایه آن قلمرو در نظر می‌گیرید. در حقیقت، از طریق تمرین تزکیه دافا هر چیزی می‌تواند تزکیه شود. شاگردان هر چه نیاز داشته باشند را خواهند داشت، زیرا این فای نهایی کیهان است.

شاگرد: آیا تمام خدایان محافظ فای مریدان توسط استاد تعیین شده‌اند؟

معلم: تزکیه در یک فای راستین توسط استاد، خدایان، و سربازان آسمانی محافظت و مراقبت می‌شود. اما اصطلاحات و مفاهیم از مذاهب دیگر را بکار نبرید، زیرا آنها عناصر ناپاکی حمل می‌کنند. بیاید شما، تزکیه‌کنندگان دافا را برای لحظه‌ای کنار بگذاریم: حتی وقتی به بسیاری از آن کسانی می‌رسد که لباس‌های کهنه و کثیف می‌پوشند، یک توده‌ای بالاپوش از کتان نخ‌نما روی خود می‌اندازند، و هر جایی که بشود می‌خوابند- آن افراد ظاهراً گدا هستند، اما اطراف آنها نگهبانان قانون آسمانی هستند که از آنان محافظت می‌کنند. آیا مردم می‌توانند بگویند چه کسی واقعاً آنها را به او داده است؟ خیر، مردم نمی‌توانند بگویند، زیرا آنها چیزها را با چشمان بشری می‌بینند. چرا اینطور است که برخی شاگردان درست بعد از برگزیدن تزکیه شجاع‌تر می‌شوند، در حالیکه در گذشته جرأت نمی‌کردند در تاریکی قدم بگذارند، و اکنون بعد از تزکیه در دافا جرأت این کار را دارند؟ تمام این دلیلی دارد.

شاگرد: تمام شاگردان از شهرستان جینگده در استان جیانگ‌شی درود خود را به استاد می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: اگر در اجتماع مردم عادی، مزایایی که به افراد ناتوان اختصاص دارد را بپذیریم، پس از کسب فای نباید دیگر آن مزایا را قبول کنیم؟ می‌ترسم که با قبول کردن آن مزایا نتوانم کارما را بازبپردازم.

معلم: این مسئله را باید از دو زاویه نگاه کرد. اگر شما یک فرد ناتوان هستید، و فرض کنیم نمی‌توانید کار کنید، هیچ منبع درآمدی برای زندگی ندارید، و این کشور این تدبیر را دارد، آنوقت فکر می‌کنم آن خوب است. به این خاطر که آنچه به شما گفته‌ام انجام دهید این است که درحالی که تا بیشترین حد ممکن با مردم عادی مطابقت دارید تزکیه کنید. همچنین، من به این نوع از شکل‌ها نگاه نمی‌کنم، فقط به قلب فرد نگاه می‌کنم. اگر جامعه بشری امروزه صرفاً به این صورت است، قوانین آن را تصریح کرده‌اند، و جامعه به شما اجازه چنین کاری می‌دهد، آنوقت در این رابطه می‌توانید تا بیشترین حد با آن مطابقت داشته باشید. درعین حال، اگر آن بیماری که موجب ناتوانی شده هم‌اکنون بوسیله دافا شفا یافته است اما شما بدون اینکه به دولت بگویید هنوز آن مزایا را قبول می‌کنید، پس این یک مشکل شین‌شینگ است. باید اینگونه به آن نگریسته شود. همچنین شکل‌های دیگری از مزایای رفاهی وجود دارد، تا وقتی که شما مطابق شرایط تعیین شده توسط اجتماع عادی باشید، هیچ مشکلی در پذیرفتن آنها نیست.

شاگرد: وقتی در حال انجام تمرین‌ها کارمای فکری یا پیام‌های دیگر مداخله می‌کنند، بیش از آنکه بتوانم حتی آنها را دفع کنم مسیر طبیعی خود را طی می‌کنند.

معلم: اگر خیلی سریع اتفاق افتاد و نتوانستید به موقع نسبت به آن واکنش نشان دهید، به این معنا نیست که به خوبی تزکیه نکرده‌اید. به عبارت دیگر، اگر درحالیکه می‌دانید اشتباه است به آن اجازه دهید مسیر خود را برود، به این معناست که شما خود را

ترکیه نکرده‌اید. اگر به آن اجازه دهید اعمال تان را به شما دیکته کند، آن رفتار کردن مانند یک فرد عادی خواهد بود. در واقع، وقتی آن را پیدا کنید، اگر بتوانید تشخیص دهید که آن شما نیستید، تشخیص دهید که افکاری مانند آنها درست نیستند، آنوقت در حقیقت آن را دفع می‌کنید. اگر بنیانی که از طریق مطالعه فا روز به روز بنا گذاشته‌اید کمی محکم‌تر باشد، آنوقت آن بسیار بهتر خواهد بود. مردم عادی ترکیه نمی‌کنند، و مطلقاً نمی‌توانند این نوع چیزها را شناسایی کنند، آنها فکر می‌کنند که تمام افکار متعلق به خودشان است. در پایان عقایدی که بین مردم عادی شکل گرفته هر چیزی که افراد انجام می‌دهند را دیکته می‌کند، اما مردم باور دارند که خودشان آنها را انجام می‌دهند. در آن نقطه افراد خودشان دفن می‌شوند، پوشیده می‌شوند، هیچ عملکرد دیگری نشان نمی‌دهند، و دیگر به هیچ وجه خود آن مردم نیستند. امروزه مردم در جامعه همگی اینطور زندگی می‌کنند. اما واقعاً فکر می‌کنند- و سایرین واقعاً آنها را تحسین می‌کنند- که بسیار عالی هستند، که احتمال ندارد مورد سوءاستفاده قرار گیرند، احتمال ندارد که فریب بخورند، توانا هستند، فوق‌العاده باتجربه هستند... می‌گوییم که فردی مانند آن بی‌نهایت احمق است. او خودش زندگی خود را پیش نمی‌برد، آن را به چیز دیگری تحویل داده است تا برای او زندگی کند، و بدنش توسط چیز دیگری کنترل شده است.

شاگرد: اگر چه پیش‌گیری‌هایی کرده‌ام که بطور واضح تشخیص دهم چه فکری مال من است، هنوز نمی‌توانم آن را به‌طور کامل متوقف کنم.

معلم: اگر بگویید: «من تو را نمی‌خواهم»، و آن صرفاً می‌مرد، آن بسیار آسان می‌بود. وقتی بطور واضح می‌توانید آن را تشخیص دهید، شما خودتان قوی‌تر می‌شوید، شما خودتان آگاه و روشن می‌شوید، شما خودتان از محاصره آن بیرون می‌آید، و بطوری پیش‌رونده قوی‌تر می‌شوید، درحالی‌که آن بطوری پیش‌رونده ضعیف‌تر شده و ناپدید می‌شود، تا مرحله‌ای که در نهایت نابود شود. باید یک روند وجود داشته باشد.

شاگرد: آیا آن چیزهای بد را وارد گونگ من خواهد کرد؟

معلم: خیر، زیرا افکار درست‌تان تأثیرات خود را نشان می‌دهد. وقتی مراقب نیستید از شکاف‌هایتان سوءاستفاده خواهد شد، اما با گونگ‌تان مداخله نخواهد شد، زیرا استاد مراقب آن است. اگر فا را زیاد بخوانید، بر افکار درست خود باقی بمانید، و بتوانید به درون نگاه کنید و در مواجهه با مشکلات به خاطر کوتاهی‌ها خودتان را بررسی کنید، آن [کارما] به شکلی بی‌پایان از آن خواهد ترسید. می‌داند که اگر در معرض دید باشد منجر به نابودی‌اش می‌شود، و اینکه از بین می‌رود.

شاگرد: اگر شخص در دوره زندگی، باز هم نتواند تا کمال ترکیه کند، آیا امکان دارد که با کارما به بهشت برود؟ و به تمرین ترکیه در بهشت فالون ادامه دهد، درست مانند بهشت سعادت غایی؟

معلم: کیهان از میان اصلاح فا می‌گذرد و بدن‌های آسمانی در حال دوباره سازی هستند. بعد از اصلاح فا هر چیزی در بهترین حالت خود خواهد بود، بنابراین آنهایی که مطابق استاندارد نیستند، نمی‌توانند موجوداتی در سطوح بالاتر از استانداردها شوند؛ استاندارد آنها هر جایی باشد، آنجا هستند. در حقیقت، بگذارید به همه شما بگویم، در گذشته بهشت سعادت غایی آن پدیده [که گفتید] را داشت، اما سخت بتوان گفت که آیا بعد از اصلاح فا نیز آنطور خواهد بود. رفتن به بهشت با کارما مانند چیزی نیست که مردم تصور می‌کنند. مردم آن را با احساسات و ویژگی‌های بشری تحریف کرده‌اند. «رفتن به بهشت با کارما» چیست؟ بگذارید به شما بگویم، آنهایی که بطور حقیقی قادر هستند با کارما به بهشت بروند در واقع پیشاپیش از لحاظ استوار بودن و ایمان به استاندارد رسیده‌اند. سخت‌ترین آزمایش برای افراد، آزمایشی که باید در طول ترکیه گذرانده شود، این است که از مرگ و زندگی دست کشید. البته، لازم نیست همه با آزمایش از دست دادن زندگی روبرو شوند، اما در کل غیرممکن نیست که این اتفاق بیفتد. وقتی هر شخص با سخت‌ترین آزمایش خود مواجه می‌شود، وقتی آزمایش می‌شود که دیده شود آیا می‌تواند بزرگترین وابستگی خود را رها کند، او در حقیقت درباره اینکه آیا می‌تواند آن را رها کند آزمایش می‌شود. اگر بتواند زندگی و مرگ را رها

کند، یک خدا است؛ اگر نتواند زندگی و مرگ را رها کند یک انسان است. البته قادر بودن به رها کردن زندگی و مرگ برابر با این نیست که واقعاً بمیرید: هدف از تزکیه این است که وابستگی‌های بشری را پاک کرد. فردی که در حال مردن است و ذهنش به هیچ وجه احساس ترس از مرگ ندارد- آیا یک فرد عادی می‌تواند به آن دست یابد؟ تصور کنید روبرو شدن با مرگی قریب‌الوقوع چه حسی دارد. آیا فردی بدون بنیان تزکیه یا بنیان ذهنی می‌توانست به آن دست یابد؟ فردی که اصلاً از مرگ نمی‌ترسد، حتی وقتی نزدیک مرگ است، هنوز ذکر «بودا» را می‌خواند، و نه تنها هیچ ترسی نخواهد داشت، بلکه وقتی نام «بودا» را می‌خواند حسی از شادی درونش برمی‌خیزد، نوعی شادی از بودا در او باقی می‌ماند. آنوقت به من بگویید: آیا چنین شخصی می‌تواند به جهنم برود؟ به خاطر افکار محکم و درست، زندگی و مرگ را رها می‌کند. آن در وهله اول عمل یک موجود بشری نیست- چه انسانی از مرگ نمی‌ترسد! همانطور که نام «بودا» را می‌خواند [در آن شرایط]، چگونه یک بودا با دیدن شخصی مانند این می‌تواند او را نپذیرد؟ البته، او هنوز کارما دارد زیرا بطور کوشا تزکیه نکرده است، و هنوز وابستگی‌های پاک نشده دارد، بنابراین درباره این چه کار می‌توان کرد؟ او به مکانی بسیار نزدیک به بهشت سعادت غایی برده می‌شود، که در آنجا به تزکیه ادامه دهد- تا برای ده‌ها هزار سال، یا صدها هزار سال تزکیه کند، و وقتی به استاندارد رسید به بهشت سعادت غایی خواهد رفت. چرا باید برای چنین مدتی طولانی تزکیه کند؟ زیرا هرچه باشد، آن مکان هیچ رنجی ندارد، و بدون رنج، تزکیه آهسته و کُند است. پس چرا تزکیه در این مکان انسان‌ها سریع است؟ و در یک دوره زندگی- فقط چندین دهه- چرا این امکان هست که تزکیه کامل شود؟ و برای مریدان دافایم حتی سریعتر است، زیرا این مکان انسان‌ها رنج دارد. هر کسی از رحم مادر به دنیا آمده و در شرایط یکسان است. نمی‌داند رنج نکشیدن چگونه است، مردم احساس نمی‌کنند که انگار رنج می‌کشند. در حقیقت، در چشم خدایان، انسان‌ها بسیار رنج می‌کشند. تزکیه در دافا مطلقاً بیهوده نیست. برخی افراد در تزکیه شخصی خود کوشا نیستند، یا شاید صرفاً به قدر کافی کوشا نیستند یا به نسبت استعداد اندکی به آگاه شدن دارند. وقتی زندگی آنان تمام می‌شود چیزی دریافت خواهند کرد و از آنها مراقبت می‌شود. برای آنهایی که تمایل دارند در زندگی بعدی تزکیه را ادامه دهند، هر چیزی که تزکیه کرده‌اند نگه داشته خواهند شد، و بیهوده نبوده‌اند. بازپیدا شده و آنچه را که بدست آوردند همراه خود دارند، و بعد از اینکه بازپیدا شدند به تزکیه ادامه می‌دهند. با این حال افرادی هستند، که حقیقتاً نمی‌توانند به تزکیه ادامه دهند، در این صورت نظم و ترتیب داده خواهد شد که در زندگی بعدی خود پاداش دریافت کنند؛ شاید مقامات رده بالا شوند یا ثروتی داشته باشند. البته، این چیزی نیست که ما تزکیه‌کنندگان به دنبال آن هستیم. اما آن چیزی است که برای کسانی اتفاق می‌افتد که نمی‌توانند تزکیه را ادامه دهند.

اما نکته دیگری است. فرض کنید پسر یک تزکیه‌کننده به کمال رسیده باشد، و حتی با اینکه این تمرین‌کننده [پدر] تزکیه کرده ولی به کمال نرسد. آنوقت فکر می‌کنم امکان دارد که پسرش او را به بهشت خود ببرد تا موجودی ذی‌شعور در آنجا باشد، ولی موجودی بدون مقام دستیابی. او موجودی ذی‌شعور است، یا به عبارت دیگر، فردی معمولی. موجودات ذی‌شعور دیگری نیز در بهشت یک بودا هستند. با این حال آنها از نوع موجودات آلوده‌ای نیستند که بر روی زمین یافت می‌شوند، اما در عوض، موجودی آسمانی [هستند] که به استاندارد آن قلمرو رسیده‌اند.

شاگرد: مریدان چنانچه چون درود خود را به استاد محترم می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: آیا وابستگی به «خود» سخت‌ترین وابستگی برای خلاص شدن است؟

معلم: البته. هر کسی که در این دنیا زندگی می‌کند برای خود زندگی می‌کند، و وابستگی‌های خودخوانه بسیاری به این خاطر برمی‌خیزند. وقتی خودخواهی ظاهر می‌شود، برای فرد راحت است که تحت تأثیر احساسات قرار گیرد، و در طول تزکیه، چیزهایی که رها کردنشان و دل‌کندن از آنها سخت است هر جایی نمایان می‌شوند، و رها کردن این وابستگی‌ها در طول تزکیه سخت می‌شود. بعضی اوقات که کارهایی برای دافا انجام می‌دهید، وابستگی دفاع کردن و مراقبت کردن از نقش خودتان نیز ظاهر

می‌شود؛ برای مثال، از شهرت و خواسته‌های خود حفاظت و دفاع می‌کنید. برای مردم عادی این حتی پیچیده‌تر می‌شود: آنها تمایلاتی دارند مانند اینکه می‌خواهند یک مقام رسمی شوند، از نیاکان خود تجلیل کنند، دیگران را وادار کنند تا آنها را تحسین و ستایش کنند، پولدار شوند، و مافوق دیگران شوند. دفاع و حمایت از آنچه شخص تمایل دارد، یک تجلی از احساسات و خودخواهی است، بنابراین آن سخت‌ترین کار است که این را متوقف کرد. شما باید با همه با نیکخواهی رفتار کنید و وقتی با هر سختی مواجه می‌شوید درون خود دنبال دلایل باشید. حتی وقتی که دیگران به ما بددهنی کرده یا ما را می‌زنند، همگی باید به درون خود نگاه کنیم - «آیا به این خاطر این اتفاق افتاد که در برخی زمینه‌ها اشتباه کردم؟» این شما را قادر می‌کند تا علت ریشه‌ای تضاد را پیدا کنید، و این بهترین روش برای پاک کردن وابستگی به خودخواهی است. داشتن قلبی بزرگتر و بزرگتر، تا نقطه‌ای که در تزکیه شخصی خود بتوانید هر کسی را ببخشید، از جمله دشمنان خود را ببخشید. به این دلیل که آنچه شما به عنوان دشمن به آن اشاره می‌کنید توسط مردم عادی به خاطر سود و منفعت‌شان اینطور تعریف می‌شود، و آن چیزی نیست که خدایان انجام دهند. پس الزامات بالا هستند - چگونه خدایان می‌توانند انسان‌ها را دشمن تلقی کنند؟ آنوقت در دوره تزکیه، وقتی با هر چیزی مواجه می‌شوید همیشه اول باید دیگران را در نظر بگیرید. وقتی چیزی را کسب می‌کنید که به فرد دیگری تعلق دارد، باید به فرد دیگر فکر کنید - چگونه این می‌تواند بطوری منفی بر او اثر بگذارد؟ آیا احساس ناراحتی نخواهد کرد؟ در هر چیزی اول باید به دیگران فکر کنید - اول درباره دیگران فکر کنید، و سپس به خودتان فکر کنید. من می‌خواهم برای رسیدن به نوعی از کمال تزکیه کنید که از یک فای راستین است، با روشن بینی راستین، و روشی است که در آن دیگران قبل از شما هستند. این پاک کردن خودخواهی است، قادر بودن به پاک کردن «خود». بخشی از شما که بطور کامل تزکیه را تمام کرده است تضمین می‌شود شبیه چیزی است که اکنون توصیف کردم، کاملاً شبیه آن است. بنابراین با نگاه از جایی که هستید، اگر وقتی با مشکلاتی روبرو می‌شوید بتوانید دنبال دلایل در سمت خودتان باشید، بیشتر به آسایش دیگران فکر کنید، خودتان را تزکیه کنید، به درون نگاه کنید، کمتر به کوتاهی دیگران نگاه بیندازید، و در هر کاری که انجام می‌دهید طوری خود را اداره کنید که بر طبق آنچه آموزش می‌دهم عمل کنید، آنوقت در حقیقت هم‌اکنون بطوری کوشا در حال پیش‌رفتن هستید.

شاگرد: در سال‌های اخیر، بطوری مستمر در امور یک معبد بودیستی درگیر شدم. از مطالعه فا به این درک رسیدم که کشمکش از منفعت وجود دارد، اما نمی‌دانم چگونه به آن رسیدگی کنم. می‌دانم که باید وابستگی‌هایم را رها کنم، اما سخت است که از مسئولیت در آنجا دست بکشم. لطفاً به من بگویید چطور آن را اداره کنم.

معلم: درواقع، ساده‌تر از این نمی‌توانست باشد. چرا نمی‌توانید آن را رها کنید؟ می‌گویید آنچه نمی‌توانید رها کنید یک مسئولیت است. آن استاندارد یک فرد عادی است، اما آیا آن ارتباطی با تزکیه بودا شدن دارد؟ آنچه نمی‌توانید رها کنید احساسات بشری عادی است. آیا آن مسئولیت چیزی است که آن بودا مهم در نظر می‌گیرد؟ آنوقت نسبت به چه کسی مسئولیت دارید؟ آیا آن مسئولیت نسبت به خود مذهب است؟ آیا مسئولیت شما می‌تواند کمال را برای شخص به ارمغان بیاورد؟! آنوقت آیا مسئولیت شما می‌تواند خود شما را به کمال برساند؟ اگر نتوانید به کمال برسید، برای چه به آن وابسته هستید؟ آیا نباید در قبال کمال حقیقی خودتان مسئول باشید؟ آیا شما باید، برای خاطر به اصطلاح مسئولیت‌تان، تمام زندگی خود را وابسته باشید، پس از اینکه با دافا مواجه می‌شوید بگذارید از کنارتان عبور کند؟ یا باید این فرصت را مغتنم شمرده و در برابر تزکیه واقعی خود مسئول بوده و به دنبال کمال حقیقی باشید؟ این واقعاً موضوعی ساده است، اینطور نیست؟ وقتی کسی با قصد (بیووی) کارهایی انجام می‌دهد، مطلقاً به کمال نخواهد رسید. حتی اگر در آن معبد تزکیه می‌کردید، اگر یک وابستگی مانند آنچه گمان می‌کنید «مسئولیت» است پاک نشود، حتی بودا با دیدن آن منزجر می‌شود. فکر نکنید به خاطر اینکه مسئولیت را در آنجا انجام داده‌اید، بودا آن را به این معنا می‌گیرد که به استاندارد رسیده‌اید. بودا مذهب را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه در عوض، فقط قلب شخص را [در نظر می‌گیرد]. انسان مذهب را بنا کرد: عیسی در طول دوره خود مذهبی بنا نکرد، و شاکيامونی نیز در طول دوره خود مذهبی تأسیس نکرد. در عوض، آنها فقط قلبی که یک تزکیه‌کننده داشت را به رسمیت شناختند. البته، برای تزکیه‌کننده حتی بهتر است که محیطی مشترک داشته باشد تا تزکیه را پرورش دهد. آن قرار دادن تزکیه حقیقی به عنوان بالاترین اولویت است تا به کمال و مقام دستیابی رسید. آیا وابسته بودن به یک جایگاه یا یک اجتماع مذهبی خودش قصد داشتن نیست؟ برخی افراد باور دارند:

«من این تعداد معبد را ساختم، و من این تعداد مجسمه بودا را ساختم. بنابراین در آینده باید بتوانم به کمال برسم.» می‌گویم که به کمال نخواهید رسید. در میان مردم عادی نیز مردمی هستند که مجسمه‌های بودا را می‌سازند، و آن چیزی بیشتر از یک شغل نیست- آن قصد است. تمام فا با قصد، مانند حباب، وهم است- این چیزی است که بودا شاکيامونی گفت. [اگر] ذهن‌تان حقیقتاً صعود نکند، و اگر ذهن یک فرد عادی پر از کارمای فکری باشد، بطور مداوم افکار بد متجلی شود، آنوقت قرار دادن او در مکان یک بودا درست مانند قرار دادن توده‌ای آشغال به جای خدا یا بودا است- آیا آن قابل قبول است؟ مطلقاً نیست. بنابراین در تزکیه لازم است که هر کسی آن چیزهای بد و کثیف را پاک کند تا به بدنی شفاف و خالص، یک طرز تفکر پاک، و قلمروی فکری بالاتر دست یابد. فقط آنگاه می‌توانید به آن مکان بروید. اگر هنوز نمی‌توانید آن چیزهای پر از قصد را رها کرده و از آنها دست بکشید، آیا آن احمقانه نیست؟!

شاگرد: چند سال دیگر به آموزش فا ادامه می‌دهید؟

معلم: تمام مسیر تا اینکه فا اصلاح دنیای بشری را به پایان رساند.

شاگرد: آیا معانی درونی «انسان‌ها»، «نوع بشر»، و «مردم عادی» در کتاب متفاوت هستند؟

معلم: آنها یکسان هستند. صرفاً در متون مختلف بکار می‌روند، اما معنای درونی یکسانی دارند. مردم عادی فقط مردم هستند، اما در حقیقت در قلمروهای بالاتر، «مردم» شامل انسان‌های آسمانی می‌شود- به معنای انسان‌های آسمانی در سه قلمرو. «نوع بشر» به مردم اشاره می‌کند، و آنهایی که تزکیه را تمرین نمی‌کنند «مردم عادی» هستند.

شاگرد: وقتی در طول روند تزکیه به چیزی روشن و آگاه می‌شوم که فراتر از اصول عادی هستند و نمی‌دانم آیا صحیح هستند یا خیر، چه کاری باید انجام دهم؟

معلم: در صورت روشن و آگاه شدن به اصولی فراتر از عادی قطعاً حسی خواهید داشت که آن مقدس است و یک حسی که از برخاستن افکار درست می‌آید که مطابق با اصول فای دافا است. اصول فا در سطوح بالاتر می‌تواند فقط بطور شهودی [درک مستقیم] فهمیده شود. قدیمی‌ها درباره درک شهودی صحبت کردند- فرد در ذهن خود می‌فهمد اما بیان آن از طریق زبان بشری را سخت می‌یابد. وقتی که آن بلند گفته شود، خواهید فهمید که ساده و معمولی می‌شود، صرفاً شبیه اصول مردم عادی. به محض اینکه با استفاده از زبان بشری بیان شود، رنگ و بوی خود را از دست می‌دهد. چرا؟ به این دلیل که اصول در سطوح بالا فقط می‌تواند با تفکر و زبان سطوح بالا بیان شوند، بنابراین شاگردان حتی دلایل بیشتری دارند تا اعمالی که بر پایه روشن‌بینی در سطوح بالاتر از انسان‌ها است را در مقابل مردم عادی به نمایش نگذارند. انسان‌ها صرفاً انسان هستند، و نمی‌توانند اصول و اعمالی که در سطح بالاتر قرار دارد را درک کنند.

درحالی‌که تا بیشترین حد با اجتماع عادی در تطابق هستید مسیر تزکیه را دنبال کنید. اصول فای بالاتری که به آن آگاه شدید بیانگر پیشرفت شما در تزکیه است و بدین معنا نیست که قرار است آن حالت‌ها را میان مردم عادی به نمایش بگذارید. وقتی اصول فا را در این سمت درک می‌کنید، تغییرات در بُعدهای دیگر کاملاً عظیم است، و بخشی از بدن که ذرات میکروسکوپی را در بردارد دستخوش تغییرات شدیدی می‌شود. همچنین در آن سطح از اصول فا، هر چیزی فوراً درک می‌شود.

شاگرد: وقتی در طول تزکیه اشیاء یا موجودات را در بعدهای دیگر می‌بینم، چگونه باید قضاوت کنم که خوب یا بد هستند؟

معلم: برای افرادی که تازه تزکیه را شروع کرده‌اند قضاوت آن سخت است، بطور واضح تمایز قائل شدن راحت نیست. همچنین، خدایان بسیاری در بعدهای مختلف درون سه قلمرو هستند که درباره موضوعات بالاتر از قلمروی خود نمی‌دانند، و بنابراین آنها نیز تا حدی در توهم هستند. اما رفتار آنها با موجودات بشری نسبتاً نیکخواهانه است. از دیدگاه یک انسان آنها

نیکخواه هستند. اما آنها دیگر در سطح قلمروی خودشان مطابق استاندارد نیستند. فقط اینطور است که وقتی انسان‌ها آنها را می‌بینند، اینطور به نظر می‌آید که از موجودات بشری نیکخواه‌تر هستند. بنابراین به همین خاطر برای تعداد کمی از شاگردان وقتی وابستگی‌هایی دارند راحت است که سردرگم شوند. باید چه کار کنید؟ به شما آموزش دادم که فقط در یک راه تزکیه تمرین کنید. آن هر کسی باشد، با او ارتباط برقرار نکنید و هر چه که می‌بینید تحت تأثیر قرار نگیرید. می‌توانید از صحبت کردن با او خودداری کنید، صرفاً می‌توانید اصلاً با او ارتباط برقرار نکنید و حتی به او نگاه نکنید. این تنها راه برای رفتن است. از هر چیزی از طرف او اجتناب کنید، و به هر چه به شما می‌گوید گوش ندهید. شاید تملق شما را بگوید تا وادار شوید به او گوش دهید. ممکن است به شما شماره بلیت برندهٔ بخت‌آزمایی فردا را بگوید- او شاید کاملاً اینطور عمل کند. البته، چنین چیزهایی تصادفی نیستند، زیرا آنها سختی‌های تزکیه شما هستند، وابستگی‌های شما را به آزمایش می‌گذارند. پس همگی باید بطوری دقیق به این موضوع توجه کنید. تا وقتی مصمم باشید که با آنها تعامل نکنید هیچ مشکلی نخواهد بود؛ در این مرحله برای شما سخت است آنها را تشخیص دهید.

شاگرد: آیا فرزندان بسیار کوچک تزکیه‌کنندگان باید نزد پزشک برده شوند؟

معلم: افرادی که تزکیه نمی‌کنند هر زمان نیاز بود باید دکتر بروند، زیرا مردم عادی وقتی بیمار می‌شوند باید حتماً نزد پزشک بروند. آنچه اینجا می‌گویم افرادی هستند که تزکیه‌کنندگان واقعی هستند. بدن‌های شما تماماً به بدن بوداگون تبدیل شده است، و این چیزی است که نمی‌تواند توسط پزشک به دست آید بدون توجه به اینکه چه درمانی انجام دهد. اما در میان آنهایی که دافا را تزکیه می‌کنند، اغلب خانواده‌های زیادی هستند که کودکانی دارند، و بسیار احتمال دارد که آنها کودکان معمولی نباشند. قبل از بازپیدا شدن، کودک می‌داند- «این خانواده در آینده دافا را مطالعه خواهد کرد. می‌خواهم در این خانواده بازپیدا شوم»- در این صورت بسیار احتمال دارد که او زمینه‌ای فوق‌العاده داشته باشد. این نوع از کودکان، پیش از آنکه کودک به سنی برسد که بتواند خودش تمرین‌ها را انجام دهد، تمرین کردن توسط شما، بزرگسالان، اینطور است که انجام تمرین‌ها برای کودک نیز کارایی دارد. موارد بسیاری مانند این وجود دارد، و این بستگی به شمای بزرگسال دارد که چگونه آن را قضاوت و اداره می‌کنید. اگر نمی‌توانید بفهمید که آیا چنین موقعیتی است یا خیر، آنوقت بردن او به بیمارستان اشتباه در نظر گرفته نمی‌شود. اما در چنین موضوعاتی قلب خود شما در نظر گرفته خواهد شد، زیرا آن افکار گوناگون و حالت‌های ذهنی مختلف را آشکار می‌کند. بگذارید اینطور بگویم: اگر شما یک تزکیه‌کنندهٔ مصمم دافا هستید، درک خواهید کرد که هر کسی سرنوشت خودش را دارد، و مشکلاتی که قرار نیست اتفاق بیفتند صرفاً اجازه ندارند پیش بیایند. معمولاً این نوع کودکی که درباره‌اش صحبت کردم- که از سطوح بالا آمده است- برای کسب فا آمده است. آنها هیچ کارمایی ندارند، و هیچ مشکلات سلامتی نخواهند داشت. هر چیزی که آنها تحمل می‌کنند شاید کاملاً برای شمای بزرگسال تحمل می‌کنند. موارد بسیاری مانند این وجود دارند. اما این قطعی نیست. شما باید موارد خاص را خودتان ارزیابی کرده و اداره کنید.

شاگرد: شاگردان از سنگاپور درود خود را بر معلم می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: مریدان استان جیانگ سو درود خود را بر معلم می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: نزدیک به ده هزار نفر هستند که می‌روند و مجسمهٔ بزرگ بودا را در کوه لینگ در شهر وووشی واقع در استان جیانگ سو عبادت می‌کنند. اما گفته شده است که یک روح، آن بودای بزرگ را تسخیر کرده است، و شکم آن گلدان‌های زیادی حاوی

خاکستر مردگان را در خود انبار کرده است. مریدان بطور بی پایانی بحث کرده‌اند که برای اشاعه فا به آنجا بروند یا خیر، و ما از استاد درخواست می‌کنیم راهنمایی‌هایی به ما بدهند.

معلم: اشاعه فا برای مردم در نظر گرفته شده است نه برای یک مجسمه. درباره آن فکر کنید، مردم حتی گلدان‌های حاوی خاکستر مردگان را درون شکم یک بودا می‌گذارند: آیا این انجام کاری خوب است یا بد؟ چرا راهبان چنین کاری را انجام می‌دهند؟ زیرا اعضای خانواده درگذشتگان پول پرداخت می‌کنند. آن راهب، به هدف پول درآوردن، حتی بودا را می‌فروشد! مسائل حالا این چنین آشفته شده است. وقتی مردم بودا را عبادت می‌کنند، چه چیزی را در حقیقت عبادت می‌کنند؟ آن گلدان‌های حاوی خاکستر را عبادت می‌کنند؟ واقعاً به مرحله خنده‌داری رسیده است. به خاطر کاری که آن افراد انجام دادند آن شخص در گذشته متحمل گناه بسیار زیادی خواهد شد، و اعضای خانواده و نیاکان همگی گرفتار خواهند شد.

شاگرد: من فالون و صحنه‌هایی را دیدم، اما پس از به اشتراک گذاشتن این تجربه با مریدان فالون گونگ‌مان، تمام صحنه‌ها و فالون فوراً ناپدید شدند. آیا کار اشتباهی انجام دادم؟

معلم: این را باید از دو زاویه نگاه کرد. اگر با دیگران صحبت کنید و بیش از حد لذت ببرید، آنوقت ممکن است ناپدید شوند، دیگر اجازه ندارید آنها را ببینید. آن اتفاق می‌افتد زیرا صحنه‌های مقدس که دیدید نه تنها منجر به این نشدند که افکار محکمی از تزکیه دافا، یا افکار پاک‌تر و خالص‌تر را رشد دهید، بلکه در عوض باعث شدند بیش از حد خوشحال شوید. در آن صورت، البته که اجازه داده نمی‌شود به دیدن ادامه دهید، چراکه مسئولیت در قبال تزکیه شما باید به انجام برسد. اگر بعد از دیدن آن چیزها هیچ فکری از خوشحالی بیش از حد و خودنمایی نداشتید، و حس کردید آن چیزی واقعی بود، و با دیگر شاگردان به این هدف که افکار درست آنها مستحکم شود، درباره آن صحبت کردید، آنوقت به هیچ وجه مشکلی نیست. اینطور نیست که صحبت درباره این چیزها مجاز نیست. مشکل صحبت از روی وابستگی‌هاست.

شاگرد: اگر ما خیلی خوب تزکیه کنیم، شاید وقتی به کمال برسیم هنوز جوان باشیم. در آن مرحله آیا هنوز باید به انجام وظایفمان نسبت به اعضای خانواده ادامه دهیم؟

معلم: اگر این نوع از وابستگی را پاک نکنید مطلقاً برای رسیدن به کمال هیچ راهی وجود ندارد. شما این چیزها را با افکار بشری در نظر می‌گیرید. بگذارید به همه شما بگویم، من فقط در حال پاک کردن کارمای شما و مراقبت از شما نیستم. اگر به یک مقام دستیابی تزکیه کنید، بهشت‌تان متنوع و غنی خواهد بود، و کارهای بسیار زیادی برای شما انجام خواهد داد. باید زندگی‌هایی که از گذشته به دیگران بدهکار هستید، آنها را که کشته‌اید، و تمام شکایات و سپاس‌گزاری‌ها را حل و فصل کنم. بسیاری از کارها هستند که باید برای شما انجام دهم. اگر به مسائلی مانند آنچه مطرح کردید وابسته باشید، آنها مانع بزرگی برای پیشرفت تزکیه‌تان خواهند شد. آن افکار بشری را رها کنید و فقط نگران تزکیه باشید. قبل از کمال مطمئناً باید به عنوان یک عضو خانواده وظایف خود را انجام دهید.

شاگرد: در انجیل آمده است که عیسی در صومعه نسبت به آنها که نرخ سود بالا مطالبه کرده بودند عصبانی شد، اما الزامات فالون دافا این است که نمی‌توانیم عصبانی شویم. اگر عیسی یک بودا است، چگونه ما این را درک کنیم؟

معلم: عیسی خودش انجیل را نوشت، و طوری که انسان‌ها اعمال عیسی را به تصویر کشیده‌اند قطعاً دقیق نیست. کاملاً امکان دارد که او در برابر افرادی که نرخ سود بالایی مطالبه می‌کردند لحنی سردتر و خشن‌تر داشته است. او کسی بود که از شرارت نفرت داشت و با کسانی که کارهای بد انجام می‌دادند سخت‌گیر بود، اما واقعاً عصبانی نمی‌شد.

شاگرد: مریدان در شانگهای درودشان را بر معلم می‌فرستند و امیدوارند معلم از شانگهای دیدن کنند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: ما چگونه می‌توانیم در درک تجلی «راه بزرگ بدون شکل» در سطوح مختلف بهتر عمل کنیم؟ وقتی به عنوان یک دستیار کار می‌کنم، مواردی هست که سخت است به یک درک مشترک در فعالیت‌های اشاعه‌فا رسید زیرا بین افراد مسئول انجمن و دستیاران اختلاف سطح وجود دارد. بنابراین برخی از شاگردان زمان و انرژی زیادی صرف بحث کردن می‌کنند. این تا حدی در ارتباط با درک‌های شاگردان ظاهر می‌شود.

معلم: این بسیار شایع است. بسیاری از دستیاران در سرزمین اصلی چین به بلوغ رسیده‌اند و قادرند در مواجهه با مشکلات اول فکر کنند آیا کوتاهی‌هایی دارند یا خیر، پس اساساً به شیوه‌ای سالم در حال تزکیه هستند. اما در مناطق خاصی دستیارانی هستند که فاقد برای مدت زمانی کوتاه مطالعه کرده‌اند یا خیلی کوشا نیستند و خودشان را با کار مشغول کرده‌اند. بنابراین وقتی مشکلاتی ایجاد می‌شود دوست دارند جروبحث کنند و درون خود را جستجو نمی‌کنند. وقتی احساس می‌کنید چیزی اشتباه است، باید درباره این فکر کنید که آیا چیزی در ارتباط با خودتان اشتباه است. اینکه کسی بتواند این کار را انجام دهد یا خیر استاندارد برای ارزیابی شاگردان دافا است. بعد از اینکه فهمیدید در رابطه با نقطه شروع‌تان چیز اشتباهی وجود ندارد، آنوقت باید موضوع را با حالتی آرام و دوستانه با طرف دیگر مطرح کنید. اگر هر دو طرف درگیر در این تضاد بتوانند خودشان را به این شیوه اداره کنند، چطور می‌توانست تضادی باشد؟ جروبحث درباره چه چیزی وجود می‌داشت؟ هر چند، با اینکه این را گفتم، هنوز جروبحث‌ها وجود خواهند داشت - بعضی اوقات حتی جروبحث‌هایی شدید - همانطور که مشغول تزکیه می‌شوید به منظور اینکه وابستگی‌ها را پاک کنند. به این خاطر که شما تزکیه می‌کنید و هنوز وابستگی‌هایی دارید که از بین نبرده‌اید. زمان‌هایی هست که آن را تشخیص نمی‌دهید و اوقاتی هست که فراموش می‌کنید به درون نگاه کنید. چسبیدن به نگرش‌های خاص و چسبیدن به عقاید فرد هر دو ممکن است منجر به مجادله شود.

شاگرد: ما چگونه می‌توانیم تجلی «راه بزرگ بدون شکل» در سطوح مختلف را درک کنیم؟

معلم: شکلی که دافا در اجتماع امروزه برگزیده است «راه بزرگ بدون شکل است». هیچ شکلی در اجتماع عادی شایسته اشاعه دافا نیست. بنابراین من هیچ شکلی را انتخاب نکردم. اگر امروز می‌خواهید ببینید و آن را یاد بگیرید، می‌توانید یاد بگیرید. اگر نمی‌خواهید، آنوقت آزاد هستید که ترک کنید. این بستگی به شما دارد. البته، اگر شما واقعاً می‌خواهید یاد بگیرید، ما باید مسئول شما باشیم. اما این نوع از مسئول بودن برای مردم عادی قابل رؤیت نیست؛ در این بُعد مردم عادی، آن بی‌شکل است. هیچ دفتر و اداره‌ای وجود ندارد. هیچ پول یا دارایی نگه داشته نمی‌شود. هر یک از شما عضوی از جامعه عادی هستید، و در حال کار یا تحصیل در اجتماع عادی هستید و در همه محیط‌ها زندگی می‌کنید. تنها تفاوت بین شما و مردم عادی این است که شما خودتان را تزکیه می‌کنید، و خودتان می‌دانید که تزکیه‌کننده هستید. مردم عادی تزکیه نمی‌کنند و بعضی اوقات نمی‌توانند تزکیه‌کنندگان را درک کنند. آن مشابه این است که شاگردان به اداره شورای دولتی در جونغ‌نان‌های^۵ رفتند: «چگونه است که تمام آن مردم به ناگهان از هیچ کجا ظاهر شدند و سپس بسیار سریع ناپدید شدند؟» [آنها می‌توانند این را انجام دهند] زیرا آنها همگی اعضای جامعه هستند و هیچ شکلی وجود ندارد. تنها تمایز این است که آنها تزکیه‌کننده بودند. آنها از سطح جامعه آمدند، و بعد از بیان عقایدشان به سطح جامعه بازگشتند. هیچ شکلی از سازمان وجود ندارد. با وجود اینکه موضوع واقعاً این است، آن افرادی که عادت داشتند سازمان‌هایی را تشکیل دهند، و عموم جامعه، که عادت داشتند سازمان داده شوند، نمی‌توانند آن را درک کنند. آنها فکر می‌کنند که شما باید بطوری سفت و محکم سازمان‌یافته باشید. واقعاً امروزه برای مردم چین سخت است کارهایی که تزکیه‌کنندگان انجام می‌دهند را درک کنند. حتی برخی افراد هستند که اصلاً باور ندارند مردم زیادی امروز وجود دارند که افرادی خوب هستند.

شاگرد: مردم نژاد سفیدپوست از تمدن پیشین باقی مانده‌اند. آنوقت مردم نژاد زرد و نژادهای دیگر...

معلم: در طول چرخه تمدن قبلی صفحات قاره‌ای متفاوت از امروز بودند. اما بطور کلی بگوییم، مردم نژاد زرد در مناطق آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی زندگی می‌کردند. بومیان آمریکا که در حال حاضر آنجا زندگی می‌کنند در رده زردپوستان طبقه‌بندی می‌شوند. مردم زردپوستان که در مکان چین امروزه زندگی می‌کردند - مرکزی‌ترین مکان [که آنها در آن بودند] در آن زمان قزاقستان بود - بعد از سیل عظیم، به منطقه‌ای مهاجرت کردند که دشت بزرگ شین‌جیانگ است. در آن زمان آن سرزمینی از خاک حاصلخیز بود. بعد از آن به طور مداوم به سمت شرق مهاجرت کردند. دقیق بگوییم، هندی‌ها، مصری‌ها، پارسی‌ها، نژاد زرد، نژاد سفید، و نژاد سیاه شش نژاد اصلی زمین حاضر هستند. بقیه نژادها مخلوط هستند.

شاگرد: حس می‌کنم که سخنرانی‌های فای استاد پاسخی به اسرار جوآن فالون هستند و رازها را می‌گشایند. اگر من برای زمانی طولانی مانند این به مکان‌های گوناگون بروم تا به سخنرانی‌های فای استاد گوش دهم، آیا این روشن‌بینی خود من به جوآن فالون در نظر گرفته می‌شود؟

معلم: مایلم کمی از حقیقت را با شما درمیان بگذارم. موجودات بشری ارزش گوش دادن به سخنرانی‌های فای مرا ندارند. (تشویق) اگر فقط به خاطر آموزش فا به موجودات بشری بود، کافی بود یک تاتاگاتا به دنیای بشری پایین بیاید. همانطور که درباره فا سخنرانی می‌کنم، برخی از افرادی که در میان حضار نشسته‌اند می‌توانند ببینند که لایه‌ای بر روی لایه دیگر موجودات زنده از بدن‌های آسمانی مختلف در حال گوش دادن هستند؛ تنها به موجودات بشری فا را آموزش نمی‌دهم. با اینکه این گفته شد، اما تضمین می‌شود در طول دوره تزکیه چیزهایی برای شما باقی می‌ماند که تزکیه کنید. شما نگران هستید که درباره فا بسیار کامل به تفصیل شرح داده‌ام و بسیار واضح توضیح داده‌ام بطوریکه چیزی برای شما باقی نمانده که تزکیه کنید، و بنابراین آن به حساب نیاید - آیا منظورتان این بود؟ موضوع این نیست. چیزهایی برای شما باقی می‌ماند که با آن تزکیه کنید.

شاگرد: شاگردان در اورومچی، شین‌جیانگ درودشان را بر معلم می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: آیا اینطور نیست که مقام دستیابی اصلی فرد هر جا بوده است، آن مکانی است که فرد می‌تواند به آنجا تزکیه کند؟

معلم: این بطور کلی در مورد کسانی است که از سطوح بالا آمدند. اما آیا شما می‌دانید چه کسی هستید؟ آیا از سطحی بالا آمدید؟ حتی در مورد کسانی که از سطوح بالا آمدند، آیا به خاطر ارتکاب به گناه سقوط کردند؟ شما هیچ تصویری ندارید که از کجا آمدید؟ حتی درباره آنهایی که از بالا آمدند، بعد از چندین هزار سال بازپیدایی و گذشت زمانی طولانی، کارمای آنها بسیار بزرگ است بطوریکه ویژگی‌های اصلی خود را کاملاً از دست داده‌اند. بهتر است شما از روی چنین وابستگی بشری قدرتمندی سؤالاتی نپرسید.

شاگرد: آیا می‌توانم از شما خواهش کنم درباره خودتان و زندگی روزمره‌تان صحبت کنید؟

معلم: شما هم اکنون هنوز یک فرد عادی هستید، و سؤالی که مطرح کردید سؤال یک فرد عادی است. من نمی‌خواهم درباره خودم صحبت کنم. چیزی که به مردم عرضه کرده‌ام این اصول فا است. شما باید مرا درست مانند یک موجود بشری عادی تلقی کنید. من صرفاً یک موجود بشری هستم با تصویر کاملی از یک انسان که اینجا با استفاده از زبان بشری با شما در حال صحبت است. در مورد اینکه چقدر قدرت دارم، من آن را نشان نخواهم داد و شما قادر نخواهید بود آن را ببینید. اما تا وقتی که تزکیه می‌کنید، مسئول شما خواهم بود - من می‌توانم آن مسئولیت را برعهده بگیرم. شاگردانمان نیز از طریق تجربیات واقعی زندگی به این درک رسیده‌اند، و نیازی نیست بیشتر درباره آن صحبت کنم. مردم آینده درباره وجود من نخواهند دانست. اگر تمام شاگردان امروزه بتوانند به کمال برسند، آنوقت من فا را به موجودات بشری آموزش نداده‌ام در عوض به خدایان آموزش داده‌ام. افرادی که

تزکیه نمی کنند بعد از گذشتن از یک بازپیدایی و زندگی دیگر هیچ چیز نخواهند دانست. مردم آینده اجازه ندارند درباره من بدانند. آنچه باقی می ماند چیزی بیش از افسانه نیست. بنابراین نمی خواهم چیزی برای انسان ها به جای بگذارم. نمی خواهم درباره داستان زندگی ام یا درباره اینکه من اینطور و آنطور هستم صحبت کنم، و نمی خواهم دیگران درباره من بنویسند. مریدانم در آینده درباره من خواهند دانست. بعد از کمال آنها به روشنی خواهند دانست که در کل من چه کسی بودم. (تشویق)

شاگرد: تمام شاگردان نیوزلندی درود خود را به استاد گرامی می فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: اختلاف قابل توجهی بین درکم از اصول فا و رشد شین شینگم وجود دارد. درکم از اصول فا همیشه پیش است و در قلمروی نسبتاً بالایی است. اما درحالیکه بطور واقعی تزکیه می کنم، رشد شین شینگم همیشه عقب می ماند و گاهی اوقات کاملاً کمبود دارد. می ترسم اصولی که تحت چنین حالتی به آنها روشن و آگاه شده ام شاید اشتباه بوده باشد.

معلم: در حقیقت، از آنجا که می توانید این را تشخیص دهید، کاملاً خوب تزکیه کرده اید. مردم عادی نمی توانند اشتباهات خود را ببینند، درحالیکه شما می توانید تفاوت در حالت های مختلف تزکیه تان را ببینید. درواقع آنطور که شما تصور کردید نیست. در مورد درک اصول فا، معمولاً راحت است که درک روشنی از آن داشت. اما همانطور که فرد با واقعیات موجود در جامعه روبرو می شود اگر تمام وابستگی های مختلفی که از نفع شخصی و احساسات دارد، می توانستند به محض اینکه اصول فا را درک کردید فوراً از بین بروند، هیچ نیازی به تزکیه نمی بود و نیازی به گذراندن آزمایش ها نمی بود. وقتی به چیزی وابسته هستید و سعی می کنید یک بهانه در فا پیدا کنید، آن قطعاً اشتباه است. مطالعه فا بدون هیچ درطلب بودنی، و آنچه به درک آن می رسید مطمئناً روشن بینی راستین است.

شاگرد: شاگردان در پکن و ایالات متحده درود خود را به استاد می فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: در طول تزکیه ام، کارمای شهوت گاهی اوقات سربرمی آورد. چگونه می توانم آن را پاک کنم؟

معلم: چیزهایی که در رؤیاهای خود با آنها مواجه می شوید انواع مختلف آزمایش برای شما هستند. برای این هستند که دیده شود آیا قلب تان در طول تزکیه هر روزه بطور محکم تزکیه شده است و آیا می توانید این آزمایش را به خوبی بگذرانید. آن امتحانی برای این است که آیا می توانید این آزمایش را بگذرانید و آیا بطور محکم تزکیه کرده اید. آن به این دلیل است که فقط آنگاه حالت واقعی شما نمایان خواهد شد، زیرا تمام تمایل شما برای پنهان کردن و پوشیده نگه داشتن چیزها، در آن زمان در خواب هستند. اگر به خوبی عمل نکرده باشید، باید موضوع را جدی بگیرید زیرا، در نهایت، به خوبی عمل نکرده اید. اگر در زندگی روزمره خوب تزکیه کرده باشید، مطمئناً در رؤیاهای تان به خوبی عمل خواهید کرد و قادر به گذراندن آزمایش خواهید بود.

شاگرد: وقتی با مشکلات مواجه می شوم یا درباره مشکلات فکر می کنم، متوجه می شوم که افکارم همیشه حول اینکه خودم چنین و چنان هستم متمرکز است. به نظر می رسد که یک ریشه ای وجود دارد که صرفاً نمی تواند پاک شود و من به خاطر آن بسیار ناراحت هستم. چرا اینطور است که قادر نیستیم بر یک حالت آگاهی درست باقی بمانیم؟

معلم: عالی است! تمایل تان را برای پاک کردن آن می بینم. این دقیقاً تزکیه است. درمورد پاک کردن قلب خودخواه خودتان - آن ریشه - آن روندی دارد، زیرا در طول دوره بخش عمده ای از زندگی تان رشد کرده است. باور دارم که قطعاً در طول تزکیه،

خود را برای پاک کردن آن اداره خواهید کرد، آن چیز بنیادی در پشت خودخواهی را. شما قادرید که تمام این چیزها را تشخیص دهید و می‌توانید بر پاک کردن آنها در طول تزکیه تمرکز کنید. این بسیار خوب است، و آن دقیقاً تزکیه است!

شاگرد: همیشه احساس می‌کنم کوشا نیستم، قادر به تحمل سختی نیستم، و در ثبات قدم کاستی دارم. آیا راهی هست تا توانایی‌ام برای تحمل رنج و سختی تقویت شود؟

معلم: کتاب را بیشتر بخوانید، و به تدریج عزم‌تان در تزکیه تقویت خواهد شد؛ آنوقت قادر خواهید بود بر تمام چیزها غلبه کنید. هیچ راه میانبری وجود ندارد، و تزکیه باید به این شکل پیش برود. شما قادرید تمام این چیزها را تشخیص دهید، و این کاملاً خوب است. شما قادرید تمام این چیزها را تشخیص دهید، و آن چیزی است که مردم عادی نمی‌توانند انجام دهند. در حقیقت، ناخشنودی از خودتان نشان می‌دهد که شما در حال تزکیه هستید، و توانایی‌تان به تدریج افزایش می‌یابد.

شاگرد: وقتی گزارشات نادرست رسانه‌های خارج از چین درباره‌ی استاد و فالون دافا را شنیدم، حتی با اینکه کارهای معینی برای محافظت از دافا انجام دادم، اما در قلبم احساس کرده‌ام که اعمال آنها ارزش هیچ توجهی را ندارد. آیا فکرم درست است؟

معلم: وقتی افراد دیگر به دافا حمله می‌کنند، اگر شما احساس کنید که به شما حمله نشده است، پس عضوی از دافا نیستید. چرا اینطور است که افراد زیادی به پکن رفتند تا به شورای دولتی در چونگ‌نان‌های دادخواهی کنند؟ احساس کردند که اتفاقات در شهر تیان‌جین آنها را هدف گرفته بود. آنها احساس کردند که وقتی پلیس مریدان دافا را دستگیر کرد، مانند این بود که خود آنها را دستگیر کرد. به این خاطر که آنها همگی اعضای تزکیه هستند و همگی فای یکسانی را تزکیه می‌کنند. با در نظر گرفتن آزار و اذیت شاگردان در تیان‌جین، آیا شاگردان دیگرمان نباید با قصد و نیت خوب موقعیت را به ادارات مربوطه گزارش می‌کردند؟ در مورد گزارشات نادرست رسانه‌ها، به آنها بگویید که آنها نادرست هستند و وضعیت حقیقی را به آنها بگویید. نمی‌توانید صرفاً بطور منفعلانه آزار و شکنجه بدخواهان دافا را تماشا کنید و کاری انجام ندهید. آسیب [آنها] به فرصت‌های مردم برای کسب فایده موضوعی مهم است. زیرا گزارش رسانه‌ها می‌تواند از یکدیگر کپی شود، وقتی یکی گزارشی تهیه می‌کند، روزنامه‌های دیگر می‌توانند از آن کپی کنند. تجربه‌ی زندگی واقعی خود شما، بسیار متقاعدکننده‌تر از آن است. اگر شما بگویید که من، لی هنگ‌جی، خوب هستم، به آن توجهی نخواهم کرد. اگر بگویید که من بد هستم، به آن نیز توجهی نخواهم کرد. مردم عادی نمی‌توانند بر من تأثیر بگذارند. اما برای شما، که شاگرد هستید، محافظت از دافا چیزی است که باید انجام دهید. اما نمی‌توانید سمت بد خود را بکار ببرید و با آنها مبارزه کنید. باید با قلبی نیکخواه وضعیت حقیقی را برای آنها بگویید، و آن دقیقاً محافظت از فایده است.

شاگرد: تمام مریدان در شهر شینژن درود خود را بر استاد می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: (۱) لطفاً برای ما می‌گویید که آیا بدن‌های قانون هفت بودای اولیه در معبد فینگ‌گوئو سطوح نهایی آنها را نشان می‌دهد یا سطوحشان در طول تزکیه را؟

معلم: خوب، آنها بودا هستند، آنها هم‌اکنون بودا هستند، بنابراین هیچ موضوع تزکیه یا سطوح وجود ندارد. چرا درباره این پرسیدید؟ این چیزی از دافا نیست و ارتباطی با رشد از طریق تزکیه ندارد.

شاگرد: (۲) آیا هفت بودای اولیه همان موجودات اولیه‌ای هستند که شما از آنها صحبت کردید؟

معلم: عنوان آنها صرفاً نوعی از عناوین خاص است که آنها دارند. وقتی «اولیه» نامیده می‌شوند، به این اشاره می‌کند که آن عنوان چه مدت وجود داشته است، و همانطور که چیزها تغییر می‌کند ممکن است آن دیگر به موجودات نخستین اولیه اشاره

نکند. در سطوح مختلف و در قلمروهای مختلف درک‌های متفاوتی از «اولیه» وجود دارد. به نظر می‌رسد برای موجودات بشری هر چیزی که فراتر از این تاریخ تمدن بشری می‌رود یا تاریخی چندین هزار ساله دارد، اولیه در نظر گرفته می‌شود. اما در چشم بوداها، آن صرفاً یک لحظه است. برای موجودات سطح بالا، آنها آنقدرها اولیه نیستند.

شاگرد: (۳) چرا مجسمه بودا شاکيامونی رو به غرب است؟

معلم: شما در حال تزکیه بودیسم هستید، اینطور نیست؟ و بنابراین می‌خواهید از من چیزهایی درباره بودا بپرسید. من دافا را آموزش می‌دهم، که هیچ ارتباطی با بودیسم ندارد. به هر حال نشستن شما امروز در اینجا رابطه تقدیری شما را نشان می‌دهد، و من می‌توانم به سؤال شما پاسخ دهم. معابد رو به تمام جهات ساخته می‌شوند. برخی رو به شرق، برخی رو به غرب ساخته می‌شوند، و برخی رو به جنوب ساخته می‌شوند. سالن بزرگ آن رو به هر سمتی ساخته شود مطمئناً جهت مجسمه بودا رو به آن سمت است. چیزهایی مانند این، خیلی بیانگر چیزی نیستند و همگی کارهای بشری هستند. بودا واقعی است و یک موجود روشن بین باشکوه است، درحالی‌که آنچه شما به آن اشاره می‌کردید آن مجسمه بزرگ ساخته شده از گل است. اگر شخصی بخواهد بودا شدن را تزکیه کند، باید بطور واقعی بر بهتر شدن خودش تمرکز کند، زیرا هرچیز انباشته شده از قصد یا وابستگی به خود بودیسم، تزکیه نیست بلکه در عوض یک مانع است.

شاگرد: آیا جن، شن، رن ماده اعلی است؟ آیا آنها موجودات اولیه هستند؟ یا موجودات فوق اولیه هستند؟

معلم: باز هم بودیسم. از آنجا که اینجا آمده‌اید، این رابطه تقدیری شماست، و بنابراین من هنوز می‌خواهم به سؤال شما پاسخ دهم. جن، شن، رن کیفیت خاص کل کیهان است، و فای کیهان از جن، شن، رن می‌آید. هر چه آن پایین تر می‌رود، فای پیچیده تر می‌شود، و الزامات آن بزرگ تر و بیشتر می‌شود، درست مانند یک هرم. این دافا برای تمام موجودات ذی‌شعور در کیهان محیط‌هایی برای زیستن در سطوح مختلف خلق کرده است، و بوداها، داثوا، خدایان، و انسان‌ها را در سطوح مختلف خلق کرده است، همانطور که اهریمنان و دیگر موجودات ذی‌شعور، از جمله آنهایی که در آسمان و زمین هستند، و تمام ماده را خلق کرده است. این کیهان بسیار پیچیده است که نمی‌تواند با زبان بشری به‌وضوح توصیف شود. به علاوه، آن حالت‌های مختلف دیگری از موجودات را دارد، که برای تمام موجودات ذی‌شعور عناصر هستی در سطوح مختلف را فراهم کرده‌اند، مانند ایجاد متقابل و بازدارندگی متقابل، بین و یانگ، و غیره - چیزهای بسیار زیادی. آنها همگی از این دافای کیهان می‌آیند. (تشویق)

شاگرد: پیش از کنفرانس، به روابط عمومی زنگ زدم تا اطلاعات بیشتری درباره الزامات برای شرکت در کنفرانس دریافت کنم. فردی که تلفن را جواب داد از من پرسید آیا یک مرید فالون گونگ هستم، و در آن زمان من نمی‌دانستم چگونه جواب بدهم زیرا اکنون یک سال است که خودم بطور مستقل یاد گرفته‌ام. معلم لی، لطفاً به من بگویید آیا می‌توانم مرید شما به حساب بیایم.

معلم: اگر حقیقتاً آن را یاد می‌گیرید، پس یک مرید هستید، بدون توجه به اینکه خودتان مستقلاً آن را یاد می‌گیرید. (تشویق) آیا تغییراتی که دستخوش آنها شده‌اید و اشاراتی که در زندگی روزمره به شما می‌رسانم هم‌اکنون این را به شما نشان نداده است؟ از آنجایی که محیطی ندارید که در آن همراه با دیگران تزکیه کنید، چیزهای بسیاری هستند که به آنها روشن و آگاه نشده‌اید. اما به این معنی نیست که تزکیه نکرده‌اید. باید تمرین‌ها را بیشتر با شاگردان دیگر انجام دهید، زیرا کمک خواهد کرد تا حتی سریعتر رشد کنید.

شاگرد: استاد بیان کرده‌اند که از سال ۱۹۹۲، تمام خدایان از مذاهب مختلف سرپرستی امور دنیای بشری را متوقف کردند. من کیفیت روشن‌بینی ضعیفی دارم و درک نکردم منظورتان چه بود. استاد لطفاً کمی آن را توضیح دهید.

معلم: درباره این موضوع در سخنرانی‌های مختلف فا صحبت کرده‌ام. وقتی این بار آمدم که فا را به شما آموزش دهم، به سادگی برای خاطر نجات موجودات بشری نبود. این اصلاح فای کیهان است، که به نوع بشر مربوط است. یعنی، حتی آن خدایانی که سابقاً عبادت می‌کردید، در طول اصلاح فا درحال دوباره تعیین کردن جایگاه خود هستند و در مورد موجودات بشری این حتی بیشتر صدق می‌کند. چگونه آنها می‌توانستند هنوز امور نوع بشر را سرپرستی کنند؟

شاگرد: مریدان دافا از شهرهای هفی در استان آن‌هوئی، شن‌یانگ، و یان‌بین درود خود را بر استاد می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: فردی چیزهای بدی درباره دافا می‌گفت و من شروع به بحث با او کردم. آیا حقیقت دارد که از رن دافای جن، شن، رن پیروی نکردم؟ آیا بحث با مردم وابستگی به حساب می‌آید؟

معلم: باید برای او دلیل و منطق بیاورید و با قلبی نیکخواه و مهربان با او صحبت کنید. اگر حقیقتاً نخواهد گوش دهد، آنوقت فقط بگذارید باشد. در حقیقت، شما متوجه نشده‌اید که وقتی با او درباره اصول دافا حرف می‌زنید، در حال صحبت درباره فا و اشاعه فا به او هستید، و به او کمک می‌کنید و به او نجات را عرضه می‌کنید! اینکه آیا بخواهد به آن گوش کند یا خیر انتخاب اوست. چرا خواستید با او بحث کنید؟ اگر تمام این چیزها را با نیکخواهی اداره کنید مؤثرتر خواهد بود.

شاگرد: درحال خواندن فا، گاهی اوقات به اصلی از فا آگاه می‌شوم. اما به محض اینکه می‌خواهم بیان کنم، احساس می‌کنم این درک دیگر درست نیست. این احساس بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود.

معلم: درست است! هم‌اکنون درباره آن گفته‌ام، نگفتم؟ شما صرفاً می‌توانید آن را شهودی درک کنید و نمی‌توانید با کلمات آن را توضیح دهید. به محض اینکه برای گفتن آن زبان بشری را بکار می‌برید، نزول می‌کند و اصلی می‌شود همسان با سطح مردم عادی.

شاگرد: درمیان تزکیه‌کنندگان، آیا زنان درصد بیشتری از مردان هستند؟

معلم: به نظر می‌آید که زنان امروزه می‌توانند دافا را سریعتر درک کنند، و این واقعاً چیز خوبی است.

شاگرد: من اساساً کودکان را بسیار دوست دارم و واقعاً می‌خواهم چند کودک داشته باشم. اما بعد از آشنایی با دافا، متوجه شدم که سطح نوع بشر چقدر پایین است و اخلاقیات بشریت چقدر فاسد است. آنوقت فایده بچه داشتن و اینکه اجازه دهیم چنین قلب‌ها و روح‌های بی‌گناهی آلوده شوند، چیست؟

معلم: بگذارید بگویم این شما نیستید که زندگی را خلق می‌کند، اما در عوض اینطور است که یک موجود وارد رحم انسان شده و باز پیدا می‌شود. هر چقدر کارما که دارد چیزی است که با خودش حمل می‌کند. اگر بوسیله شما به دنیا نیاید، آنوقت بطور مشابه بوسیله فرد دیگری به دنیا می‌آید. از آنجا که شما یک شاگرد دافا هستید، چرا هنوز از آلوده شدن فرزندانان می‌ترسید؟

شاگرد: من معلم یک مهدکودک هستم که با خردسالان سروکار دارم. شغلم این است که از مهدکودک‌های مختلف بازدید می‌کنم تا فرهنگ و سنت چینی آموزش بدهم. واقعاً می‌خواهم پنج تمرین معلم را به کودکان بیاموزم. آیا اجازه این کار را دارم؟

معلم: آن خیلی خوب است. در حقیقت، در مناطق خاصی همه- از مدیر مهدکودک تا معلمان- تمرین می‌کنند و کودکان نیز هستند. بچه‌ها وابستگی ندارند. وقتی آنجا می‌نشینند، او! آن بسیار خوب است- حقیقتاً پاک و باشکوه. البته انجام آنچه توصیف کردید کار خوبی است. آموزش کودکان با اصول دافا در سراسر زندگی‌شان نفعی بی‌پایان به ارمغان خواهد آورد.

شاگرد: برخی از مردم خالصانه مسیحیت، بودیسم و غیره را تمرین می‌کنند و فرصت کسب فالون دافا را ندارند. آیا راهی برای رهایی دارند؟

معلم: قبل از اینکه انجام این را آغاز کنم، خدایان آنها صراحتاً برای آن افرادی از آنها که می‌توانستند واقعاً نجات یابند افشا کردند که من این را انجام خواهم داد. برخی افراد آن را باور کردند و برخی نکردند. من به این نگاه نمی‌کنم که چه مذهبی است یا رده رسمی او چقدر بالاست. به این توجه نمی‌کنم که شخص چه کسی است: فقط به قلب فرد نگاه می‌کنم. هر کسی که پیش روی من قرار می‌گیرد، ابتدا یک موجود بشری است، و من فقط به قلب افراد نگاه می‌کنم. اگر نمی‌خواهید تزکیه کنید، هیچ کاری انجام نمی‌دهم. اگر می‌خواهید آن را انجام دهید، نجات را به شما عرضه می‌کنم. آن اینگونه است! هیچ اهمیتی به تشریفات نمی‌دهم، و به رتبه و مقام یا چه [مذهبی] دارد نگاه نمی‌کنم. (تشویق)

شاگرد: چندین سال است که دافا را تزکیه کرده‌ام. در چند ماه اخیر، وقتی با بقیه تبادل تجربه می‌کردم، دیده‌ام که برخی مریدان بی‌وقفه صحبت می‌کنند، و آن باعث شده است که کمتر و کمتر تمایلی به صحبت کردن داشته باشم. استاد، لطفاً بگویید آیا حالت من درست است؟

معلم: اگر آنها بی‌وقفه به سخن گفتن ادامه می‌دهند، و هر چه بیشتر صحبت می‌کنند، شما کمتر می‌خواهید توجه کنید و بیشتر احساس بی‌قراری می‌کنید، آنوقت آن به این معناست که شما یک وابستگی دارید! و هر چه بیشتر او به حرف زدن ادامه دهد، بیشتر به نظر می‌رسد که هیچ پایانی قابل رؤیت نیست. آن درواقع شما را نشانه گرفته است، حتی با اینکه مستقیماً با شما صحبت نمی‌کند. (تشویق) آن برای این بود که وابستگی شما نشان داده شود. درحقیقت، وابستگی شما نشان داده شده است. فقط اینطور است که شما با گفتن اینکه شخص دیگر بی‌وقفه ادامه می‌دهد سعی داشتید آن را بپوشانید. آیا به شما نگفتم بدون توجه به اینکه با چه چیزی روبرو می‌شوید باید به خودتان نگاه کنید؟ آیا آن یک وابستگی معین شما نبود که ظاهر شده بود؟ از آنجا که شما تزکیه‌کننده و افراد فوق‌عادی هستید، چرا هنوز چیزهای بد را در مردم عادی می‌بینید و خودتان را با آنها مقایسه می‌کنید؟ باوجود اینکه او یک تزکیه‌کننده است، هنوز در حال تزکیه در میان مردم عادی است، و او هنوز وابستگی‌هایی دارد که پاک نکرده است و هنوز رفتار مردم عادی را نمایش می‌دهد. اگر او آن چیزها را نمی‌داشت، آیا یک بودا نمی‌بود؟ آیا یک خدا نمی‌بود؟ آیا آن درست نیست؟ بنابراین وقتی این یا آن مشکل در میان شاگردان ما اتفاق می‌افتد، شما صرفاً درباره این فکر می‌کنید که چرا شخص دیگر بسیار ضعیف تزکیه کرده است، و نمی‌خواهید به خودتان نگاه کنید. در سخنرانی‌های فای خود به همگی گفته‌ام که وقتی بین دو نفر تضادی برمی‌خیزد و توسط فرد سوم دیده می‌شود، حتی فرد سوم نیز باید به خودش نگاه کند، «اوه، یک مشاجر بین آنها پیش آمده است، پس من چرا آنجا بودم که آن را ببینم؟ آیا به این دلیل که وابستگی‌های خاصی دارم؟ آیا به این دلیل که من هم همان نوع مشکل را دارم؟» از آنجایی که تزکیه می‌کنید، باید حقیقتاً نسبت به خودتان مسئول باشید و باید به خودتان نگاه کنید. مورد دیگر این است که، می‌خواهم بگویم در جلسات مطالعه گروهی فا برخی از شاگردان به صحبت درباره چیزهایی که به دافا یا تزکیه ربطی ندارد بی‌وقفه ادامه می‌دهند، و این با شاگردانمان و تزکیه آنها مداخله می‌کند. شما باید به این توجه ویژه بکنید، و باید آشکارا به کسانی که آن کار را انجام می‌دهند اشاره کنید.

شاگرد: وقتی سمت خودخواه تزکیه‌کنندگان را می‌بینم، احساس بسیار بدی دارم.

معلم: بنابراین وابستگی دیگری دارید. باید اینطور باشد که هیچ‌کسی نتواند قلب یک تزکیه‌کننده را تحت تأثیر قرار دهد. وقتی خودخواهی او را می‌بینید که نمایان شده است، ممکن است نمایان شده باشد که شما با او صحبت کنید و به او کمک کنید از آن

آگاه شده و آن را پاک کند. اگر توسط خودخواهی او تحت تأثیر قرار گرفته و از آن ناراحت شوید، چگونه می‌تواند ممکن باشد که شما هیچ وابستگی نداشته باشید؟ آیا آن درست نیست؟

شاگرد: چرا اینطور است که وقتی فرد اهریمنان را در ذهن خودش پرورش دهد، تمام مسیر به پایین سقوط خواهد کرد و دوباره قادر نخواهد بود تزکیه کند؟

معلم: به نوعی توضیح دادم. اگر پرورش اهریمنان در ذهن فرد به حدی برسد که نتواند برگردد، او تمام مسیر به پایین سقوط خواهد کرد. اگر بتواند تشخیص دهد که چه اتفاقی افتاده، آنوقت هنوز برای نجات آن وضعیت از نابودی مجال وجود دارد. بر اساس اصول فا، درحال گفتن درباره خطر پرورش اهریمنان در ذهن خود شخص بودم.

شاگرد: آیا تزکیه‌کنندگان می‌توانند سیستم آموزشی را بهبود بخشند و برای مردم در جامعه آسانتر سازند که دافا را بپذیرند؟

معلم: شاگردان بسیاری هستند که احساس می‌کنند دافا بسیار خوب است، قادر است تماماً قلب را تغییر دهند، و می‌تواند باعث شود جامعه حقیقتاً به بهترین حالت دست یابد، جامعه‌ای با استاندارد اخلاقی بالا. از این رو بسیاری از شاگردان و مردم عادی که تزکیه نمی‌کنند فکر می‌کنند اگر آن می‌توانست بطوری گسترده توسط مردم در سرتاسر جامعه پذیرفته شود و منجر به این می‌شد که مردم بیشتری به این نحو رفتار کنند، جامعه چقدر فوق‌العاده می‌شد! در واقعیت، ذهن شما هنوز در جامعه مردم عادی است. فقط به آن طریق می‌توانم به شما بگویم، زیرا درک‌تان از فا هنوز آنقدر عمیق نیست، و کاملاً درک نکرده‌اید که این فایی که آموزش می‌دهم برای خاطر کسب این یا آن چیز در جامعه عادی بشری نیست؛ بلکه، آن برای خاطر آموزش فا به تزکیه‌کنندگان است و برای این است که اجازه دهد تزکیه‌کنندگان نجات یابند. جامعه بشری عادی صرفاً این گونه است. اگر واقعاً برخی مقامات بلندپایه در میان مردم عادی بودند که از اصول فای نیکخواهانه دافا برای تغییر استاندارد اخلاقی جامعه، که هر روز در حال فاسد شدن است، استفاده می‌کردند، آنوقت آن نمایش قلب خوب مردم می‌بود، و من مخالف آن نیستم. زیرا او دافا را برای خوبی مردم اشاعه می‌داد، بنابراین اینطور است. آن، مسائل مردم عادی است، و چیزهایی که در مرحله بعد اتفاق خواهد افتاد زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند.

شاگرد: تمام شاگردان در تایوان درود خود را بر شما می‌فرستند!

معلم: از همگی متشکرم! (تشویق)

شاگرد: من چندین سؤال دارم که از شما بپرسم. آیا سطح توانایی یک فرد با روح اصلی او در زمان تولد می‌آید، یا بوسیله کارما و تقوای او نظم و ترتیب داده می‌شود؟

معلم: دو نوع توانایی هست که شما درباره آن صحبت کردید. اول آن به اصطلاح باهوش و زرنگ بودن مردم عادی است، و این برای روند تزکیه به هیچ‌وجه خوب نیست؛ بلکه مانعی جدی است. نوع دیگر نمایش توانایی‌هایی است که در طول تزکیه فراتر از مردم عادی است. آن ناشی از برخی عناصر پیش از تولد و پس از تولد است. اما در تزکیه اینها استانداردهایی نیستند که برای قضاوت سطح شخص بکار می‌رود. به منظور قضاوت توانایی یک فرد برای تزکیه و درک فا، باید به بنیان فرد نگاه شود. سرشت اصلی شخص در طول دوره سالیان دراز شامل زندگی‌هایی از بازپیدایی، دفن شده است. آن مقدار که سرشت اصلی یک شخص می‌تواند دیده شود به آن اندازه بنیان و ظرفیت آگاهی او خوب است.

شاگرد: تمثال باوقار بوداها، داثوها، و خدايان که در مجسمه‌ها و نقاشی‌ها در مکان‌های مختلف دنیا به تصویر کشیده شده‌اند از گذشته به جای مانده‌اند. چگونه ترتیبی داده‌اند که در دنیای بشری باقی بمانند؟

معلم: شما می‌پرسید که مردم چطور درباره تصویر بودا می‌دانستند. بین انسان‌هایی که در دوره‌هایی زندگی می‌کنند که اخلاقیات نوع بشر کاملاً خوب است و انسان‌هایی که در دوره‌هایی زندگی می‌کنند که اخلاقیات نوع بشر بد است، تفاوت بسیار عمده‌ای وجود دارد. هر چه استاندارد اخلاقی جامعه انسانی بالاتر باشد، خدایان، بیشتر حقیقت جهان را برای مردم نمایان می‌کنند، و آن چیزی است که در کل توسط وضعیت جامعه ایجاد می‌شود. آنوقت، جامعه امروزه خوب نیست زیرا آنچه اجتماع امروزه ستایش می‌کند علم است نه خدایان، و به همین خاطر مردم کمتر و کمتر می‌توانند ببینند. به علاوه، برای موجودات بشری این علم توسط موجودات فضایی بوجود آمد، که موجوداتی از همین بُعد هستند. اینطور نیست که آنها صرفاً موجوداتی از سیارات دیگر باشند. بسیاری از آن نقاشی‌های بزرگ در لوور فرانسه موجودات الهی را به تصویر می‌کشند. تصاویر کاملاً واقع‌گرایانه هستند. من نقاشی‌ها را دیده‌ام و در حقیقت آنجا به آن شکل است. اما آنها از زمانی به جای مانده‌اند که مسیحیت در اوج خود بود. به عبارت دیگر، آنها از زمانی به ارث رسیده‌اند که استاندارد اخلاقی انسان در بهترین حالت بود و مردم بیشترین اعتقاد را به خدایان داشتند. هنرمندان بسیاری هستند که به مسیحیت نیز علاقه‌مند هستند. بنابراین خدایان چیزها را به آنها نشان می‌دهند، و آنها قادر خواهند بود آن چیزها را ببینند. شما همگی می‌دانید که چطور هنرمندان در انتقال فوری تصاویر به ذهن، عالی هستند. بعد از آنکه آن صحنه‌های مربوط به خدایان را دیدند توانستند آنها را بکشند. احساس می‌کنم آنها را خیلی نزدیک به واقعیت کشیده‌اند، به شیوه‌ای واقعی، و آنها حقیقتاً به آن شکل هستند. بعد از دیدن نقاشی‌های بزرگی مانند آنها، مردم فضایی از تقدس و احترام را احساس می‌کنند- آن نوع از احترام برای خدایان باشکوه. تصاویر بوداها به همین شکل برای بشریت به جای مانده است.

شاگرد: *موادی که از طریق تزکیه به سوی کمال شکل می‌گیرند برای آنهايي که در سطوح بالا هستند ارزشمند است. آیا آن موضوعی از برگشت به خود اصلی واقعی، به علاوه روند تزکیه است؟*

معلم: اصلاً مانند ارتباطی که شما می‌گویید نیست، زیرا روند تزکیه در حقیقت بازگشت به خود اصلی واقعی است. «موادی که از طریق تزکیه به سوی کمال شکل می‌گیرند برای آنهايي که در سطوح بالا هستند ارزشمند است»- این بی‌معناست. ممکن است آن برای خدایان بالاتر از قلمرویی که شما در آن به کمال رسیده‌اید ارزشمند نباشد، و خدایان حتی بالاتر آن را به عنوان آلودگی در نظر می‌گیرند، در حقیقت، هر چیزی که در این جهان خوب نیست به این جامعه بشری پرتاب می‌شود.

شاگرد: *آیا مسیحیان می‌توانند در دافا تزکیه کنند؟*

معلم: عیناً این کلمات را گفته‌ام: گفتم که خدایان حتی به کوچکترین نحو، هیچ اهمیتی به مذاهب نمی‌دهند، زیرا آنها چیزهایی هستند که توسط انسان ایجاد شدند. وقتی که عیسی در این دنیا بود هیچ کلیسایی وجود نداشت، و مذهب مسیحیت نبود. وقتی شاکيامونی در این دنیا بود هیچ معبدی وجود نداشت، چراکه آنها توسط انسان ایجاد شدند. وقتی شاکيامونی در این دنیا بود هیچ متنی وجود نداشت، و وقتی عیسی در این دنیا بود نیز به همین صورت هیچ انجیلی وجود نداشت. مردم آنها را با به خاطر آوردن آنچه پیش از آن گفته شده بود بعداً نوشتند.

خدایان و بوداها اهمیتی نمی‌دهند به شکل‌هایی که مردم ایجاد کردند، بنابراین چه فرقی دارد که چه شکلی را برمی‌گزینید؟ مذهب برای نوع بشر چیز بدی نیست، اما اگر مردم به خود شکل بچسبند، آنگاه مریدان مشتاق خدایان یا بوداها نیستند. همانطور که می‌دانید، در طول انقلاب فرهنگی آن معابد همگی خراب شدند. چرا خدایان در آن زمان دخالت نکردند؟ خوب، چرا [باید] دخالت می‌کردند؟ همه نوع افرادی به آن معابد می‌رفتند، و انواع و اقسام چیزها را درخواست می‌کردند. آن افرادی که چیزهایی از بودا طلب می‌کردند تزکیه نمی‌کردند. هدفشان از عبادت بودا این است که برکت بودا را دریافت کرد تا یک پسر داشت، ثروتمند شد، یا برکتی داشت که بلايا و مصیبت‌ها دفع شوند. آیا بودا آنجا است که آن را برای شما انجام دهد؟ بودا آنجا است که بطور اساسی از رستگاری تمام موجودات ذی‌شعور مراقبت کند و شما را به آسمان نجات دهد؛ اما در عوض، شما به دنبال راحتی در میان مردم عادی هستید. بنابراین برای بوداها، آن نوع از وابستگی درخواست کردن برای چیزهایی از بودا بدترین وابستگی است،

یک وابستگی که باعث می‌شود بودا احساس بسیار بدی داشته باشد. مردم نمی‌دانند در حال انجام چه کاری هستند. آنها با احساسات و روش تفکر بشری با بودا رفتار می‌کنند: «این را می‌گویم که شما بوداها و بودی‌ساتواها فوق‌العاده هستید، پر از رحمت و نیکخواهی. بنابراین بوداها و بودی‌ساتواها باید آروزهای مرا اجابت کنند. من می‌گویم که شما، این بودا، بزرگ هستید، پس بودا باید خوشحال باشد.» مردم فکر می‌کنند بوداها با چند کلمه مانند آن احساس خوشحالی می‌کنند. مردم فکر می‌کنند که قلب انسان‌ها می‌تواند قلب بودا را تحت تأثیر قرار دهد. فکر می‌کنند که چند تعارف، بودا را خوشحال خواهد کرد- چقدر خنده‌دار. وقتی فردی مانند او آنجا در حال عبادت مجسمه بودا است، آیا بودا می‌تواند آنجا بماند؟ آن بودا از شنیدن آن رنجیده شده و خیلی وقت است که رفته است. و از آنجایی که هیچ بودایی بر روی مجسمه نیست، آنوقت ارواح شروری که بی‌نظمی برای دنیا به ارمغان می‌آورند، می‌آیند و سوزاندن عود طلب می‌کنند. آنوقت مردم در حال عبادت چه چیزی هستند؟ همگی درباره این فکر کنید، فایده نگاه داشتن آن معبد چیست؟ اگر مردم آن را خراب نکنند، بوداها خودشان یک رعد و برق به آن می‌زنند. آیا ایده این نیست؟ بنابراین خدایان فقط به قلب مردم نگاه می‌کنند. اگر قلب‌تان به استاندارد تزکیه نرسد، فایده دفاع شما از بودیسم یا مذاهب دیگر چیست؟ این موجودات انسانی هستند که آن چیزها را بوجود آورده‌اند. بنابراین آنچه از آن حمایت می‌کنید مذهب است، و شما به خود مذهب وابسته هستید. می‌گویید: «اگر از مذهب محافظت کنم، آنوقت می‌توانم یک بودا شوم، می‌توانم یک خدا شوم، و می‌توانم به بهشت بروم.» اما آیا آن یک شوخی نیست؟

شاگرد: آیا مسیحیت خیلی با فالون دافا تفاوت دارد، [یا] فقط یک تفاوت بین شرق و غرب است؟

معلم: تفاوت عظیم است، فالون دافا، فا است که کیهان را خلق کرده است، شامل تمام موجودات ذی‌شعور، از جمله انسان‌ها و خدایان، بهشت‌ها و زمین، و تمام چیزها و اشیاء. تمام خدایان توسط دافای کیهان خلق شده‌اند. شما می‌توانید نگاهی به کتاب *جوآن فالون* بیندازید. در آن کتاب این مسائل را به روشنی توضیح داده‌ام. می‌توانید کتاب را بخوانید، زیرا نسخه انگلیسی *جوآن فالون* وجود دارد.

شاگرد: من یک سؤال دارم که امیدوارم شما جواب دهید. من تزکیه می‌کردم، و در طول بیش از سه سال به راحتی از سختی‌ها عبور می‌کردم، اما سال گذشته آزمایش‌ها شروع شدند. به مدت چند ماه در مدفوعم خون وجود داشت. چرا آنطور بود؟ اکنون آن سلامتی مرا تحت تأثیر قرار داده است. آیا به این شکل می‌توانم رشد کنم؟

معلم: شاید همگی شما متوجه شده‌اید که مشکلی در رابطه با سؤال مطرح شده وجود دارد. می‌خواهید آن بدون هیچ رویدادی مانند آن سه سال باشد، اما آیا تزکیه اینطور پیش می‌رود؟ آیا در آن سه سال کوشا بودید؟ آیا خود را حقیقتاً تزکیه‌کننده در نظر گرفته بودید؟ آیا بر طبق استاندارد بودید؟ گاهی اوقات در قلب‌تان مسائل خانوادگی را مهم‌تر از فا در نظر می‌گیرید، آنچه در ذهن‌تان هست پول درآوردن و وابستگی احساسات نسبت به خانواده است، به تمام آنها بیشتر از فا اهمیت داده می‌شود، و نمی‌خواهید کارمای خود را پس دهید یا هیچ سختی تحمل کنید. آیا آن یک مرید تزکیه‌کننده واقعی است؟ حتی پس از ده سال تزکیه به آن شکل هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. وقتی در ابتدا بطور حقیقی شما را بالاتر می‌برم، و پاکسازی بدن‌تان را شروع می‌کنم، لخته‌های خون، خون زائد، و چیزهای بد از گذشته، خارج می‌شوند. اما اکنون شما آن را دلیلی بر این می‌دانید که مشکلاتی در بدن‌تان وجود دارد. نمی‌توانید استواری و افکار درست را حفظ کنید، باور ندارید که این استاد است که شما را در طول تزکیه پالایش می‌کند. تزکیه موضوعی این چنین جدی است، و شما هنوز آن را بیماری در نظر می‌گیرید. چگونه به این مسئله نگاه می‌کنم؟ آیا آن گذراندن آزمایش است؟ قلب‌تان هنوز محکم و استوار نیست. در اصل این چیز خوبی است- پاک کردن کامل بدن‌تان برای شما. چه کسی چنین کاری را برای شما انجام می‌دهد؟ آیا این به شما داده نشده زیرا که خواستید تزکیه کنید؟ وقتی با این مشکل مواجه می‌شوید، نمی‌توانید به درستی آن را درک کنید، هنوز اینگونه به کندی تزکیه می‌کنید، و نمی‌توانید بطور کوشا پیشرفت کنید. وقتی نمی‌توانید اینها را از منظر فا درک کنید، آنوقت این روند که در آن، بدن‌تان پالایش می‌شود طولانی خواهد شد، و برای زمانی طولانی برطرف نمی‌شود، برای چندین ماه باقی می‌ماند. آنوقت افکار‌تان حتی کمتر

استوار می‌شود، و همانطور که زمان می‌گذرد امتحان سخت بزرگتر می‌شود، و گذراندن آن سخت‌تر می‌شود. فکر می‌کنید، «چرا آن مدت زیادی طول کشیده است، و هنوز عبور نمی‌کنند؟» افکار شروع به تزلزل می‌کنند: آیا این روش تزکیه مؤثر نیست؟ آیا معلم از من مراقبت نمی‌کند؟ چه اتفاقی در جریان است؟» آن هم اکنون بر سلامتی شما اثر گذاشته است. در مورد این موضوع شما خود را یک تزکیه‌کننده در نظر نگرفته‌اید.

در مورد بسیاری از مشکلات خاص بطور طبیعی ترجیح می‌دهم درباره آنها به شما نگویم. اما درباره آن فکر کنید، بعد از تزکیه دافا بسیاری از مردم هر بیماری لاعلاج که داشتند بهبود یافت، حتی بیمارانی در شرایط بحرانی بودند. آنها وابستگی نداشتند، و بنابراین بطوری کوشا رشد کردند و اصلاً درباره مشکلات سلامتی خود فکر نمی‌کردند. «بیمارستان پیشاپیش حکم مرگ را صادر کرده است، چرا از مرگ بترسم؟» امروز ما را کسب کرده‌ام. تزکیه خواهیم کرد! هر چقدر بتوانم پیش بروم خوب است، با تمام تلاشم تزکیه خواهم کرد! زمان تمرین است!» کم‌کم بیماری‌های آنها همگی ناپدید می‌شود، زیرا به آن هیچ وابستگی نداشتند. اما همچنین کسانی بودند که به بیماری‌هایی جدی دچار شدند، از جمله بیمارانی با امراض لاعلاج، و آنها درگذشتند. چرا آنطور بود؟ زیرا آنها کاملاً برای شفا یافتن آمدند، و به هنگام تمرین نتوانستند وابستگی خود را رها کنند. فکر کردند: «با تمرین فالون گونگ این شخص و آن شخص از یک بیماری لاعلاج رهایی یافتند. من نیز می‌توانم با تمرین آن بهبود یابم! من برای تمرین آمده‌ام، پس این معلم از من نیز مراقبت خواهد کرد!» آنها در حال فکر کردن هستند: «تا وقتی که کتاب را می‌خوانم، تا وقتی که تمرین‌ها را انجام می‌دهم، معلم قطعاً مرا شفا خواهد داد.» بنابراین می‌بینید، ذهن‌شان نسبتاً بسیار خاموش است. بنابراین هنوز در حال فکر کردن هستند: «معلم بطور قطع مرا شفا خواهد داد.» در ظاهر آنها مانند سایرین تزکیه می‌کردند و کتاب را می‌خواندند، اما آیا برای خاطر آن بیماری مطالعه نمی‌کردند؟ من باید به آنها از جنبه سرشت بنیادی‌شان نگاه کنم! تزکیه باوقار است. آیا در حال فریب دادن بودا هستید؟ آیا سعی می‌کنید استاد را فریب دهید؟ شما صرفاً خودتان را گول می‌زنید. بدون تغییر یافتن در سطح بنیادین، آیا آن می‌تواند تزکیه حقیقی به حساب آید؟ چرا اینطور است که شاگردان احتمالاً در رؤیاهای خود مورد آزمایش قرار می‌گیرند؟ وقتی تمام قصدها و نیات شما که می‌توانند [وابستگی‌های] شما را بپوشانند خواب هستند، آنوقت نگاهی می‌اندازیم ببینیم حالت شما چگونه است. شما باید واقعاً به استاندارد یک تزکیه‌کننده برسید - آیا اصول اینگونه نیست؟ اکنون دافا را یاد گرفته‌اید، اما بطور کوشا پیشرفت نکرده‌اید. به هر طریقی که شده فرصت را از دست ندهید. مردم زیادی هستند که نمی‌توانند حتی ما را کسب کنند.

شاگرد: چرا اینطور است که هرگاه در تمرین گروهی شرکت می‌کنم، همسرم احساس بسیار بدی دارد؟

معلم: آن به خاطر کارمای شماست. به محض برگزیدن تزکیه، چگونه می‌توانستید صرفاً از قرض‌های بسیاری که در طول زندگی‌های گذشته انباشته کردید پاک شوید و به راحتی یک خدا شوید؟ آیا آن مجاز است! وقتی یک خدا به وجود یک شخص نگاه می‌کند، فقط به یک دوره از زندگی او نمی‌نگرد. بازپیدایی یک زندگی پس از زندگی دیگر درست مانند رفتن از یک روز به روز دیگر است. اجازه ندارید بعد از خواب شب، وقتی که صبح بیدار می‌شوید بگویید آنچه دیروز انجام دادم را تأیید نمی‌کنم. آیا اینطور نیست؟ خدایان به کل وجود شما نگاه می‌کنند، و هر آنچه در دوره زمانی مشخص انجام دادید در نظر گرفته خواهد شد.

شاگرد: چگونه فرد سطح تحمل خود را افزایش دهد؟

معلم: در طول تزکیه آن بطور طبیعی بسط می‌یابد، زیرا این چیزی نیست که بتوانید بخواهید. هر چقدر وابستگی‌های بیشتری رها شود، قلب فرد بزرگتر و تحملش عظیم‌تر می‌شود.

شاگرد: در خواب دیدم که استاد چهار لیوان نوشیدنی برایم فرستادند، اما فقط یکی از آنها سالم رسید. روز بعد خواب دیدم چهار دختر داشتم، اما فقط یکی از آنها زنده ماند. هم‌تمرین‌کنندگان به این درک رسیدند که شاید من صرفاً یک چهارم از آنچه معلم داده است را دریافت کردم. آیا این درست است؟

معلم: این به شما نشان داده شده تا به آن روشن و آگاه شوید، بنابراین نمی‌توانم آن را افشا کنم. اگر آن را افشا کنم، آیا آنوقت اینطور نیست که برای حل کردن، آن [اشاره] را به خودم می‌دادم؟

شاگرد: بعد از رسیدن به قلمرو و سطح یک بودا، آیا هنوز یک روح اصلی و یک روح کمکی وجود خواهد داشت؟

معلم: در آن مرحله هیچ کدام نیست. آیا در جوآن فالون اشاره نکردم که بعد از رسیدن به کمال روح کمکی می‌تواند فقط به عنوان محافظ فا یا به برخی شکل‌های دیگر وجود داشته باشد؟

شاگرد: چین محیطی خوب برای تزکیه است. بعد از مدتی اقامت در استرالیا آیا نتایج تزکیه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؟

معلم: تحت تأثیر قرار نخواهند گرفت. تا وقتی که تزکیه می‌کنید، همه جا یکسان است.

شاگرد: وقتی برای یک ساعت در مدیتیشن می‌نشینم، معمولاً حس می‌کنم زمانی طولانی گذشته است، و باید با درد آن را پایان دهم. اما فهمیده‌ام که در آن زمان‌ها وقتی در حال پاک کردن کارما هستم و مدیتیشن می‌کنم، زمان بی‌نهایت سریع می‌گذرد. به نظر می‌رسد تقریباً یک لحظه باشد، و احساسم متفاوت است. آیا این موقعیت صحیح است؟

معلم: اینها تماماً حالت‌هایی در حین تمرین هستند، و پیش آمدن آنها کاملاً طبیعی است.

شاگرد: وقتی در زمان‌هایی که در حال پاک کردن کارما هستم، مدیتیشن می‌کنم، آیا هر دو سمت، کارما را از بین می‌برند؟

معلم: کدام دو سمت؟ آن سمتی که به خوبی تزکیه شده است درد را احساس نخواهد کرد، و در مورد پاهای جسمانی، آنها مطمئناً درد دارند. بعد نشستن برای زمانی طولانی، نه تنها پاهای تان درد خواهند گرفت؛ بلکه همچنین درد و کمرختی در پشت، احساس بی‌قراری، حالت تهوع وجود دارد. رنج بردن فیزیکی و ذهنی به این شکل است! درد در پاها تنها چیزی است که در سطح جسمانی تحمل می‌شود، و درحالی‌که مدیتیشن می‌کنید، باید با چیزهایی که باعث بی‌قراری می‌شوند نیز دست و پنجه نرم کنید! در آن مرحله می‌خواهید پاهای خود را باز کنید. بسیاری از تمرین‌کنندگان این چیزها را احساس می‌کنند. درواقع رنج بردن کارما را می‌زداید.

شاگرد: بسیار احساس خوشبختی می‌کنم که توانستم شخصاً شما را ببینم، و اکنون یک سؤال دارم. شما درباره تنها یک راه تزکیه را تمرین کردن گفته‌اید. اگر در طول زندگی روزمره متون و کتاب‌های بودیستی را بخوانم، فکر می‌کنم برای برخی شاگردان سطح پایین مانند خودم، باید سودمند باشد. ما می‌توانیم کم‌کم به استانداردها برسیم، زیرا بودیسم نیز فای بودا است. آیا درست است؟

معلم: فکر شما درست نیست، زیرا دافا و بودیسم یکسان نیستند. باید جوآن فالون را بیشتر بخوانید. واقعاً می‌خواهم چیزهای زیادی به شما بگویم. و آنچه می‌خواهید بدانید بسیار زیاد هستند، اما امروز وقت کافی ندارم. اینجا من در حال گفتگو درباره مشکلات مریدان تزکیه‌کننده هستم، مشکلاتی که به هنگام تزکیه در سطوح مختلف با آنها مواجه می‌شوند. اگر می‌خواهید تزکیه کنید، پس کمی کتاب را بخوانید. جوآن فالون را بخوانید، بعد می‌توانید تصمیم بگیرید. می‌توانید برای خودتان تصمیم بگیرید که تزکیه کنید یا متون بودیستی خود را بخوانید. دافا از تمام مذاهب متفاوت است.

شاگرد: با دیدن شما بسیار احساساتی شدم و زبانم بند آمده است. می‌خواهم چیزی بگویم اما نمی‌دانم چه بگویم. وقتی اینطور است، آیا خودآگاه اصلی من مبهم است، یا اینکه احساسات بشری که دارم بسیار قوی است؟

معلم: هیچ یک از آنها نیست. وقتی بسیاری از شاگردان - نه فقط شما - مرا می‌بینند، چیزی برای گفتن ندارند. به این دلیل که در آن زمان، بخشی از شما که به خوبی تزکیه کرده است هشیار می‌شود. بخشی که به خوبی تزکیه کرده است همه چیز را درباره اصول فا در آن قلمرو می‌داند، بنابراین با دیدن من چیزی برای پرسیدن وجود ندارد. استاد کارهای زیادی برای همگی انجام داده است، و بخشی از شما که آگاه است می‌داند. در ظاهر صرفاً درحال شرح دادن اصول فا برای شما هستیم، اما رشد واقعی شما در جنبه‌های دیگر، مانند پاک کردن کارما برای شما و بسیاری از کارهایی که برای شما انجام شده است - بخشی از شما می‌تواند آنها را ببیند. به همین خاطر به محض دیدن من فقط می‌خواهید گریه کنید، اما بخشی که به خوبی تزکیه نکرده است دلیل گریه را نمی‌داند. وضعیت اینگونه است. زیرا می‌دانید هیچ راهی نیست که بتوان این کارهایی که استاد برایتان انجام داده است را توصیف کرد. در این دنیای آشفته و غیرقابل نجات، در زمانی که اخلاقیات بشر به سرعت در حال سقوط است، به شما کمک می‌کنم کارما را از بین ببرید و چیزهای بسیاری به شما می‌دهم. اگر من این فرصت را به شما نمی‌دادم، هیچ کسی این کار را نمی‌کرد. بنابراین آن بخش از شما این را دیده است. این حالت به این شکل است. (تشویق)

شاگرد: می‌خواهم بپرسم چطور می‌توانم بفهمم که فا را بدست آورده‌ام؟ در گذشته دیابت و کلسترول بالا داشتم، و بعد از تزکیه در فالون گونگ همگی خوب شده‌اند. آیا این معنی را می‌دهد که هم‌اکنون فا را کسب کرده‌ام؟

معلم: آیا آن به این معنا نیست که از شما مراقبت می‌شود؟ تمرین تزکیه همیشه در ابتدا مستلزم این است که بدن تنظیم شود تا اینکه خوب شود، و سپس وارد مرحله تزکیه رسمی شد. شما هم‌اکنون تغییرات را تجربه کرده‌اید. اگر از شما مراقبت نمی‌کردم، آن تغییرات اتفاق نمی‌افتادند. آنوقت آیا این نمونه‌ای از تغییرات پیش‌آمده تحت تأثیر فا نیست؟ شما صرفاً باید کتاب را بسیار بخوانید، فا را زیاد مطالعه کنید، و بطوری کوشا پیشرفت کنید.

شاگرد: در تزکیه آیا مجاز هستیم که فرمول‌های تمرین را به هنگام انجام آنها از بر بخوانیم؟

معلم: فرمول‌ها را پیش از انجام تمرین‌ها از بر بگویید. در طول تمرین‌ها لزومی ندارد آنها را بخوانید، و بهتر است که اصلاً به چیزی فکر نکنید. آن بهترین است.

شاگرد: آیا شاگردانی که اکنون وارد تزکیه شده‌اند می‌توانند همراه با مریدانی که برای چندین سال تزکیه کرده‌اند به کمال برسند؟ برخی افراد مسن‌تر هستند که سطح سواد محدودی دارند، و برخی عوامل خود آنها وجود دارد، مخصوصاً داشتن توانایی ضعیف در درک فا. چگونه باید به تزکیه آنها به سوی کمال نگاه کنیم؟

معلم: نسل مسن‌تر را دست کم نگیرید، زیرا آن تماماً به میزان کوشا بودن خود فرد بستگی دارد، و شما نمی‌توانید اینگونه به سن فرد نگاه کنید. به محض اینکه فا را کسب کنید، همیشه زمان فراوانی به شما خواهد داد. اما اگر کوشا نباشید، اگر نتوانید خودتان را یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید، آنوقت همه چیز بیهوده است. به شما زمان زیادی می‌دهم. آن زمانی زیاد است برای اینکه کوشا باشید، نه زمانی برای اینکه بی‌اشتیاق تزکیه کنید.

شاگرد: سه روز پس از اینکه کودکم به دنیا آمد، یک غریبه مسن‌تر را دیدم که لباسی مشکی پوشیده بود و کلاهی بلند گذاشته بود، بچه را با یک پتو پوشانده بود. در خانواده من همه تزکیه‌کننده دافا هستند، بنابراین آن باید بدن قانون معلم بوده باشد و نه آن غریبه مسن. درک نمی‌کنم، پس آیا می‌توانم بخوادم استاد کمی این را توضیح دهند؟

معلم: من در سطوح مختلف تصاویر مختلف دارم، و بهشت‌های مختلف در سطوح مختلف دارم. همچنین، در مورد مکانی که کودک از آنجا برای کسب فا آمده است، یا اینکه موجودی الهی دارد که او را دنبال کرده و مراقب اوست، نمی‌توانم هیچ یک از اینها را به شما بگویم. فقط پیش بروید و تزکیه کنید. بعد از دیدن چنین چیزهایی شخص باید حتی کوشاتر باشد.

شاگرد: ما بسیار امیدواریم که مریدان دافای سفیدپوست که از دافا بهره‌مند شده‌اند بتوانند بطور فعالانه برای معرفی دافا به اعضای قوم و نژاد خود قدم پیش بگذارند.

معلم: هر مرید دافا، چه سفیدپوست، چینی، یا شخصی از دیگر قومیت‌ها باشد، می‌داند که در طول تزکیه باید چه کار کند.

شاگرد: بعد از رسیدن به استرالیا چهار ماه طول کشید تا یک محل تمرین پیدا کنم. تمام شاگردان به نظرم آشنا بودند اما تا به حال آنها را ندیده بودم. در کنفرانس تبادل تجربه، تمام تزکیه‌کنندگان دافا که دیده‌ام به نظر می‌رسید قبلاً با آنها ملاقات کرده‌ام و اصلاً به نظرم غریبه نمی‌آمدند. چرا آنطور بود؟

معلم: البته که اینطور است. مریدان دافای ما همگی فای یکسانی را تزکیه می‌کنند، همگی در دافا تزکیه می‌کنند. آن سمتی که به خوبی تزکیه کرده است خیلی خوب یکدیگر را می‌شناسند، و در میان خودتان، شاید شما همدیگر را از زندگی دیگر می‌شناسید.

شاگرد: مغز معمولاً خالی است، اما اغلب برخی افراد از من می‌پرسند، «تو گفتی فالون گونگ خوب است، بنابراین چرا چیزی به خاطر نمی‌آوری؟»

معلم: به این دلیل که آن بخشی که خوب تزکیه کرده است، بخشی که تا حالت وضوح و روشنی تزکیه کرده است، مسدود شده است، درحالی‌که سمتی که مبهم است همیشه سمتی است که به خوبی تزکیه نکرده است. نگذارید چیزهایی که با شما مداخله می‌کنند دوباره اثری از خود نشان دهند.

شاگرد: از زمان کودکی تاکنون احساس بدبختی دارم. آیا احساس بدبختی نیز یک وابستگی است که باید از بین برود؟

معلم: درست است. از آن رها شوید، زیرا امروز شما خوش‌شانس‌ترین موجود در کیهان هستید. شما یک شاگرد دافا هستید، و حتی خدایان در آسمان‌ها به شما رشک می‌برند. پس چه چیزی وجود دارد که درباره آن احساس بدبختی کرد؟

کنفرانس دو روزه ما در حال پایان یافتن است. فکر می‌کنم که از طریق این کنفرانس فای دو روزه همگی پیشرفت‌هایی کرده‌اند. همچنین، این کنفرانس فا یک موفقیت کامل و بسیار خوب بود، نتیجه مورد نظر را بدست آورد. این کنفرانس فا هر شاگردی را قادر کرده است تا ببیند کجا کوتاهی دارد، و بعد در تزکیه، هر یک از آنها بطور کوشا به پیشرفت ادامه خواهد داد، اعتمادشان به تزکیه را ایجاد می‌کند، و باعث می‌شود این کنفرانس فا حقیقتاً به هدفش برسد. این هدف برگزاری کنفرانس است. همچنین امیدوارم کنفرانس فا به این شکل الهامی در نظر گرفته شود که شما از حالا به بعد در تزکیه در برابر خود مسئول باشید. تقریباً تعدادی شاگردان جدید اینجا نشسته‌اند، و برخی هستند که درک زیادی از دافا ندارند. از آنجا که آمدید و تمام آن را دیدید، امیدوارم یک نسخه از کتاب را بگیرید و آن را بیاموزید. [درباره آن فکر کنید] چرا افراد زیادی آن را می‌خوانند، و چرا بسیاری از افراد تزکیه می‌کنند؟ شاید شما فضایی هماهنگ را اینجا در این مکان ما تجربه کردید. در حال حاضر فرد نمی‌تواند چیزی مانند این را پیدا کند، در هر موقعیت یا مکانی هم که باشد.

در حالیکه این را انجام می‌دهم مسئول بودن در برابر مردم و جامعه را در نظر داشته‌ام، و کمتر اینطور است که برای جامعه سبب دردسر شویم. مهم نیست شاگردان ما در کدام مناطق زندگی می‌کنند، آنها افرادی خوب هستند. هرگاه با مشکل یا سختی مواجه می‌شویم، باید قلبی رئوف و نیکخواهی را به کار ببریم تا با دیگران صحبت کنیم، و آن قطعاً برای شما مجاز نیست که سمت منفی نقشی را ایفا کند.

این کنفرانس فا رو به اتمام است، و امیدوارم همه شما از حالا به بعد کوشاتر باشید. بعد از این کنفرانس فا حتی شاگردان بیشتری خواهند بود که فا را مطالعه می‌کنند، از گذشته به عنوان عاملی برای پیشرفت و الهام برای آینده استفاده می‌کنند، و فکر

می‌کنم همه شما قادر خواهید بود به خوبی عمل کنید. در آخر، امیدوارم همه شما بطور مستمر رشد کرده و به زودی به کمال برسید! (تشویق)

^۱ - یادداشت مترجم: واژه‌ی چینی این‌جا برای «بیماری»، می‌تواند محدوده‌ی وسیعی از مشکلات سلامتی را دربر گیرد، شامل کمردرد، ورم مفاصل، مشکلات بینایی و غیره.

^۲ یادداشت مترجم: بطور کلی باور بر این است که بهار و پاییز دوره جنگ ایالتی از ۷۷۰ قبل از میلاد تا ۲۲۱ قبل از میلاد طول کشید، و اینکه دوره سه امپراتور و پنج پادشاه از ۳۰۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد به طول انجامید. باور بر این است که کنفوسیوس در ۵۵۱ قبل از میلاد متولد شد و در ۴۷۹ قبل از میلاد درگذشت.

^۳ یادداشت مترجم: کلمات چینی در اینجا تا حدودی کلی‌تر از معادل انگلیسی آنهاست.

^۴ ترکیب آنچه با خود آورده‌اند و توانایی‌شان برای تحمل کردن ثابت است.

^۵ یادداشت مترجم: این اشاره می‌کند به تلاشی که توسط تمرین‌کنندگان فالون گونگ برای دادخواهی از مقامات چینی، در ۲۵ آوریل ۱۹۹۹ صورت گرفت.

^۶ یادداشت مترجم: این اشاره دارد به اولین ضرب و شتم و دستگیری غیرقانونی تمرین‌کنندگان توسط پلیس چین که کمی بعد از تجمع ۲۵ آوریل اتفاق افتاد.